

هفته

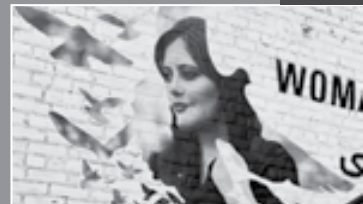
سال پانزدهم - پنجشنبه / ۱۹ آبان ۱۴۰۱ / ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲

۷۰۴

بها: ۳۵ دلار

www.hafteh.ca

تورنتو



تابلوی «مهسا امینی» اثر جاسمین دردن،
نقاش کانادایی در خیابان پارلمان تورنتو

مونترال



پزشکان ایرانی کانادا: جایزه اورولوژی را
دکتر سیم‌فروش ندهید!

ونکوور



افشین قطبی سرمربی یک تیم تازه
تاسیس ونکووری شد

تن زن در تاریخ سینمای ایران

نگاهی به حجاب در سینمای مردسالار قبل از انقلاب ۵۷

آرش و شیرین شکور

کارشان رسمی املاک مکنونی و تجاری شما
در مونترال و حومه



استودیو، یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: زمستان ۲۰۲۳، بهار ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$295,000+Tax
محله: De la Savane

پارکینگ سرپوشیده و انباری
به همراه وسایل برقی آشپزخانه
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه، پنت هاوس
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$345,000+Tax
محله: LaSalle

پارکینگ سرپوشیده و انباری
وسایل برقی آشپزخانه+ماشین لباسشویی/خشک کن
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



پیش فروش
ویژه

دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$580,000+Tax
محله: Pointe Claire

پارکینگ سرپوشیده و روباز
استخر روباز و سرپوشیده
تراس مشترک روی سقف
باشگاه مجهز و مدرن
پارک کودک

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹



دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بی‌همه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروژه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاغل چون فروشگاه (دارای cold room)، دفتر کار،
کلینیک، آتلیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۷۹ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

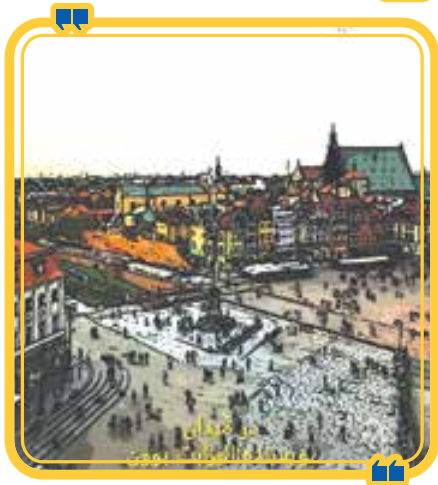
- bimeh.ca
- bimeh.ca
- 514-296-7306
- bimeh.ca@gmail.com

مژگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



داستان: نویسنده: الیزابت بوون
مترجم: مریم حسینی
در میدان

داستان دنباله‌دار: بهروز مایل‌زاده
ماجراهای من و میکائیل
بخش ۲

معرفی کتاب: مصطفی عزیزی
سه کتاب از سه گونه درباره زندان و
انفرادی در جمهوری اسلامی

شعر: سعید کریمی و مرجان شاهوران
ژینا و دو سروده از شاهوران



مهدیس مختاری
اعلام موجودیت گروه «برای ایران» در
مونترال

مک گیل: پرفورمنس «نه به اعدام»
رعب‌انگیز است اما توثیق سروش شهریاری
آزادی بیان

سیده صالحی
حمایت از دانشجویان ایران در تجمع
اعتراضی مونترال

پگاه شریفی
تابلوی «مهسا امینی» در خیابان پارلمان
تورنتو

پزشکان ایرانی کانادا: جایزه اورولوژی را
به دکتر سیم فروش ندهید!



سعید نوری
تن زن در تاریخ سینمای ایران
نگاهی به حجاب در سینمای مردسالار قبل از
۱۳۵۷

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN 1918-4379 HafteH

Head Office:
1980 Sherbrooke St. W.
Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مردخام

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۰۴
پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۱ / ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲
بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:
پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

۴۲ تریبون آزاد هفته



علی مهاجرانی
نگاهی به نوشته لودووار درباره آلترناتیوها
بعد از پایان رژیم اسلامی

ماهان آشوری، حقوق دان
از تحریم‌های کانادا چه می‌دانیم؟

بابک فرزانی
جمهوری اسلامی، مدل حکومتی شکست
خورده

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



سیاست؛ شاهین شهسواری
آیا ایرانیان بر جمهوری اسلامی پیروز
خواهند شد؟
گزارش سی.بی.سی: انقلابی آغاز شده که نشانی
از پایان آن نیست

سیاست؛ گروه ترجمه هفته
چرا کانادا سپاه را در فهرست گروه‌های
تروریستی قرار نداده است؟

اقتصاد؛ آرمین آریان‌پور
افزایش شغل، خبری امیدبخش در آستانه
ورود به دوران رکود

جامعه؛ گروه ترجمه هفته
چرا کارکنان آموزش و پرورش انتاریو
اعتصاب کردند؟

۶۲ آریانا



آریانا، گفت‌وگو؛ نرگس هاشمی
مصاحبه‌ی اختصاصی «هفته» با دکتر
خوش نظر پامیرزاد

آریانا، داستان؛ جمیله هاشمی
اشک رئیس جمهور

۵۶ جامعه

دیدگاه؛ مهرنوش موسوی
یک انقلاب، دو تصویر!
نگاهی به نمادهای ملی گرایانه در اعتراضات داخل
و خارج کشور

سلامتی؛ گروه ترجمه هفته
صف طولانی انتظار عمل جراحی در انتاریو
برای کودکان مبتلا به بیماری مادرزادی

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس‌پور
شیرینی کشمش
سخن ستارگان، برای تفنن
سرگرمی؛ خاطره تحویل‌داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی

سردبیر: خسرو شمیرانی

سرمدیر آنلاین: آرشد مجیبی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: سیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی‌محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامتی: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان‌پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

کدام مهم‌تر است: هویت و پرچم گروه «من» یا پیروزی جنبش آزادیخواهی در ایران؟



آن طرف تهران. چه می‌شد؟ لایه‌های مختلف ناسیونالیسم ایرانی علیه هم سنگر می‌گرفتند. جمهوری اسلامی فوری متوجه شکاف می‌شد، هم تهران را و هم سنندج را به اسم جلوگیری از تجزیه‌طلبی می‌کوبید، غائله را می‌خواباند. داخل کشور به نرخ نان بربری محاسبه کرده، به اعتقاد من این انتخاب صرفن ایدئولوژیکی نیست. انقلاب آمده حکومت را بیندازد. هر نوع پلتفرمی که مانع این کار باشد کنار می‌رود. سؤال این است آیا واقعاً ما با پرچم شیروخورشید، با پلتفرمی مواجهیم که علیرغم ظاهرش می‌خواهد مانع سرنگونی شده، دست را عوض کند؟ به این برمی‌گردیم.»

در جای دیگر نویسنده افزوده است: «خارج کشور هم با پرچم شروع نکرد. اول همه، دور مسئله زن و مهسا و سرنگونی جمع شدند. حتی در تظاهرات تعیین‌کننده برلین، اول برگزارکنندگان خواهش کرده بودند بدون پرچم ظاهر شوند. مثل داخل کشور بیایند تظاهراتشان را بکنند و بروند. یک جریان از حاشیه جنبش راست بلند شد، به صورت اگرسیو، با تهدید و ارعاب و ارسال پرچم، تلاش کرد قلاده ملی گردن مردم کند.» خواندن این مطلب را به علاقه‌مندان جنبش آزادیخواهی ایران و به آن‌ها که مسیر پیروزی را از راه همبستگی مردم می‌بینند به شدت توصیه می‌کنم. مقاله خانم مهرنوش موسوی را می‌توانید روی صفحه فیس‌بوک ایشان و یا روی سایت «هفته» بخوانید.

نژادی و زبانی به همبستگی مردم که کمر به مبارزه برای آزادی بسته‌اند خلل وارد کند و در نتیجه از نمادهای قومی و ملی و... بهره‌برداری نمی‌کنند.

به استدلال خانم مهرنوش موسوی اینکه مردم در داخل از نمادهای گروهی خاص و حتی از پرچم شیروخورشید استفاده نمی‌کنند به همین دلیل است. البته که در داخل از نمادهای مختلف و همچنین پرچم شیروخورشید استفاده می‌شود اما تصاویر و گزارش‌ها حاکی از آن است که در مقایسه با گستردگی جنبش این نمادها خیلی محدود در دست معترضان دیده می‌شود یا در شعارهایشان منعکس می‌گردد.

خانم مهرنوش موسوی در نه بند نسبتاً مشروح نظر خود را توضیح داده و برای آن استدلال کرده است. او از جمله نوشته است:

«داخل کشور می‌خواهد سرنگون کند. برای همین مدام نهیب به خارج کشور می‌زند که دست از بازی پرچم بردارید. حکومت باید سرنگون شود. چراکه داخل کشور فهمیده ملی‌گرایی و میهن‌پرستی به سرنگونی نمی‌انجامد به جنگ داخلی منجر می‌شود. به اعتقاد من این دو تا پلتفرم است. یکی سرنگونی است. یکی ممانعت از سرنگونی است. مثالی بزنم. جریان مهسا از سقز شروع شد. همان روز اول کافی بود به اعتراض علیه کشتن مهسا رنگ قومی بزنند. این طرف سنندج می‌ایستاد،

چند روز پیش مطلبی از یک دوست قدیمی از آلمان به دستم رسید. نوشته بود مقاله از محمدرضا عالی‌پیام، طنناز خوب کشورمان است، عنوان مطلب: یک انقلاب در دو تصویر. درباره مطلب با آقای بابک یزدی صحبت می‌کردم، اشاره کرد مطلب از خانم مهرنوش موسوی است و در فیس‌بوک ایشان منتشر شده است.

مطالب «هفته» اصولاً اصیل و تولید تیم تحریریه هستند اما به نظرم این نوشته منطقی‌ترین تحلیل از چرایی و چگونگی همبستگی موجود در جنبش آزادیخواهی در داخل کشور است. در این مقاله مقایسه‌ای ارائه شده میان اعتراض‌های داخل و تظاهرات‌های خارج از کشور. شاید آقای عالی‌پیام هم به همین دلیل مطلب را روی سایت خودش بازنشر کرده و این سوءتفاهم برای برخی به وجود آمده که احياناً نویسنده آقای عالی‌پیام است.

به‌هرحال چکیده مطلب خانم مهرنوش موسوی این است: مردم در داخل انتخاب کرده‌اند که به‌هیچ‌روی و به هیچ بهانه‌ای اجازه ندهند مسیر جنبش از سرنگونی رژیم منحرف شود؛ آن‌ها نمی‌خواهند جبهه‌گیری‌های قومی و



اخبار گزارش‌ها



بانک مرکزی کانادا: نرخ بهره پایه باز هم باید افزایش یابد



تیف مکلم، رئیس بانک مرکزی کانادا

نیز همچنان با تورم بالا و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن دست و پنجه نرم خواهند کرد.» نرخ تورم سالانه کانادا در ماه سپتامبر ۶.۹ درصد اعلام شد. نرخ تورم در کشور در ماه ژوئن به بالاترین سطح خود در سال جاری یعنی ۸.۱ درصد رسید اما از آن پس روندی نزولی را طی کرد.

معمولاً پس از انتشار گزارش‌های سیاست پولی، از مقامات بانک مرکزی کانادا خواسته می‌شود درباره وضعیت اقتصادی و مالی کشور به نمایندگان مردم توضیح دهند.

منبع: وبسایت شبکه خبری لاپرس

در زنجیره تأمین می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی در کشور کمک کند باین‌حال اتخاذ چنین سیاست‌هایی نمی‌تواند نیاز به افزایش بیشتر نرخ تورم را برطرف کند.

کارولین راجرز و تیف مکلم Tiff Macklem رئیس بانک مرکزی کانادا با حضور در کمیته امور بانکی سنای کانادا به سؤالات سناتورهای درباره سیاست‌های پولی اصلی‌ترین نهاد مالی کانادا، وضعیت اقتصادی فعلی کشور و چشم‌اندازهای موجود پاسخ دادند.

آقای مکلم تصریح کرد: «اگر امروز برای بهبود شرایط تلاش‌های لازم را انجام ندهیم و تصمیمات دشوار اتخاذ نکنیم، شهروندان کانادایی در آینده

در شرایطی که افزایش نرخ تورم و هزینه‌های زندگی این روزها به یکی از دغدغه‌های اصلی همه کانادایی‌ها تبدیل شده و بحث درباره تأثیر افزایش پیاپی نرخ تورم بهره توسط بانک مرکزی کانادا بر وضعیت اقتصادی همچنان داغ است، معاون اول بانک مرکزی کانادا روز چهارشنبه از ضرورت افزایش بیشتر نرخ تورم سخن گفت. کارولین راجرز Carolyn Rogers، معاون اول بانک مرکزی کانادا، امروز تأکید کرد حل‌وفصل مشکلات عرضه و برطرف کردن اختلالات موجود

امسال در نمایشگاه کتاب مونترال چه خبر است؟

عرصه ادب و هنر به نمایندگی از طرف بیش از ۶۰۰ خانه نشر در نمایشگاه کتاب مونترال شرکت خواهند کرد.

برخی نویسندگان برجسته کبکی مثل میشل ژان، روانی سن-آوار، کریستین بروئی و همچنین برخی مؤلفان از نقاط دیگر از جمله برنارد وربر و اریک امانوئل اشمیت در نمایشگاه کتاب مونترال حضور خواهند داشت.

رادیو کانادا نیز برای ترویج هر چه بیشتر فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی برخی از رویدادهای نمایشگاه کتاب مونترال را به‌صورت مستقیم پوشش خواهد داد.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

کتاب روزهای ۲۳ تا ۲۷ نوامبر به کاخ کنگره مونترال دعوت شده‌اند. این رویداد سالانه فرصت مناسبی برای آن‌هاست تا با آثار برتر و جدید در عرصه ادبیات و هنر آشنا شوند. البته در همین ارتباط از یازدهم نوامبر برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف دیگری هم در داخل شهر مونترال و در فضای مجازی برگزار خواهد شد که هر کدام جذابیت خاص خود را خواهند داشت.

پس‌ازاینکه نمایشگاه کتاب مونترال به مدت دو سال به علت پاندمی کرونا تعطیل شد، امسال برای دومین سال پیاپی است که این رویداد دوست‌داشتنی در کاخ کنگره برپا می‌شود. نزدیک به دو هزار نویسنده و شخصیت فعال در



کارگاه‌ها و میزگردها، جلسات و مراسم اهدا و رونمایی از تازه‌های کتاب با حضور نویسندگان زن و مرد و متصدیان صنعت چاپ و نشر و سخنرانی‌های مؤلفان و صاحبان اندیشه درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که در چهل و پنجمین نمایشگاه کتاب مونترال انتظار شما را می‌کشد. مسئولان برگزاری نمایشگاه کتاب مونترال روز سه‌شنبه از مهم‌ترین برنامه‌های این رویداد فرهنگی رونمایی کردند. علاقه‌مندان و شیفتگان

کریستیا فریلند، کیم کمپبل و نازنین افشین‌جم نامه اخراج ایران از کمیسیون وضعیت زنان را امضا کردند

آمریکا، استرالیا و آلمان از اعضای این کمیسیون هستند اما کانادا عضو آن نیست.

برخی از دیگر شخصیت‌های برجسته نیز این نامه را امضا کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به ملاله یوسفزی، فعال معروف پاکستانی، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا، میشل اوباما و لورا بوش، دو بانوی اول سابق آمریکا و همچنین کریستین لاگارد رئیس بانک مرکزی اروپا اشاره کرد.

منبع: وبسایت شبکه خبری لاپرس

وضعیت زنان وابسته به سازمان ملل متحد محروم گردد.

نازنین افشین‌جم، نویسنده ایرانی-کانادایی نیز این نامه را امضا کرده است.

دوره چهارساله عضویت ایران در کمیسیون یادشده اخیراً آغاز شده است.

امضاکنندگان این نامه تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی به علت ظلم و ستم نظام مندی که علیه زنان مرتکب شده و سرکوب خشونت باری که علیه مدافعان حقوق بشر به اجرا گذاشته است، می‌بایست به طور خودکار رد صلاحیت می‌شد و به این کمیسیون راه پیدا نمی‌کرد.



کریستیا فریلند، معاون نخست‌وزیر کانادا و کیم کمپبل نخست‌وزیر پیشین کانادا، نامه‌ای را امضا کردند که ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم ایران علیه زنان، اخراج این کشور را از کمیسیون بین‌المللی وضعیت حقوق زنان خواستار شده است.

امضاکنندگان این نامه که نیویورک تایمز در شماره امروز یکشنبه خود منتشر کرد، خواستار آن شده‌اند که ایران از کرسی خود در کمیسیون

اعلام موجودیت گروه «برای ایران» در مونترال یکی از بنیانگذاران این گروه به هفته می گوید: خواهان تغییر رژیم از طریق فراندوم هستیم

برای ایران

و گفت: هدف ما ابتدا شنیدن همه صحبت‌ها از هر نهاد و انجمن با هر نوع اعتقاد و اندیشه است و تا اندیشه‌های متفاوت کنار هم قرار نگیرند و صدایشان شنیده نشود، نمی‌توانیم به همبستگی و هدف اصلی که همان رساندن صدایمان به گوش مردم دنیا است، برسیم. ما امروز در بطن یک انقلاب قرار داریم و بچه‌های ما در ایران فارغ از هر نوع اختلاف عقیده و تفرقه‌ای در خیابان‌ها مشغول مبارزه هستند پس ما ایرانیان خارج از کشور نیز برای همسو شدن با آن‌ها باید به اتحاد و توافق نظر برسیم.

وی همچنین افزود: گروه «برای ایران» از همه ایرانیان مونترال با گرایش‌های متفاوت که دل در گرو ایران‌زمین دارند و این روزها نیز سرشار از غم و خشم و هیجان و امید به تحول هستند دعوت به همکاری و همفکری می‌نمایند.

متن کامل بیانیه اعلام موجودیت این گروه در وبسایت هفته موجود است.

دکتر بهروز شریف نائینی، یکی از بنیان‌گذاران این گروه به خبرنگار هفته می‌گوید هدف از شکل‌گیری «برای ایران» اتحاد و همبستگی افراد و گروه‌ها با باورها و گرایش‌های مختلف برای رسیدن به هدف مشترک در کنار یکدیگر است. وی افزود برای تغییر رژیم، خواهان فراندوم زیر نظر سازمان ملل هستیم و مطالباتمان ایجاد دموکراسی، آزادی بیان و حفظ تمامیت ارضی و ایجاد جامعه سکولار است.

«برای ایران» که ماهیت گروهشان را ائتلافی از اندیشه‌های متکثر می‌دانند، تلاش دارند تا با هرگونه سهم خواهی حزبی و ایدئولوژیک، کج‌اندیشی، منیت‌های فردی و همین‌طور ظهور فرصت‌طلبان مقابله کنند.

خانم دکتر تینا فرشاد گهر از دیگر بنیان‌گذاران این گروه نیز در گفت‌وگو با خبرنگار هفته به مهم‌ترین اهداف و اقدامات این گروه اشاره کرد

گروه «برای ایران» در مونترال با هدف انعکاس صدای جنبش زن، زندگی، آزادی مردم ایران اعلام موجودیت کرد.

به گزارش خبرنگار هفته، گروه «برای ایران» خود را فارغ از گرایش‌های حزبی و جناحی و جمعی متشکل از فعالان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دانشجویی مونترال معرفی کرده با این اهداف که در راستای خیزش‌های اخیر ایرانیان در داخل و خارج از کشور، همسو با شعار راهبردی زن زندگی آزادی، صدای هم‌میهنان داخل کشور باشند.

بنیان‌گذاران این گروه می‌خواهند آغازی دوباره برای اتحاد و همبستگی ایرانیان را رقم بزنند و انجمن‌ها و گروه‌ها و جنبش‌های مختلف را با هر اندیشه و اعتقادی به دور یک میز دعوت کنند تا صدای حق خواهی ایرانیان را هرچه بهتر و رساتر به گوش مردم دنیا برسانند.

یک بام و دوهوای مک‌گیل:

اجرای پرفورمنس «نه به اعدام» رعب‌انگیز است اما توثیق سروش شهریاری آزادی بیان

یکی از برگزارکنندگان پرفورمنس «نه به اعدام» مقابل سردر دانشگاه مک‌گیل در روز ۳ نوامبر، می‌گوید اجرای این برنامه که با سنگ‌اندازی انتظامات این دانشگاه روبرو شده بوده، درنهایت با حمایت پلیس مونترال برگزار شد.

به گزارش خبرنگار هفته، روز سوم نوامبر تعدادی از هنرمندان مستقل مقابل سردر دانشگاه مک‌گیل برنامه‌ای در اعتراض به صدور حکم اعدام





برای معترضان در ایران برگزار کردند. یکی از برگزارکنندگان این پرفورمنس که نمی‌خواهد نامش فاش شود جزئیاتی درباره سنگ‌اندازی انتظامات دانشگاه مک گیل برای اجرای این

برنامه در اختیار خبرنگار هفته قرار داد.

وی گفت: «پس از هماهنگی و کسب اجازه از پلیس برای تحصن مقابل سر در دانشگاه به‌سرعت میزانشن اجرا را طراحی کردیم. اسامی و عکس‌های اعدام‌شدگانی همچون ریحانه جباری، عاطفه رجبی سهاله، نوید افکاری، روح‌الله زم و... را به‌صورت پوستر جمع‌آوری و چاپ کردیم و قرار شد هر یک از پرفورمرها در قالب یک نقش در حالی که طناب دار به گردن آویخته‌ایم اعتراضمان را به سرکوبها و اعدام‌ها اعلام کنیم.»

وی افزود: «در همان ساعت اولیه، انتظامات دانشگاه مک گیل آمد و مانع از اجرای برنامه شد با این توجیه که تحصن با دانشگاه هماهنگ نشده و شما نمی‌توانید روی سکو اجرا داشته باشید. انتظامات همچنین مدعی شد اجرای این نمایش باعث ایجاد رعب و وحشت رهگذران می‌شود؛ این در حالی بود که ما هنوز چیدمان خودمان را هم انجام نداده بودیم.»

این منبع آگاه افزود: «پس از تحمل فشارها و استرس‌ها سرانجام با حمایت پلیس مونترال، انتظامات دانشگاه عقب نشست و متقاعد شد، ما هم توانستیم برنامه خودمان را اجرا کنیم.»

به گزارش خبرنگار هفته سنگ‌اندازی انتظامات مک گیل در حالی انجام‌شده که این دانشگاه پیش‌تر با این توضیح که در کانادا آزادی بیان وجود دارد، حاضر نشده سروش شهرداری استاد خودش را که خواهان اعدام معترضان در ایران شده بود از کار برکنار کند.

حال جای این پرسش از مسئولان دانشگاه مک گیل وجود دارد که چگونه اعتراض به حکم اعدام در ایران مشمول آزادی بیان نیست و حتی رعب و وحشت خوانده می‌شود اما درخواست برای اعدام معترضان در ایران از سوی سروش شهرداری از مصادیق آزادی بیان در نظر گرفته می‌شود؟

پگاه شریفی

افشین قطبی سرمربی یک تیم تازه تاسیس ونکووری شد



گفته بود: «در ایران دوست نداشتند یک آمریکایی - ایرانی سرمربی تیم ملی باشد با این حال تاج به من تبریک گفت که سرمربی تیم ملی شدید، من هم در شیراز در رختکن با سرخپوشان خداحافظی کردم اما در کمتر از یک ساعت همه چیز عوض شد و دایی سرمربی تیم ملی شد همان‌جا متوجه شدم رابطه در ایران حرف اول را می‌زند.»

گفتنی است، افشین قطبی در یکی از پست‌های اینستاگرامش با انتشار عکس پرنده‌ای سفید برای ایران نوشته است: «قلبم با توست» افراد زیادی هم زیر این پست؛ نام مهسا امینی هشتگ زده‌اند و البته عده‌ای هم از اینکه او خیلی موضع شفافیتی در این زمینه نگرفته است؛ او را نکوهش کرده و کامنت‌های تندوتیزی هم گذاشته‌اند.

وابسته به طیف اصولگرا نوشت: «قطبی سرمربی یک تیم دوروزه در کانادا شد»، سایت ورزش سه نوشت: «انتقال غیرمنتظره و شگفت‌انگیز قطبی به کانادا.»

افشین قطبی در نوجوانی ایران را ترک و به آمریکا رفته و فوتبال را در این کشور شروع کرده است. او همچنین مدتی کمک‌مربی تیم ملی فوتبال آمریکا و کره جنوبی بوده است.

سال ۲۰۰۷ برای سرمربیگری تیم فوتبال پرسپولیس تهران به ایران بازگشت و پرسپولیس با او به قهرمانی لیگ برتر ایران رسید اما در سال ۲۰۰۸، از سرمربیگری در این تیم استعفا داد و ایران را ترک کرد.

قطبی که یکی از کاندیداهای تیم ملی بود در مورد عدم انتخابش و ترک ایران در مصاحبه‌ای

افشین قطبی مربی فوتبال ایرانی ساکن آمریکا؛ این روزها خود را برای مربیگری تیم فوتبال ونکوور اف.سی آماده می‌کند. این تیم؛ دوم نوامبر - چهارشنبه هفته گذشته - تأسیس شده و مالک آن راب فرتد بازیکن سابق تیم ملی کانادا است. به گزارش هفته؛ افشین قطبی که در سال‌های گذشته همیشه یکی از گزینه‌های روی میز برای تیم‌های مطرح لیگ برتر ایران بوده است، سرانجام به کانادا و ونکوور جواب مثبت داده و احتمالاً باعث خوشحالی بسیاری از ایرانیان ساکن این شهر؛ خصوصاً طرفداران تیم سرخ پرسپولیس شده است.

این موضوع مورد توجه رسانه‌های داخلی هم قرار گرفت. خبرگزاری دولتی ایرنا، تیتراژ زد: «قطبی مرد اول تیم ستاره سابق کانادا شد» و تابناک

سپیده صالحی



حمایت از دانشجویان ایران در تجمع اعتراضی مونترال

است در بازداشت جمهوری اسلامی به سر می‌برد، به چشم می‌خورد و شعارهایی از جمله «از مونترال تا تهران، جانم فدای ایران»، «صدا صدای مهساست، این انقلاب زن هاست»، «سکوت ما شکسته، رژیم از هم گسسته» ... سر داده شد.

این تجمع در خیابان Mackay مونترال برگزار شد. پلیس این خیابان را در محدوده خیابان‌های مزونوف و شربروک غرب برای برگزاری گردهمایی بسته بود و جمعیت قابل توجهی از ایرانیان مونترال از آن استقبال کرده بودند.

در حالی که لباس دانشجویی به تن داشتند، پلاکاردهایی در حمایت از دانشجویان ایران در دست گرفته بودند. دانشجویانی که این روزها در ایران بی‌رحمانه نه تنها در برابر تهدید و اذیت‌های نیروهای حراست و بسیج دانشگاه قرار دارند که در مقابل ضربات باتوم و گلوله نیروهای سرکوب نیز قرار گرفته‌اند. شرکت‌کنندگان در این گردهمایی عکس‌هایی از توماج صالحی، رپر معترض که هفته پیش بازداشت شد را نیز همراه داشتند و شعارهایی برای آزادی این خواننده رپ ایرانی سر داده شد. همچنین عکس‌هایی از حسین رونقی، روزنامه‌نگار و کنشگر مدنی که چند هفته

شنبه گذشته ایرانیان مونترال بار دیگر در حمایت از معترضان و دانشجویان ایران گردهم آمدند تا صدای همبستگی خود با مردم ایران را به گوش همگان برسانند.

به گزارش خبرنگار هفته، این تجمع که به دعوت جنبش «زن، زندگی، آزادی» برگزار می‌شد و گروه ICU نیز برای آن فراخوان داده بود، در حمایت از دانشجویان ایران که این روزها با شجاعت و عزم راسخ در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی می‌کنند، شکل گرفته بود.

در این گردهمایی تعدادی از جوانان مونترالی



پگاه شریفی

تابلوی «مهسا امینی»، اثر جاسمین دردن، نقاش کانادایی در خیابان پارلمان تورنتو

به گزارش هفته؛ این اثر را «جاسمین دردن» نقاش تورنتویی؛ به سفارش فردی ایرانی به نام «والنتینو فرزاد اربابی» که او هم ساکن تورنتو است کشیده. جاسمین در صفحه اینستاگرام خود درباره این اثر نوشته است: «من هرگز ن بر اساس فاکتورهای نژادی یا مذهبی از زنان نقاشی نمی‌کنم. من

اگر این روزها از خیابان پارلمان ۴۲۰ گذشته باشید؛ تصویری آشنا از این روزهای ایران، توجه شما را به خود جلب می‌کند. نقاشی دیواری سیاه‌وسفید از چهره مهسا امینی در میانه پرندگانی در حال پرواز و در کنار آن، شعار این روزهای ایرانیان در تمام جهان؛ یعنی «زن، زندگی، آزادی» به انگلیسی.





پزشکان ایرانی کانادا: جایزه اورولوژی را به دکتر سیم فروش ندهید! او مدافع تفکیک جنسیتی است و مخالف ورود واکسن کرونا به ایران بود

را در موقعیت‌های مختلف از جمله آموزش و درمان جدا می‌کند.

دکتر کتابون رهنوردی، پزشک خانواده در ونکوور می‌گوید: «اگر فردی مانند دکتر سیم فروش در کانادا (با این طرز فکر) کار می‌کرد، از هر جامعه و سازمان پزشکی حرفه‌ای اخراج می‌شد. اما اکنون ما به او جایزه می‌دهیم.»

دکتر حمیدرضا عبدی، استاد اورولوژی دانشگاه وسترن لندن انتاریو که از شاگردان سیم فروش بوده؛ می‌گوید: «او یک پزشک عالی است که از دیدگاه‌های عقب‌مانده حمایت می‌کند و من به خاطر افرادی مثل او از ایران فرار کردم. الان که دختران و پسران ایرانی در خیابان‌ها در حال جنگیدن هستند؛ زمان بسیار نامناسبی برای جایزه دادن به چنین شخصیتی است.»

بر اساس این گزارش دکتر سیم فروش به ایمیل آن‌ها مبنی بر رد یا قبول این موارد جوابی نداده است.

انجمن بین‌المللی اورولوژی هم هنوز جوابی در این رابطه که آیا سیم فروش به مونترال می‌رود یا خیر نداده و ادعا کرده؛ دریافت‌کنندگان جایزه را بررسی می‌کند. آن‌ها تأیید کردند که چندین ایمیل در این رابطه دریافت کرده‌اند؛ اما این اتهامات اثبات نشده است. آن‌ها اعلام کردند؛ سیم فروش را بر اساس دستاوردهای پزشکی او انتخاب کرده‌اند و نمی‌توانند بگویند که این ادعاها درست است یا خیر. «

این انجمن گفته در حال انجام تحقیقات مناسب است در حالیکه پزشکی که دادخواست آنلاینی را در این زمینه طراحی کردند، می‌گویند هرگز برای تأیید ادعاهای آن‌ها تماسی گرفته نشده و نامه آن‌ها به ملانی جولی؛ وزیر امور خارجه هم بدون پاسخ مانده است.

دفتر جولی و امور بین‌المللی کانادا هم در روز جمعه در مورد اینکه آیا SIU باید جایزه را ارائه کند یا خیر، اظهارنظری نکرده است. اداره مهاجرت کانادا هم گفته است که نمی‌تواند در مورد موارد خاص اظهار نظر کند و مثلاً بگوید آیا برای سیم فروش ویزا صادر شده و یا نشده است.

گفتنی است دکتر سیم فروش در آمریکا تحصیل کرده و سرپرستی بخش اورولوژی را در بیمارستان شهید لبافی‌نژاد تهران بر عهده دارد.

با نزدیک شدن زمان اهدای جایزه خدمات برجسته اورولوژی توسط انجمن بین‌المللی اورولوژی کانادا که در مونترال مستقر است؛ به دکتر ناصر سیم فروش که از جمله پزشکانی بود که با ورود واکسن‌های غربی کرونا به ایران؛ مخالفت کرده بود؛ گروهی از پزشکان ایرانی ساکن کانادا؛ از این تصمیم ابراز انزجار کردند. به گزارش هفته؛ آن‌ها پیش‌ازاین هم با تهیه طوماری از انجمن جهانی اورولوژی (SIU) خواسته بودند که از تصمیم خود مبنی بر اعطای جایزه ممتاز شغلی و حرفه‌ای به دکتر ناصر سیم فروش، اورولوژیست در ایران خودداری کند.

سیم فروش در اوایل سال ۲۰۲۱، با امضای نامه‌ای سرگشاده از جمهوری اسلامی خواست واردات واکسن‌های مدرن را که ساخت آمریکا هستند به ایران ممنوع کند، با این استدلال که فناوری غربی غیراستاندارد است.

امضائندگان این نامه مدعی شده بودند که این واکسن‌ها می‌توانند ایجاد تغییرات ژنتیکی کنند. در بخشی از نامه آن‌ها آمده بود: «مروزه بیوتروریسم امری خیالی و ذهنی نیست؛ نظر به اینکه شواهد مسلم عینی از این شیظنت‌ها و نیز تست محصولات دارویی و واکسن‌ها در کشورهای آفریقایی و جهان سوم نیز وجود دارد.»

به نقل از نشنال پست؛ پزشکان ایرانی ساکن کانادا او را متهم به انتشار اطلاعات نادرست درباره COVID-19 و حمایت از نگرش‌های جنسیتی رژیم جمهوری اسلامی کرده‌اند، با این حال انجمن بین‌المللی اورولوژی (Societe Internationale d'Urologie) از دکتر ناصر سیم فروش دعوت کرده تا در ۱۰ نوامبر از مونترال بازدید و جایزه خدمات برجسته را دریافت کند.

دکتر مهیار اطمینان، اپیدمیولوژیست چشم‌پزشکی در دانشگاه بریتیش کلمبیا، این فرد را مظهر همه آن چیزهایی خوانده که کانادا از آن حمایت نمی‌کند و گفته است: «امضای این نامه جلوگیری از یک درمان نجات‌بخش در زمانی بود که مردم و بسیاری از همکاران پزشک من با خطر مرگ مواجه بودند.» در همین حال، کسانی که زیر نظر سیم فروش درس می‌خوانند، می‌گویند که او تمام تلاش خود را برای تفکیک تعاملات پزشک و بیمار بر اساس جنسیت انجام داده است و مدافع رژیمی است که مردان و زنان

همیشه زنی را انتخاب می‌کنم که شجاع و جاه‌طلب است و به من الهام می‌دهد تا نسخه بهتری از خودم باشم! به همین دلیل بود که وقتی از من خواستند برای مهسا امینی نقاشی دیواری بکشم، بلافاصله قبول کردم. مهسا نماینده ظلمی است که به زنان در ایران می‌شود. شجاعت او اکنون جرقه جسارت را در تعداد بی‌شماری از دختران در سراسر جهان برانگیخته و بزرگ‌ترین انقلاب زنان در تاریخ را ایجاد کرده است!

وقتی زنان را می‌بینم که کارهای شجاعانه انجام می‌دهند، به من هم امیدواری می‌دهند که می‌توانم قوی باشم و کارهای بزرگ انجام دهم. من امیدوارم این نقاشی دیواری به زنان ایران هم امید بدهد و کار من هم به‌عنوان یک هنرمند؛ الهام‌بخش دیگر دختران باشد که شجاع باشند و به دنبال زندگی رؤیایی خود بروند!

جاسمین همچنین در گفت‌وگویی هم که با سیتی نیوز داشته؛ مهسا را نمونه‌ای از یک زن شجاع و نترس توصیف می‌کند و درباره اینکه چرا مهسا را درون عقابی در حال پرواز تصویر کرده، توضیح می‌دهد: «من عقاب را انتخاب کردم چراکه نشانه‌ای از قدرت؛ شجاعت و امید است. به نظرم هم سمبل درستی است از مسیری که این روزها در حال طی شدن است.»

فرزاد اربابی سفارش‌دهنده ایرانی این نقاشی که در تورنتو زندگی می‌کند، درباره انتخاب جاسمین برای تصویر کردن مهسا می‌گوید: «من درد را زمانی را دیدم که در حال کشیدن آلیشیا کیز (خواننده و بازیگر آمریکایی) بر روی یک دیوار بود. جاسمین؛ نقاشی دیواری را شگفت‌انگیز انجام داده بود و برای همین من از او پرسیدم آیا می‌توانی تصویری هم از مهسا برای جنبش این روزهای ایران؛ بکشی؟ او هم قبول کرد.»

فرزاد به گفته خودش زمانی که تنها ۱۶ سال داشته توسط پلیس اخلاق در تهران مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و دو روز هم در جست‌وجوی او بوده‌اند. در نهایت خانواده، فرزاد را به آلمان می‌فرستند.

او می‌گوید: «من مجبور شدم ایران را ترک کنم و این (سفارش نقاشی) کار کوچکی بود که می‌توانستم انجام دهم برای اینکه نامیدی و انزجارمان را از دولت (جمهوری اسلامی) نشان دهم.»

گفتنی است، یک QR در پایین نقاشی مهسا امینی در خیابان پارلمان ۴۲۰ است و با اسکن آن می‌توانید؛ تصویر عقابی را در حال پرواز ببینید.

عبدالله صفوی
مشاور مالی

بیمه و سرمایه‌گذاری

مشاوره رایگان
اگر روز تماس بگیرید،

(514) 467-8491



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel

sahar.samadaei@gmail.com

Cell: 514.625.2525

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

مونتreal

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمدزا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

550 - 1 Pl. du Commerce,
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1

clo L'Agence



EQUIPE
AMY ASSAAD
CREATIVE IMMIGRATION AGENT | QUALIFIED REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی



10% PREMIER DES COURTIERES
AU CANADA
AVEC NOTAL LEPAGE

در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد

مانیا نیازی



AMY ASSAAD

INFO@AMYASSAAD.CA

514 884 8000

MANYA NIAZI

MANYA@AMYASSAAD.CA

514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1485 AV. 381KUR, MONTREAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

Sutton

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونتreal بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743

سعید نوری

تن زن در تاریخ سینمای ایران

نگاهی به حجاب در

سینمای مردسالار قبل از ۱۳۵۷



پرونده
هفته



تن زن در تاریخ سینمای ایران و بحث اخلاق

تن زن در تاریخ سینمای ایران همیشه محل بحث اخلاقی بوده و واکنش‌ها به آن، نشانگر میزان پایبندی به اخلاق و عرف جامعه ایرانی بوده است که در تیپ‌های شخصیتی سینما همیشه برای تماشاگر آن دوران جالب توجه بوده است و حتی خود سینماگران وقت انتخاب هنرپیشه نه فقط به صورت او که به اندامش و اینکه چه رفتاری را با خود همراه خواهد کرد توجه نشان می‌دادند. مسئله حجاب، در سینمای قبل انقلاب و نوع پوشش بدن و سر زنان، طبقه اجتماعی و فرهنگی آنان را معین می‌کرده است و همچون نصیحت کلامی که از اولین فیلم‌های سینمای ایران بخش عمده‌ای از دیالوگ‌نویسی برای شخصیت‌ها و موضع اخلاقی آن‌ها و تعهدشان به سنت‌ها را مشخص می‌کرده، نوع پوشش سر و بدن و داشتن انتخاب برای داشتن یا نداشتن حجاب، میزان پایبندی شخصی به اخلاقیات عرفی جامعه را بروز می‌داده است. تنوع برخورد در مسئله حجاب و تناقض‌های مکرر در فیلم‌ها رسیدن به یک فرمول اخلاقی واحد برای تعیین تکلیف در این زمینه را غیرممکن کرده و این از قوت سینمای ایران است که منشوری از دیدگاه‌ها و عقاید مختلف حدس حتمی و قطعی در این باره را منتفی می‌کند و برای هر دیدگاهی در فیلمی، نمونه معکوس یا ناقضش در فیلمی دیگر دیده می‌شود.

اما اگر از ابتدا به نقش دراماتیک حجاب و تطبیق آن با خلیقات جامعه ایرانی نظر کنیم تدریجاً از دل فیلم‌ها این تنوع رفتاری سر بیرون می‌کند. در فیلم مادر (۱۳۳۰، اسمعیل کوشان)، دلکش تا وقتی خواننده است بدون روسری است اما بعد از آزاد شدن از زندان در اغلب اوقات او را با روسری می‌بینیم در حالیکه در فیلم افسونگر (۱۳۳۱، اسمعیل کوشان) دلکش وقتی از روی ناچاری برای خوانندگی به کافه می‌رود روسری توری سیاهی بر سر دارد

که بر نجابت او و وفاداری به همسر زندانی‌اش صحنه بگذارد. اغلب دختران دهاتی و ایلیاتی با لباس و سربند یا دستار محلی در فیلم‌ها تصویر شده‌اند اما در گلنساء (۱۳۳۱، سرژ آزاریان) بازی با موهای بلند بافته معصومه خاکیار، یکی از ابزارهای او وقت حرف زدن و خیالبافی برای رفتن به شهر است. در این میان یکی از عوامل مقبولیت فیلم گاو (۱۳۴۸، داریوش مهرجویی) بعد از انقلاب همین محجبه بودن تمامی زنان روستا و عدم حضور دختران امروزی شهری در فیلم و منحصر شدن فضای فیلم به روستا بود چراکه اغلب فیلم‌سازانی که فیلم روستایی می‌ساختند تقابل فرهنگ شهر و روستا مدنظرشان بود و همین سبب می‌شد یا پای شهری‌ها به ده کشیده شود یا پای دهاتی‌ها به شهر و آن وقت نمایش متفاوت حجاب و باورهای اخلاقی و رفتاری آن‌ها دستمایه پیشبرد قصه!

هشدار پوششی و دخالت برای هم‌رنگ جماعت کردن زن‌ها اغلب توسط خودشان در فیلم‌های سینمای پدرسالار مردسالار قبل از انقلاب انجام شده است. از ابتدای دهه سی، شرافت و نجابت واژه‌هایی هستند برای توصیف این زنان باحیا و پوشیده و متعاقبش هرزه و دنباله‌روی هوا و هوس اغلب توصیفگر دختران بی‌حجاب سر به هوایی است که گول مردان شهری یا ژینگولوه‌های تازه از فرنگ برگشته را می‌خورند و اگر موفق به توبه نشوند عاقبتی جز تباهی ندارند! البته دختران دهاتی چشم و گوش بسته و باحجاب که قربانی اربابان می‌شوند هم در کنار این دختران کنجکاو بی‌تجربه و فریب‌خورده و رهاشده شهری هستند. اگرچه دست تقدیر عامل مهم شکل‌دهنده سرنوشت اکثر زنان دهه سی است اما ظاهر محجوب برای نجات و ظاهر امروزی متجدد به جز استثنائاتی چون دختر چوپان (۱۳۳۲، معزالدیوان فکری) کلیشه همیشه این دهه محسوب شده است. دختر چوپان، با بازی شهلا ریاحی، از معدود

باحجاب شده و مرد که انتظار ندارد او را در این شمایل ببیند اول نمی‌شناسد.

زنان مطرود و دربه‌در در سالیان اول دهه چهل با روسری

اغلب زنان مطرود و دربه‌در در سالیان اول دهه چهل روسری به سر دارند تا حفظ تنش‌ها برای تن ندادن به تن‌فروشی را القاء کنند. آذر حکمت‌شعار در فرشته‌ای در خانه من (۱۳۴۲- آرامائیس آقامالیان) یا فریبا خاتمی در شکوفه‌های امید (۱۳۴۳، رضا صفایی) و پوری بنایی در یک قدم تا بهشت (۱۳۴۵) و آذر شیوا در سلطان قلب‌ها (۱۳۴۷، محمدعلی فردین)، همگی زنان مطرودی هستند که نوزادی روی دستشان مانده با روسری مشکی و لباسی به تیرگی روزگارشان دربه‌در دنبال کار می‌گردند و قصد می‌کنند نوزادانشان را سر راه بگذارند چراکه کسی به زن بچه‌دار کار نمی‌دهد. در عوض هم در مسافری از بهشت (۱۳۴۲، نصرت‌الله وحدت) و هم در ترانه‌های روستایی (۱۳۴۳، مهدی رییس‌فیروز)، دختر فریب‌خورده‌ای که از مردی فراری حمله شده روسری سفید به سر دارد که برآتش او از هر گناه عمدی را حتمی جلوه دهد. آنچه متناقض می‌نماید این است که در فیلم‌هایی که به زنان تجاوز می‌شود حجاب چه روسری باشد چه چادر هیچ‌وقت مانع مردان متعرض نبوده و اغلب دختران شهرستانی فریب‌خورده با شهری‌های مورد تجاوز واقع‌شده باحجابند. عروس دریا (۱۳۴۳، آرمان هوسپیان)، لذت گناه (۱۳۴۳، سیامک یاسمی)، قیصر (۱۳۴۸، مسعود کیمیایی)، ضعیفه (۱۳۵۱، ناصر رفعت)، صلوه ظهر (۱۳۵۳، سعید مطلبی)، ناجورها (۱۳۵۳، سعید مطلبی)، مرد خدا (۱۳۵۶، رضا صفایی) و بسیاری دیگر از این نمونه‌ها اثبات این مدعا در طول دهه‌های متوالی است؛ انگار زنان محبیه بیشتر در خطر تعرض و بی‌پناه‌تر و بی‌دفاع‌تر از زنان مدرن شیک‌پوش بوده‌اند که همواره می‌توانستند مردها را در فاصله دلخواه با خود نگه‌دارند و حتی در صورت لزوم آن‌ها متعرض مردها باشند نه برعکس. پروین غفاری در تمام فیلم‌هایی که بازی کرده نمونه‌ای از این تیپ‌های شخصیتی مدرن اما اغلب بدطینت را ارائه داده که تقریباً در هیچ فیلمی چادر یا روسری موهای طلایی‌اش را نپوشانده و همیشه اوست که در نقش شکارچی مردان ظاهر شده است نه برعکس.

اما یکی از کارکردهای روسری خصوصاً سیاه‌رنگ آن‌وقت عزاداری خانواده‌هاست حتی اگر اعیان باشند و مد روز اما این روسری نشانه عزاداری آن‌هاست و بخشی از طراحی لباس شخصیت. در جنوب‌شهر (۱۳۳۷- فرخ غفاری)، فخری خوروش بعد از پرت شدن شوهرش از داربست و فوت او، روسری سیاه به سر دارد در بی‌تا (۱۳۵۱- هژیر داریوش) هم گوگوش که

دختران روستایی باحجاب است که به شهر می‌آید، کت‌ودامن می‌پوشد و موهایش را مدل می‌دهد اما به جای افتادن در دام رقاصه‌گی و سرگرم کردن مردان عیاش، پرستار بیمارستان می‌شود و تشخیص را برای نامزد دهاتی خود به ارمغان می‌آورد. همین تجربه بازیگر این نقش، باور توانایی تبدیل یک دختر روستایی بی‌سواد به پرستار بیمارستان را در فیلمی به کارگردانی خودش به نام مرجان (۱۳۳۵، شهلا ریاحی) را شکل می‌دهد. تغییر هویت از روستایی به شهری اغلب با کنار گذاشتن چادرنماز و روبنده و روسری و باز گذاشتن موهای سر در فیلم‌ها همراه بوده است. فیلم‌هایی چون بی

پناه (۱۳۳۲- گرجی عبادیا) و خورشید می‌درخشد (۱۳۳۵- سردار ساگر) از این نوعند. دختری که در آدمک (۱۳۵۱، خسرو هری‌تاش) در کاشان می‌ترسد بدون چادر به پشت‌بام خانه برای تماشای نوازندگان دوره‌گرد برود همتایان شهرستانی و روستایی یا ایلیاتی دیگری دارد که پایشان نه فقط به شهر که به فرنگ باز می‌شود اما این روند را طوری طی می‌کنند که وقتی زنان امروزی می‌شوند نهایتاً هویت خود را در لباس محلی می‌بینند. فیلم گل‌نساء در پاریس (۱۳۵۳، رضا صفایی) و شارلوت به بازارچه می‌آید (۱۳۵۶، عباس جلیوند) از این نمونه‌ها هستند. در برهنه خوشحال (۱۳۳۲، عزیز رفیعی) زن خانه‌داری که در خانه بی‌حجاب است برای سرراه گذاشتن نوزادش چادر سر می‌کند و بعد که به اصطلاح زیرچراغی می‌شود با چادر مشکی به تن‌فروشی تن می‌دهد. در عوض فیلمی چون واسطه‌ها (۱۳۵۳، حسن محمدزاده) از یک زن هرچایی به تدریج زنی اهل کار شرافتمندانه در اجتماع و تلاشگر و مبارز برای کسب استقلال می‌سازد که نهایتاً شرف از دست‌رفته‌اش را پس گرفته، با اثبات وفاداری خود، چادرش را سر می‌کند و از میان جماعت اعیان هرزه بیرون می‌زند. اما کشیدن روسری از سر زن شوهردار در صحنه‌ای از آخرین شب (۱۳۳۳، حسین دانشور) به نوعی تلاش برای بی‌آبرو کردن زنی است که توسط زن دیگری در تاریکی شب تعقیب می‌شود تا رابطه‌اش با یک مرد غریبه را برملا کند. در فیلم‌هایی که یک زن نقش دو دختر دوقلوی از هم جدا افتاده یا یک مادر و دختر را بازی می‌کند معمولاً یکی امروزی و شهری و بدون حجاب است و دیگری یا به دلیل شهرستانی بودن و تبعیت از فرهنگ سنتی یا به دلیل سن و سال از روسری استفاده می‌کند. از عروس فراری (۱۳۳۷، اسماعیل کوشان) تا قاتلین هم می‌گریند (۱۳۴۸، عزیزالله بهادری) و بعد از آن نمونه‌ها فراوانند. گذر زمان اما به شکل دور افتادن زن و شوهر از هم و نشناختن زن بعد از سالیان توسط مرد را هم در فیلم دنیای پوشالی (۱۳۴۷، خسرو پرویزی) روسری رقم می‌زند چراکه زن بعد از سالیان، حالا



رسیده (۱۳۴۰، محمود کوشان) مادر روسری‌بسته از دختر بلوز دامنی خود می‌پرسد چرا برای جشن پایان سال تحصیلی او را خبر نکرده، دختر در جواب می‌گوید که چون مادر می‌خواست با چادر به جشن بیاید دختر خجالت می‌کشیده او را به دوستانش معرفی کند. در فیلم آتش‌پاره تهران (۱۳۴۰، فرح‌الله نسیمیان) هم زن جوانی به دیگری که تازه از شهرستان آمده هشدار می‌دهد که اینجا تهران است نه کنار دریا و هم‌زمان آستین‌های بالازده دختر جوان را پایین می‌دهد و گره از پایین پیراهنش باز می‌کند و آن را روی پایین‌تنه‌اش می‌کشد تا او را پوشانده باشد. در صحنه دیگری از همین فیلم، پای دختر که از پتو بیرون مانده توسط خدمتکار زن با اعتراض زیر پتو داده می‌شود؛ رفتاری که در آقای هالو (۱۳۴۹، داریوش مهرجویی) تکرار می‌شود و علی نصیریان وقتی پای برهنه فخری خوروش را می‌بیند که وقت خواب از چادر بیرون افتاده، ژای تخت نشسته چادر را روی پای او می‌کشد. افراطی شده این رفتار در حاجی آقا آکتور سینما (آوانس اوگانیانس، ۱۳۱۲) دیده می‌شود که وقت ورود به دندانپزشکی و اشتباه گرفتن یک مجسمه برهنه با آدم بی‌حجاب، حاجی آقا راه رفته را برمی‌گردد تا روی مجسمه را بپوشاند و حجابش را درست کند.

یکی دیگر از رفتارهای نمایشی با حجاب، بالا زدن روبنده یا تور دختران جوان یا عروس‌ها در فیلم‌هاست تا صورت زن جوان بی‌پرده‌پوشی کشف شود. در آرامش قبل از طوفان (۱۳۳۹، خسرو پرویزی)، تابلوی نقاشی از پرتره دختر جوان جای خود را در خیال به صورت توری‌پوش خود او می‌دهد و در جهنم زیر پای من (۱۳۴۳- رضا صفایی)، فردین روبنده ضخیم ایلپاتی سهیلا را بالا برده روی سر عروس می‌گذارد که نشانه‌ای است از عقد آن دو و محرم‌شدنشان به هم. در داش‌آکل (۱۳۵۰، مسعود کیمیایی) وقتی مرجان غش می‌کند و برای آب زدن به صورتش روبنده‌اش را پای درخت بالا می‌دهند داش‌آکل او را می‌بیند و عاشقش می‌شود؛ انگار همین دریغ از تماشای زنان بوده که عشق‌های سوزان را در مردان مأخوذ به حیاء شعله‌ور می‌کرده است.

یک کارکرد نمایشی فراتر از حد معمول سنت‌ها

اما در یک کارکرد نمایشی فراتر از حد معمول سنت‌ها، در فیلم مشهدی عباد (۱۳۳۲- صمد صباحی)، علی تابش به‌جای عروس، لباس پوشیده تا در موقع موعود که داماد روبنده او را بالا می‌دهد او را با اسلحه گرم تهدید کند. همین ترفند استتاری برای نفوذ به سپاه دشمن با چادر و روبنده در یک فیلم حماسی سینمای ایران، حسین‌گرد شبستری (۱۳۴۵، اسماعیل کوشان) با



یک دختر جوان امروز است بعد از فوت پدر، روسری سیاه را با لباس سیاهش هماهنگ می‌کند. اصرار پروین سلیمانی برای نگه‌داشتن لباس و روسری سیاه بر تن در فیلم عشق و خشونت (۱۳۵۶، رضا صفایی) هم از نمونه‌های تأثیرگذار کارکرد روسری سیاه برای عزادار است که وقتی از او می‌خواهند برای این که پسر دومش نفهمد پسر اول در یک درگیری کشته‌شده لباس و روسری سیاهش را در بیاورد قیامتی به پا می‌کند که بیاوبین.

در فیلم‌هایی که دو زن از دو تیپ شخصیتی متفاوت وجود دارد یعنی یک زن خانه‌دار بچه‌دار و یک زن از راه به در برنده مردان و زنان جوان، اغلب اولی با حجاب است و به یک روسری کُل و کوتاه هم که شده حجاب به سر دارد و دومی با لباس‌های جذب تن و چسبان ظاهر می‌شود. آفت زندگی یا مرفین (۱۳۳۹- محمد علی جعفری) از این نمونه‌هاست. دو فیلم حسین آزدان (۱۳۵۳، رضا صفایی) و جاهل و رقاچه (۱۳۵۴، رضا صفایی) هم همین دو تیپ زن خانه‌دار چادرنمازی را مقابل زنان رقاچه و لوند بی‌حجاب قرار می‌دهد. عین همین برخورد در پشت و خنجر (۱۳۵۵، ایرج قادری) هم هست اما اینجا زن فاسق عمل‌گراتر از زن خانه است و گرچه قرار است خانمان-برانداز باشد اما از جایی به ستوه آمده تغییرجهت می‌دهد تا مرد را با ترک دادن از اعتیاد و چادر کشیدن از سر زن نجیب او و تصویر کردن آینده تباهی که در انتظار اوست از خواب غفلت بیدار کند. در فیلم حق و ناحق (۱۳۵۶، عزیز رفیعی) شرط ازدواج مرد برای ازدواج روسری سر کردن زن است که بلافاصله هم مورد پذیرش واقع می‌شود. جالب اینجاست که این دختر جوان صبح‌ها به‌محض بیدار شدن از خواب در کنار مادر شوهر آینده خود فوراً روسری سر می‌کند در حالیکه چندی بعد که با زن به‌اصطلاح بدکاره‌ای آشنا می‌شود اولین چیزی که از سرش می‌کشد روسری است. این زن حتی در خیابان چادرنماز سر کرده اما تا جلوی در سینما می‌رسد قبل از وارد شدن به ساختمان سینما به اصرار زن بدکار اول چادر را برمی‌دارد توی ساکش می‌گذارد بعد می‌رود تو.

زنان خانواده‌های متمول در فیلم‌های اواخر دهه سی و اول چهل

دختران خانواده‌های متمول در فیلم‌های اواخر دهه سی و اول چهل اغلب بی‌حجابند و به‌عنوان نسل جدید بی‌حجابی آن‌ها پذیرفته‌شده است اما مادرانشان گهگاه پایبند به روسری و چادرند. همین تفاوت عقیده و شکاف نسلی موجب فاصله میان آن‌ها می‌شود تا جاییکه وقتی در فیلم تازه به دوران



شرکت ایلوش خوشابه هم دیده می‌شود. در یک میلیونر و دو مفلس (۱۳۵۱، محمد متوسلانی) هم سپهرنیا برای ارسال یک خبر به عروس که قرار است ناخواسته زن دیگری بشود و به هم زدن مراسم با چادرنماز خود را استنثار می‌کند تا وارد جمعیت شود. در اکبر دیلماج (۱۳۵۲- خسرو پرویزی) مرد متعصب اصفهانی که مجبور می‌شود ظرف بشورد برای مخفی کردن خود از دید همسایه‌ها که او را در حین اعمالی که تصور می‌شود فقط زنان خانه باید انجام دهند و برای مرد ایرانی افت دارد که پای حوض توی حیاط ظرف بشورد چادرنمازی روی سر خود می‌اندازد تا شناسایی نشود. از این جالب‌تر زمانی است که در فیلم علی کنکوری (۱۳۵۲، مسعود اسداللهی)، علی برای فرار با دختر دلخواهش از دست پدر، وقت آبتنی او در حوض‌خانه و جلوی چشمش، لباس‌های پدر را با خود می‌برد که او نتواند آن‌ها را تعقیب کند اما پدر هم زرنگی می‌کند چادرنماز کلفت‌خانه را دور خودش می‌پیچد و آن‌ها را تا سپردن به کلانتری دنبال می‌کند. در کلانتری مأموران فکر می‌کنند که این چادر به سر، مادر علی است اما او چادرش را برمی‌دارد تا سر کچل و بدن پر مویش روشن‌گر وضعیت باشد. در دکتر و رقاصه (۱۳۵۳، خسرو پرویزی) هم مرتضی عقلی برای فرار از دست رقیبان کافه‌ای خود، چادر شورانگیز طباطبایی را قرض می‌کند و پا به فرار می‌گذارد. در فیلم نیزار (۱۳۵۴- محمود کوشان) هم یک زن و مرد هر دو با لباس مبدل از مهلکه‌ای می‌گریزند؛ علی زاهدی هیکل چاق مردانه‌اش را در چادرنماز گل‌گلی مخفی کرده است.

چادر بر سر مردان کم‌دین و کارکرد دراماتیک برای زنان

اما چادر غیر از موقعیت‌های کم‌دینی که مردان برای مقاصد مختلف به سر کشیده‌اند تا به مقصود برسند کارکردهای متنوع دراماتیک دیگری هم برای خود زنان داشته است. در آرشین مالالان (۱۳۳۸، صمد صباحی) زن چادر خود را به سبک نمایش‌های روحی حائل میان خود و مرد هیزی می‌کند که می‌خواهد بداند او چه شکلی است! همین رفتار در اغلب زنانی که نقش مادران را در فیلم‌های سینمای ایران بازی می‌کردند بارها دیده می‌شود. نادره در طوقی (۱۳۴۹، علی حاتمی) و مهری و دادیان در خواستگار (۱۳۵۱، علی حاتمی) نمونه‌هایی از این برخورد با چادرند. اما زن چادر سیاه فیلم خشت و آیین (۱۳۴۳، ابراهیم گلستان) که بچه‌ای را روی صندلی عقب تاکسی جا می‌گذارد و می‌رود و بحث بر سر اینکه چنین عملی جرات می‌خواهد نه چادر، این حجاب را به ابزاری دراماتیک که با سیاهی شب جور است تبدیل می‌کند.

در عوض، تاجی، زن اصلی همین فیلم، از کافه تا رسیدن به خانه روسری به سر دارد و آنجاست که هم روسری برمی‌دارد هم لباس عوض می‌کند. سبب آشنایی زوج جوان در صادق کرده (۱۳۵۱، ناصر تقوایی) لحظه‌ای است که صادق چادر از سر دختر می‌کشد و سیلی می‌خورد تا بفهمد با حجاب دختر جنوبی نباید شوخی کند. در رگبار (۱۳۵۱، بهرام بیضایی) هم پای فنی‌زاده سهوا روی چادر پروانه معصومی می‌ماند تا او نتواند تا قبل از ردوبدل شدن اولین نگاه‌های عاشقانه، میدان مجادله را ترک کند. عامدانه همین رفتار یعنی پا گذاشتن روی چادر دختران جوان یک‌بار در پُل (۱۳۵۰، خسرو پرویزی) و یک‌بار هم در ضعیفه (۱۳۵۱، ناصر رفعت) دیده می‌شود. اما در طوقی (۱۳۴۹، علی حاتمی) دختری که قرار بوده برای آسَد مصطفی عقد شود وقت دیدن او چادر سر می‌کند و سید مصطفی بار اول آن را به حساب شرم و حیای دختر می‌گذارد اما وقتی می‌فهمد که خواهرزاده‌اش با دختر رابطه گرفته و عصبانی به خانه می‌آید چادر از سر دختر می‌کشد تا به این تظاهر خاتمه دهد اما باز آنجاست که می‌فهمد این دختر به عقد خواهرزاده‌اش درآمده و چادر را روی تن و بدن دختر می‌اندازد. یک نمونه از چادر روی سر زن انداختن هم در قصاص (۱۳۴۹، نظام فاطمی) دیده می‌شود؛ جاییکه ناصر برای بازپس دادن کودک گروگان گرفته می‌خواهد به پوری بنایی تعرض کند اما تا او چادرش را می‌اندازد ناصر این زوج گنه‌کار را می‌بخشد و چادر زن را روی سرش می‌اندازد و او را راهی می‌کند. زنان چادری در فیلم چشمه (۱۳۵۰، آربی اوانسیان) با دنباله‌روی از شایعات، چادر از سر مهتاب نجومی می‌کشند و درخواست سنگسارشان را علنی می‌کنند؛ فیلمی که در چند سکانس قبل‌تر پرویز پورحسینی را نشان می‌دهد که چادر زن برهنه را جلوی تنش می‌گیرد تا او خودش را بیوشاند. در فرار از تله (۱۳۵۰، جلال مقدم) مرتضی بعد از چادر کشیدن از سر معشوقه سابقش مهری و شنیدن حکایت اجبار او در ازدواج با اوس فرج، چادر را از روی زمین برمی‌دارد و روی سر او می‌اندازد. سعید راد هم در خروس (۱۳۵۲، شاپور قریب) برای نمایش خاطرخواهی خود، خامدستانه چادر از سر سپیده می‌کشد؛ مهدی فخیمزاده هم وقت تعریف کردن سوءتفاهم یک تجاوز در فیلم مجازات (۱۳۵۴، مهدی فخیمزاده)، چادرنماز را روی تن زن برهنه می‌کشد. در عوض، در فیلمی چون مغربی (۱۳۵۲، رضا فاضلی)، زن به اصطلاح حيله‌گر هوسباز، با مخفی‌شدن زیر چادر و رو گرفتن افراطی، مرد معتمد محل را خفت می‌کند و به دام بی‌بند و باری خود می‌کشد. همین بازیگر، یعنی شهناز تهرانی در زنبورک (۱۳۵۱، فرخ غفاری) هم یک زن چادری روبنده دار دوران قجر را بازی



فیلم‌های محلل (۱۳۵۰، نصرت کریمی) و تختخواب سه‌نفره (۱۳۵۱، نصرت کریمی) مطرح می‌شود که زن‌ها برای پوشاندن موی سر ممکن است حتی دامانشان را روی سرشان بکشند که تمام جانانشان پیدا شود اما موی سرشان دیده نشود. این انتقاد طنزانه حتی در فیلم دزد و پاسبان (۱۳۴۹، محمود کوشان) که نصرت کریمی نویسنده آن است هم بروز کرده که در آن مرد هیزی مثل تقی ظهوری ناصح دختر جوان است و هم‌زمان که نصیحت می‌کند ناخنک هم می‌زند و زبانش یک چیز را توصیه می‌کند و دستش عکس آن را! همین نصیحت کلامی درباره وقار و حجاب و پوشش مناسبی که مانع قضاوت مردم درباره دختران جوان امروزی باشد در فیلم رسوای عشق (۱۳۴۹، احمد نجیب‌زاده) از زبان یک پدر بازاری شنیده می‌شود که به قول خودش طبق فرمایش مولا علی، بچه‌هایش را مطابق زمانه بار آورده اما چون برای یک مرد حاجی خوب نیست که عکس بی‌حجاب دخترش پشت ویتترین عکاسی باشد بهتر است دختر برود و عکس را از عکاس بگیرد؛ غافل از اینکه اتفاقاً همین عکس پشت ویتترین عکاسی بخت دختر را باز می‌کند.

روسری گذاشتن یا برداشتن و موقعیت‌های دراماتیک

اما روسری بستن یا روسری از سر برداشتن هم در بسیاری فیلم‌ها در موقعیت‌های مختلف دراماتیک دیده می‌شود. در فیلم مادر فداکار (۱۳۴۲، ابراهیم باقری)، مادری که برای کار وارد حرفه بازیگری می‌شود در صحنه‌ای روسری از سر خود می‌کشد تا هویتش را برملا نکند. همچنان که خانم فروزان از ساحل انتظار (۱۳۴۲، سیامک یاسمی) که برای بیرون رفتن با عاشقش روسری سر می‌کند تا قلندر (۱۳۵۱، علی حاتمی) که برای فرار از خانواده و پیوستن به مردش چارقد و چادرسایه و روبنده نقاب‌دار می‌کشد که تا قبل از رسیدن به مقصود شناسایی نشود همیشه با چادر و روسری به‌عنوان ابزاری برای بازیگری‌اش استفاده کرده است. او در بدنام (۱۳۵۰، شاپور قریب) برای حفاظت خود از زخم‌زبان‌های اهالی محل چادر سر می‌کند اما در واقعیت شغلش رقاصی است و یک شب یکی از اهالی محل که پشت یک تیر چراغ‌برق مخفی شده چادر از سر او می‌کشد تا همه ببینند که این دختر ظاهرالصلاح درواقع همان رقاصه رستوران باغی شهر است که شب‌ها مردان را کیفور می‌کند.

یکی دیگر از نمونه‌های جذاب استفاده از روسری در فیلم کلک نزن خوشگله (۱۳۵۵، سعید مطلبی) است که بیوه مرشد برای جلوگیری از رفتن ملک‌مطیعی از محل به خاطر بی‌وفایی مردم، لچکش را از سر می‌کشد پیش

می‌کند که فاسق‌های تاق و جفت می‌گیرند تا شوهر پیر بزانش را بچزاند. در جوجه‌فکلی (۱۳۵۳، رضا صفایی) همین رو گرفتن افراطی دختر جوان در کوچه با چادر نماز فضایی کم‌دی رقم می‌زند.

اما در عوض زن فراری فیلم مهرگیا (۱۳۵۴، فریدون گله) مثل یک شیخ، شبانه چادرش را در تاریکی باد می‌دهد و پای‌برهنه می‌دود تا یکی از زیباترین نماهای تاریخ سینمای ایران را بیافریند. نمایی که شبیهش، یعنی باد دادن چادر و تبدیلیش به بال یا القای پرواز از شادی در خیلی دیگر از فیلم‌های سینمای ایران دیده شده است، چه در میان درختان یا کنار دریا. در بابا خالدار (۱۳۵۴، مسعود اسداللهی) که دو مرد برای پیدا کردن هویت یک مرد گمشده مجبورند شلوار تمام کسانی که مشکوکند را پایین بکشند تا خال روی بدنش را ببینند، زن جنوبی چادرسایه حائلی می‌سازد مثل پرده تا پشت آن دو مرد بتوانند معاینات خود را به نتیجه برسانند. اما از ترفندهای زنان با حجاب می‌توان به خداحافظ تهران (۱۳۴۵، ساموئل خاچیکیان) اشاره کرد که حکایت دختر جوانی است که برای پرستارشدن ترک منزل می‌کند و در برگشت برای شناخته نشدن توسط پسر صاحب‌خانه که حالا عاشق اوست در خانه چادر نماز سر می‌کند و رو می‌گیرد و حتی پسر صاحب‌خانه هم تعجبش را از این تغییر مخفی نمی‌کند. در قصه دل‌ها (۱۳۴۸، حمید مجتهدی)، فریبا خاتمی با چفیه مردان عرب که دور سر و صورت خود پیچیده، خود را به مقر قاچاقچیان می‌رساند که همه فکر می‌کنند او یک پسر است. در نوبر اصفهان (۱۳۵۰، مهدی رییس‌فیروز) وحدت عزم تهران دارد اما حاضر نیست دخترعمویش که نامزدش هم هست با خود ببرد. این است که دختر عمومی امروزی، خود را به هیئت یک پیرزن چادر نمازی با چارقد و عینک استتار می‌کند و کنار دست او در اتوبوس جاخوش می‌کند و با یک شوخی که سرش را به بهانه خواب روی شانه وحدت می‌گذارد دستش را برای او رو می‌کند. در تعقیب تا جهنم (۱۳۵۲، روبرت اکهارت)، ایرن برای مخفی کردن خود در میان فوج مردان جنگجو، سر خود را با دستاری که انتهایش را مثل روبنده روی نیمه پایین صورتش کشیده مخفی کرده اما چشمانش او را لو می‌دهند و مرتضی عقیلی دستار از سرش می‌کشد. دویدن برای چادر سر کردن دختران و زنان برای فرار از دیده‌شدن توسط نامحرم در فیلم‌های سینمای ایران کم نیست. یکی از نمونه‌های شاخص این رفتار در قصاص (۱۳۴۹، نظام فاطمی) است که گوگوش برای چادر سر کردن در حضور ملک‌مطیعی شتاب می‌کند. اما فراتر از این برخورد عرفی با حجاب در حضور نامحرم، برخوردهای افراط‌گرایانه‌ایست که به شکلی انتقادی از نگاه سنتی صرف به مسئله حجاب در



پای او می‌اندازد و شرط می‌کند که برای رفتن از روی لچک رد شود و فقط به شرط تغییر تصمیم برای ماندن در محل و زندگی میان همین مردم خطاکار اما پیشیمان خم شود و آن را بردارد و دوباره روی سر این پیرزن بیندازد. روسری در چریکه تارا (۱۳۵۷، بهرام بیضایی) یکی از ابزار بازی بازیگر در لحظات مختلف است و بارها گذاشتن یا برداشتنش در موقعیت‌های مختلف فیلم تکرار می‌شود. حتی در یک صحنه که دسترسی به این روسری وجود ندارد سوسن تسلیمی از دنباله موهایش برای پوشاندن نیمه پایین صورتش استفاده می‌کند و به موی سر، نقش حجاب می‌دهد! در شطرنج باد (محمد رضا اصلانی، ۱۳۵۵) هم قبل از ارتکاب جنایت و قتل حاج عمو، شهره آغداشلو چارقد از سر باز می‌کند تا فکرش را با کمک خانم کوچک عملی کند. نحوه حجاب کردن هر دو زن فیلم در برابر مأموران اداره تأمینات هم جای دیگری در سینمای ایران دیده نشده است در سکانس آخر که کلفت خانه چادر مشکی سر می‌کند و از در بیرون می‌زند می‌رود حاوی بار پیش‌گویانه بخشی از وضعیتی است که سال‌های بعد حاکم می‌شود. بخشی از آموزش‌های زنانگی به شکل سنتی نسل به نسل و سینه‌به‌سینه، مربوط می‌شود به چیزهایی که در عرف جامعه ایرانی پذیرفته بوده است. بنابراین خیلی طبیعی است که «رو گرفتن» چه در خلوت چه در برابر نامحرم، یکی از رفتارهای جامعه سنتی ایران باشد که هم در فیلم‌های نصرت کریمی برای بچه‌های سه‌ساله تجویز شود هم در قیامت عشق (۱۳۵۲، هوشنگ حسامی) زن حاجی، به دختر جوانی که تازه به منزلشان پا گذاشته آموزش‌هایی را بدهد که در میان آن‌ها ورود به اتاق تازه با آیین و چراغ و گرفتن چادر با دندان باشد. نام بعضی فیلم‌ها هم مستقیم یا غیرمستقیم به حجاب برمی‌گردد. موطلایی شهر ما (۱۳۴۴، عباس شباویز) و بی‌حجاب (۱۳۵۲، ایرج قادری)، از این نمونه‌ها هستند که اولی برعکس فیلم‌های غربی که زن بلوند دلخواه مردان است اینجا بدطینت و بدخواه و بقول معروف منفی است و دومی سوءتفاهم‌برانگیز که چرا دختر حجاب ندارد غافل از اینکه دختر بی‌حجاب، ارمنی است و دینش اجباری به نام حجاب ندارد و عشق میان پسر غیرتی مسلمان و دختر ارمنی عاقبت به‌خیری در پی ندارد چراکه در جنوب ایران آن زمان حتی اگر جوان‌ها می‌خواستند بزرگ‌ترها نمی‌خواستند. برهنه تا ظهر با سرعت (۱۳۵۵، خسرو هریتاش) هم که خود گویاست. اما رفتار دوگانه با چادر هم در فیلم‌ها دیده شده است. در فیلم غم‌انگیزی چون تنگنا (۱۳۵۲، امیر نادری) نوری کسرابی و در فیلم کمدی مرغ همسایه (۱۳۵۳، محمود کوشان) شورانگیز طباطبایی هر جا که لازم بدانند برای امنیت خود چادر سر می‌کنند و هر جا که احساس امنیت کنند و بخواهند آن را برمی‌دارند و این به کرات در این دو فیلم دیده می‌شود گر چه نه از نظر موضوع و نه از نظر شیوه پرداخت، شباهتی ندارند.

توضیح: این نوشتار در ماهنامه فیلم امروز نیز منتشر شده است

در سینمای ایران، شاید یکی از تنها فیلم‌هایی که به مسئله کشف حجاب دوران رضاشاه اشاره می‌کند شوهر آهو خانم (۱۳۴۷، داوود ملاپور) باشد که در آن هما رسماً اعلام می‌کند که قرار است حجاب کنار برود. اما زنان هاپارتنی چاقی که معمولاً چادرنماز به کمر می‌بندند و با دروه‌همسایه سرشاخ می‌شوند هم در سینمای ایران فراوانند و پروین ملکوتی و پروین سلیمانی در فیلم‌های مختلفی این تیپ زنان فضول‌باشی نجسب را ارائه کرده‌اند. خانه قمر خانم (۱۳۵۱، بهمن فرمان‌آرا) و باغ بلور (۱۳۵۶، ناصر محمدی) دو نمونه از این تیپ زنان چادر به کمر ته پوچه درآر است که نمونه‌اش در رمان فارسی هم شخصیت «سکینه‌سرکوجه‌ای» در رمان «سلاخ» اثر زکریا هاشمی است. سینمای عامه‌پسند ایران، بخصوص از سال‌های آخر دهه چهل تا زمان انقلاب بیشتر از قبل روی برهنگی مانور داد چراکه در سینمای جهان هم نوعی انفجار برای نمایش تن و بدن مردان و زنان رخ داده بود و چون این فیلم‌ها در ایران نمایش داده می‌شدند و سینمای تجاری ایران نمی‌خواست عقب بماند از مسیر اصلی خود تا حدودی بیرون افتاد و البته همین امر به عکس تصور سینماگران، موجب ریزش تماشاگرانش شد و خیلی از فیلم‌های بی‌پروای اخلاقی به محاق رفتند. این پیش افتادن از زندگی مردم و نمایش بدن هنرپیشه‌های زن جوان، بخشی از فیلم‌ها را از حیث سندیت برای بررسی مردم‌شناسانه دوران ساخت آن فیلم‌ها دور می‌کند همچنان که همین بی‌اعتباری سندی برای فیلم‌هایی که در این سال‌های اخیر یک خانم شهری مد روز را با روسری و مانتو و تنها در رختخواب خود در منزل نمایش می‌دهد پابرجاست و تصاویر ثبت‌شده این‌چنینی نمی‌توانند داعیه واقع‌گرایی هم داشته باشند. واکنش‌ها به نقش گوگوش در فیلم در امتداد شب (۱۳۵۶، پرویز صیاد) احساسات عمومی را به شکلی جریحه‌دار کرد که سینماگران ایران مطمئن شدند اغلب علاقه‌مندان هنرپیشه‌ها عمیقاً از دیدن صحنه‌های افراطی در نمایش تن آنان آزرده‌خاطر می‌شوند و مأیوس؛ حتی اگر فیلم پرفروش باشد. اما بیانیته اعتراضی به نوع پوشش هنرپیشگان زن منتهی به سال‌های انقلاب را می‌توان در نامه مفصل یک هوادار مشهده سینمای ایران به شورانگیز طباطبایی در ابتدای فیلم سرخپوست‌ها (۱۳۵۷، غلامحسین لطفی) شنید که به او توصیه می‌کند سادگی پیشه کند و در صورت دیدن یک فیلم یا صحنه برهنه از او خودکشی خواهد کرد و او مقصر خواهد بود چراکه هنرپیشه‌ها ناموس تماشاگران هستند.





فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سائها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فخرغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکی به منظور ارائه بهترین خدمات

<https://advisor.sunlife.ca/fariba.alizadeh> fariba.alizadeh@sunlife.com

438-345-5066

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا سوخت کانادا برای کسبه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

معصومه علیمحمدی
مشاور رسمی مهاجرت

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
College of Immigration and Citizenship Consultants
Collège canadien de l'immigration et des citoyennetés
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فبلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511#, Montreal, Qc. H3B 1H9

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca
(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهربان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210
shahrianrealtor@gmail.com



مهاجرت



تلاش جهانی کانادا برای جذب استعدادها در زمینه هوش مصنوعی

به طور کلی این برنامه دودسته از کارفرمایان در کانادا را در برمی گیرد:

دسته A: شامل شرکت‌های با رشد اقتصادی بالا در تمامی کانادا به استثناء استان کبک
دسته B: شرکت‌هایی هستند که به دنبال استخدام برای موقعیت‌های شغلی خاص تعیین شده‌ای که در فهرست مشاغل مورد نیاز در برنامه استعدادها جهانی هستند. این فهرست، که ممکن است به طور دوره‌ای به روز شود تا نیازها و اولویت‌های بازار کار در حال تغییر را منعکس کند این دسته شامل فهرست گسترده‌ای از مشاغلی است که مورد تقاضا تلقی می‌شوند و به نظر می‌رسد کارفرمایان کانادایی در صنعت فناوری با کمبود تأمین نیروی متخصصین در داخل کانادا روبرو هستند.

برخی از این مشاغل عبارت‌اند از:

- مدیران کامپیوتر و سیستم‌های اطلاعاتی
 - طراحان و توسعه‌دهندگان وب
 - تکنسین‌های شبکه‌های کامپیوتری
 - کارگران رسانه‌های دیجیتال و طراحی
- دستمزدها در جریان استخدام استعدادهای جهانی نیز دارای شرایط و قوانین خاصی هستند. یک الزام مرتبط با دستمزد وجود دارد که کارفرمایان در هر گروه باید هنگام جذب استعدادهای خارجی از طریق GTS رعایت کنند. کارفرمایان باید دستمزد این متخصصین را بر اساس حداقل میانگین دستمزد در این مشاغل ۸۰۰۰۰ دلار تا ۱۵۰۰۰۰ دلار بسته به نیاز و تعداد موقعیت‌های شغلی پایه‌ریزی کنند.

شرکت‌های نوآور کانادایی استفاده کنند. بخشی از استراتژی بزرگ‌تر استعدادهای جهانی کانادا و شامل برنامه کارگران خارجی موقت (TFWP)، رسیدگی به درخواست‌های مجوز کار و ویزای اقامت موقت را تسریع می‌بخشد تا متقاضیان واجد شرایط بتوانند تنها در طی دو هفته از تاریخ درخواست وارد کانادا شده و مشغول به کار شوند.

بر این اساس، این برنامه به علت اینکه به نفع چشم‌انداز فناوری عمومی کانادا عمل می‌کند، تضمین‌کننده این است کارفرمایان کانادایی به سرعت به استعدادهایی که برای ادامه رشد نیاز دارند دسترسی پیدا کنند.

این برنامه دارای دو معافیت خاص است که به برخی از متقاضیان اجازه می‌دهد تحت شرایط خاصی حتی بدون مجوز کار در مدت‌زمان کوتاهی وارد و مشغول به کار برای کارفرمایان کانادایی و پروژه‌های تحقیقاتی شوند.

• گروه اول متخصصین با مهارت‌های بالا در سطح رتبه‌بندی مشاغل ONOC در صورتی که برای مدت ۱۵ روز در طی یک دوره شش‌ماهه یا ۳۰ روز در طی ۱۲ ماه در کانادا کار کنند، تحت این برنامه نیازی به مجوز ندارند.

• محققانی که به کانادا می‌آیند در صورتی که به مدت ۱۲۰ روز در طی یک دوره ۱۲ ماهه در کانادا «در پروژه‌های تحقیقاتی با بودجه عمومی یا مؤسسه تحقیقاتی وابسته» نیازی به مجوز کار نخواهند داشت.

اگر دارای تخصص در زمینه هوش مصنوعی هستید و علاقه‌مند به کار کردن برای شرکت‌های کانادایی و مهاجرت به این کشور هستید قطعاً می‌بایست با امتیازات برنامه آزمایشی کانادا برای جذب متخصصین ماهر بخش‌های هوش مصنوعی و اطلاعات و فناوری آشنایی پیدا کنید. کانادا با طرح این برنامه آزمایشی تلاش دارد تا برای کارفرمایان در صنعت فناوری که با کمبود قابل توجه متخصصین ماهر در این حوزه مواجه هستند، شرایطی را ایجاد کند تا بتوانند با سرعت هر چه بیشتر نیروی متخصص مورد نیاز خود را از تمامی کشورهای جهان به استخدام در بیاورند. از طرف دیگر امکان دستیابی این استعدادهای جهانی را برای کار و اقامت در کانادا بیش از پیش مهیا سازد.

کانادا در حال حاضر دارای یک میلیون شغل خالی در سراسر کشور است. این فرصت‌های شغلی تقریباً در تمام بخش‌های استخدامی پخش شده است، به همین دلیل است که کانادا برنامه‌های متعددی را برای کمک به کارفرمایان در استخدام استعدادهای خارجی ایجاد کرده است.

یکی از این برنامه‌ها، ویژه متخصصان خارجی بسیار ماهر در صنعت فناوری، است که جریان استعدادهای جهانی و یا (GTS) نام دارد.

GTS برنامه‌ای است که کارفرمایان می‌توانند از آن برای آوردن استعدادهای خارجی به این کشور استفاده کنند و به آن‌ها اجازه دهد تا از مهارت‌های تخصصی خارجی برای کمک به رشد



علی پورمحمد، در فهرست ۴۰ نخبه برتر زیر ۴۰ سال در کانادا

در زمینه‌ی تحقیقات ضد میکروبی در دانشگاه کلگری، پورمحمد را پذیرفت. پس از آن، پورمحمد شروع به گسترش تحقیقات علمی خود کرد. او در نهایت یک داروی ضد میکروبی جدید اختراع کرد که در مقایسه با آنتی‌بیوتیک‌های فعلی، دارای اثربخشی بیشتر و عوارض جانبی کمتر است. همین اختراع موجب انتشار بیش از ۵۰ مقاله علمی در مجلات علمی معتبر و دریافت جوایز علمی متعدد برای پورمحمد شد.

پورمحمد می‌گوید: «هرگز نباید امیدمان را از دست بدهیم. اگر افراد خوبی را پیدا کنید که در کنارتان باشند، آن‌ها به شما انگیزه می‌دهند و حامی شما هستند تا رشد کنید.»

هم‌اکنون پورمحمد و همکارانش در مجموعه علمی MHCombiotic Inc برای تولید مواد آنتی‌باکتریال دیگر برای معرفی به صنایع مراقبت‌های بهداشتی، دامپزشکی و کشاورزی در تلاش هستند.

باید در نظر داشت که این روزها دنیا با مشکل جدی مقاومت میکروبی مواجه است. به‌طور مثال، عفونت‌های مقاوم به دارو به‌طور مستقیم عامل مرگ یک میلیون و ۲۷۰ هزار نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۱۹ شد و به‌طور غیرمستقیم هم با پنج میلیون مرگ دیگر مرتبط بود. در این شرایط پورمحمد امیدوار است که مجموعه علمی آن‌ها بتواند انقلابی در ساخت داروهای ضد میکروبی ایجاد کند.

او این روزها به دنبال تأمین بودجه بیشتر برای تداوم تحقیقات علمی خود است و هدفش این است که شرکت دانش‌بنیانش بتواند به یک شرکت پیشروی جهان در حوزه تولید مواد آنتی‌بیوتیک تبدیل شود.

منبع: مجله کانادایی avenuecalgary.com

هرساله مجله کانادایی [avenue](http://avenue.com) با همکاری دانشگاه کلگری، فهرستی از ۴۰ جوان زیر ۴۰ سال نخبه در حوزه‌های مختلف را که تأثیری شگرف در زندگی مردم کلگری، کانادا و جهان داشته‌اند را انتخاب می‌کند. امسال، دکتر علی پورمحمد، میکروبیولوژیست پزشکی و پژوهشگر فوق دکتری که ۳۳ سال سن دارد، موفق شد به دلیل اختراع یک داروی ضد میکروبی جدید در این فهرست قرار بگیرد.

این فهرست افراد برگزیده شامل افرادی می‌شود که شهامت تغییر و نوآوری را در حرفه خود داشته‌اند و تلاش کرده‌اند که شهر، کشور و دنیای بهتری را برای انسان‌ها بسازند.

علی پورمحمد که امسال موفق شده در این فهرست جای بگیرد، مدیرعامل شرکت فناوری MHCombiotic است. روایت زندگی پرفرازونشیب او هم خواندنی است. طبق گفته این مجله کانادایی، پورمحمد در سال ۲۰۱۹، در زیرزمین یک آپارتمان زندگی می‌کرد و نگران نحوه تأمین مخارج زندگی‌اش بود. او روزها در یک آزمایشگاه و شب‌ها در رستوران کار می‌کرد. پس از اتمام فاند مقطع فوق دکتری، تاریخ انقضای ویزایش هم نزدیک بود. به همین دلیل، برخی دوستان او در ایران، او را تشویق کردند که به ایران برگردد و در رستوران خانوادگی‌شان کار کند، اما پورمحمد به آن‌ها می‌گوید که من برای فعالیت علمی به کانادا آمده‌ام و برای این هدف در اینجا می‌مانم.

او بیش از ۳۰۰ ایمیل برای دانشگاهیان سراسر کانادا فرستاد، به این امید که کسی به او فرصتی برای تحقیق و تولید علم بدهد. در نهایت، دکتر R.J Turner از جمله دانشمندان پیشروی جهان

امتیاز برنامه استعدادهای جهانی برای کانادا و شهروندان کانادا:

این برنامه به‌منظور جذب استعدادهای جهانی و تأمین اقتصادی استوار و قوی به نفع کارفرمایان و شهروندان کانادایی بر اساس تحقیقات اداره کار کانادا ایجاد شده است که برای کل کشور سودمند است.

به‌موجب این طرح کارفرمایان نیز تشویق به ایجاد کار و یا سرمایه‌گذاری به پشتوانه امکان دستیابی به نیروی کار در تخصص‌های بالا می‌شوند.

علاوه بر این حضور این متخصصین موجب انتقال دانش به شهروندان متخصص نیز در این شاخه فعالیتی نیز خواهد شد. کمپانی‌های کانادایی نیز به پشتوانه حضور استعدادهای جهانی با رشد سریع‌تری مواجه خواهند شد. به‌طور کلی این مزایا شامل:

- استخدام بیشتر شهروندان و مقیمان دائم کانادایی
- آموزش کارکنان فعلی در فنون جدید
- ایجاد برنامه‌های مشارکتی یا کارآموزی با حقوق برای دانشجویان محلی
- افزایش درآمد و سرمایه‌گذاری

در نهایت، شایان ذکر است که کارفرمایانی که متقاضی استخدام استعدادهای در هر دودسته هستند ملزم به تعهد به یک فعالیت مرتبط با هر مزیت اصلی - ایجاد شغل و توسعه آموزش مهارت - و همچنین دو مزیت تکمیلی خواهند بود.

توجه: برای حصول اطمینان از انطباق با طرح مزایای بازار کار و به‌طور کلی برای نظارت بر موفقیت برنامه، کارفرمایانی که از جریان استعدادهای جهانی استفاده می‌کنند ممکن است در طول مدت‌زمان استخدام خارجی تحت نظارت باشند.



تماس با نویسنده: معصومه علی‌محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی. پی ICP Immigration حمایت شده است.



سخنرانی سیاوش شکریمان، وکیل ایرانی کانادایی در پارلمان فدرال: حل مشکلات بخش مهاجرت کانادا در گروی مشارکت جامعه مدنی است

همچنین شکریمان در صفحه اینستاگرامش نیز با زبان فارسی به جلسه اخیرش در مجلس عوام اشاره کرده و گفته است: «افتخار داشتم در خانه عوام حاضر شوم و به اونها در بررسی یک لاگ و تاخیر رسیدگی در سیستم مهاجرت کمک کنم. اخیرا با تمام اتفاقات ایران جایی که کار به کشتن بچه‌های ۸ ساله به نام نسخه حکومتی خدا و برای نه چیزی بیشتر از زن، زندگی، آزادی رسیده، منم خیلی شجاع تر و جسورتر شدم. بنابراین وقتی از پارلمان کانادا، جایی که ما آزادی را زندگی می کنیم، دعوت شدم تصمیم گرفتم از آزادی خودم بهترین استفاده را ببرم. مگه آزادی چیه جز توانایی یک شهروند در بیان مستقیم نقد به صاحبان قدرت، نه تنها بدون ترس بلکه با شور و شوق و غرور؟»

آزادی برای من لذت خواستن، تلاش و لذت بردن از «بهتر» است. سیستم مهاجرتی ما می‌تونه خیلی بهتر باشه و من معتقدم که باید بهتر باشه. اما بهتر چیه؟ یک ماهه مجوز استادی پرمیت بدی به دانشجویها که بیان اینجا بشن کارگر ساده (مخصوصا الان که سقف ۲۰ ساعت اجازه کار هم برداشته شده) و جیب کالجی زپرتی را پر کنند؟ بعد کارآفرینی استارت‌آپ را که پتانسیل ساختن میلیاردها دلار و ایجاد میلیون‌ها شغل را دارن ۴ سال در صف بذاری؟ یا مدال آور المپیک و برنده اسکار را ۵ سال در صف بگذاری؟ یا رابطه‌ها و زندگی‌ها را نابود کنی با این برنامه اسپانسرشیپ با ۲ سال صف؟ اولویت‌های ما چیه؟ استراتژی‌مون چیه؟ تصویر بزرگ کو؟»

منبع: لینکدین سیاوش شکریمان و شبکه‌های اجتماعی

ایده‌های تازه استفاده کنیم.»

او انتقاد می‌کند: «دولت با وعده شفافیت، دولت باز، استفاده از نظرات جمعی و مشارکت همه، قدرت را در اختیار گرفت، اما اداره مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا به عنوان شاخه‌ای از دولت، فاقد چنین ویژگی است. این اداره در ۱۰ سال گذشته ضمن کمترین مشارکت و مشاوره با جامعه مدنی و صرفا با راه‌اندازی نظرسنجی آنلاین و بدون مشارکت ذینفعان، نتوانسته است به تعهد خود برای مهاجرت ایمن و منظم به کانادا عمل کند. سیاستگذاری در حوزه مهاجرت باید شامل نظرات مهاجران، دور ماندگان از وطن، جوامع محلی، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی، پارلمان، اتحادیه‌های کاری، نهادهای حقوق بشر، رسانه‌ها و هر ذینفع دیگری شامل همه کانادایی‌ها باشد. دولت و جامعه مدنی باید در کنار هم یک مشارکت منحصر به فرد خلق کنند؛ مشارکتی که حکمرانی شفاف، مشارکتی، فراگیر و پاسخگو را در حوزه مهاجرت، ترویج دهد، اما رویه فعلی، مانع از سیاست‌گذاری بهتر در بخش مهاجرت کانادا شده است و این موضوع باید تغییر کند.»

شکریمان به عنوان یک وکیل مهندس، تلاش کرده است که به مشتریان خود در بخش خصوصی و دولتی درباره انواع قراردادها و مذاکرات حقوقی در مجامع بین‌المللی مشاوره بدهد. همچنین او به کارآفرینان خارجی برای مهاجرت به کانادا و رشد کسب و کارشان نیز مشاوره می‌دهد.

سیاوش شکریمان، بنیانگذار و مدیرعامل موسسه حقوقی SHEKARIAN LAW PC در کانادا است. او به عنوان یک مهندس کرد ایرانی کانادایی به عنوان وکیل فعالیت دارد. او چند روز قبل در پارلمان کانادا درباره مشکلات بخش مهاجرت کانادا سخن گفت. به اعتقاد او، تصمیم‌گیری درباره استراتژی کانادا در زمینه مهاجرت باید با مشارکت جمعی حاصل شود، نه اینکه فقط یک یا چند نهاد خاص، تصمیم‌گیرنده باشند.

به گزارش هفته و به نقل از شبکه‌های اجتماعی، شکریمان، هم در رشته حقوق و هم در رشته فنی درس خوانده است. او فارغ‌التحصیل دانشکده مهندسی و دانشکده حقوق در دانشگاه تورنتو است. او در ایران هم برای آژانس‌های مختلف سازمان ملل متحد مانند دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و یونیسف، کار کرده است.

شکریمان درباره راه حل مشکلات بخش مهاجرت کانادا به زبان انگلیسی در صفحه لینکدین خود می‌گوید: «من این افتخار را داشتم که در مجلس عوام حضور پیدا کنم و درباره مسائل مهاجرت صحبت کنم. الان مهم‌ترین مشکل ما صف طولانی پردازش دو میلیون و ۶۰۰ هزار پرونده در بخش مهاجرت کانادا است. در رابطه با این مشکل، استدلال من خیلی ساده و شفاف است. حل این مسائل نباید فقط محدود به یک وزارتخانه یا حتی کل دولت باشد. ما در این زمینه به مشارکت جمعی همه کانادایی‌ها نیاز داریم. ما باید در زمینه مهاجرت از مشارکت و مشورت جامعه مدنی بهره ببریم و از



به علت کمبود متقاضی، ارتش کانادا دارندگان اقامت دائم را هم استخدام می کند

نیروهای مسلح کانادا اعلام کرده است که زین پس دارندگان اقامت دائم این کشور هم می توانند در ارتش کانادا خدمت کنند، چراکه شمار متقاضیان پیوستن به ارتش کاهش یافته است.

دارندگان اقامت دائم کانادا، پیش تر فقط تحت برنامه ورود متقاضیان نظامی ماهر خارجی واجد شرایط پیوستن به ارتش کانادا بودند. طبق این برنامه، تنها در صورتی افراد به کار گرفته می شدند که هزینه های آموزشی ارتش را کاهش دهند یا نیازهای ویژه ای را پاسخ دهند، مانند به کارگیری یک خلبان یا پزشک آموزش دیده.

این تغییر، پنج سال پس از آن صورت می گیرد که پلیس سواره پادشاهی کانادا (RCMP) به دارندگان اقامت دائم کانادا که ۱۰ سال در این کشور زندگی کرده اند اجازه داد تا برای استخدام در این نیرو درخواست دهند.

گفتنی است که نیروهای مسلح کانادا، در ماه سپتامبر، به دلیل کمبود شدید نیرو برای پر کردن هزاران موقعیت خالی، زنگ خطر را به صدا درآورد، چراکه به جای ۵۹۰۰ استخدام تنها توانست نیمه از این شمار را به استخدام درآورد. نیروهای مسلح البته نگفته است که این کار برای افزایش استخدام انجام شده است یا خیر.

کریستین لوپرش، استاد کالج نظامی پادشاهی کانادا، می گوید که چنین اقدامی منطقی است. او افزوده است که در گذشته استخدام در ارتش کانادا محدود به شهروندان این کشور بود، چراکه متقاضی به قدر کافی وجود داشت. امروزه البته دیگر چنین نیست.

قبلاً نیروهای مسلح کانادا در برابر این اقدام که از میان دارندگان اقامت دائم استخدام کند مقاومت داشت، چراکه مشکلاتی برای مثال بحث دادن مجوزهای امنیتی مطرح بود.

لوپرش البته می گوید که استخدام غیر شهروندان چیز تازه ای نیست و بسیاری از کشورها سال هاست که چنین کاری انجام می دهند.

او می گوید: «کشورهایی مانند فرانسه از خدمت سربازی به عنوان مسیری برای شهروندی یا مسیری سریع برای دریافت شهروندی استفاده می کنند؛ اما از آنجایی که دریافت شهروندی کانادا برای ساکنان دائمی نسبتاً آسان است، مشخص نیست که آیا این امر مشوق آن ها خواهد بود یا نه.»

در ماه مارس، آنیتا آناند، وزیر دفاع ملی، گفت که نیروهای مسلح، برای پاسخ به خواسته های جهانی در پی درگیری روسیه و اوکراین، باید بزرگ تر شود.

او گفت زمان در هر کاری که انجام می شود دارای اهمیت است. اکنون زمانی است که کانادا و جهان در خطرند و ما با بزرگ ترین تهدید علیه صلح و ثبات بین المللی از زمان پایان جنگ جهانی دوم روبرو هستیم. اکنون باید پرسید که کشور ما چه چیزی می تواند روی میز بگذارد؟

منبع: وبسایت شبکه خبری سی تی وی نیوز

دولت کانادا، بهره وام دانشجویی فدرال را حذف می کند

دولت فدرال اعلام کرده است که بهره تمام وام های دانشجویی فدرال و وام های کارآموزی را به طور دائم حذف خواهد کرد. حذف دائمی سود وام های دانشجویی، یکی از عمده وعده های مبارزات انتخاباتی لیبرال ها در آخرین انتخابات پارلمان فدرال بود. این اقدام جدید قرار است از اول آوریل ۲۰۲۳ اجرایی شود و حتی شامل دانشجویانی خواهد بود که در حال حاضر نیز در حال بازپرداخت وام خود هستند.

دولت اعلام کرده است که برای کاهش فشار مالی به جوانان و دانشجویانی که با افزایش هزینه های زندگی روبرو شدند، بهره این وام ها را حذف خواهد کرد. بسیاری از این دانشجویان و فارغ التحصیلان در دوران کرونا و رکود اقتصادی که به دنبال آن ایجاد شد، دچار مشکلات مالی جدی شدند.

تصمیم جدید دولت برای حمایت از دانشجویان باعث می شود که به طور متوسط، هر دانشجویی که وام گرفته است، حدود ۴۱۰ دلار در سال پس انداز کند. البته بدیهی است که حذف سود وام ها، هزینه هایی را به دولت تحمیل خواهد کرد. پیش بینی می شود حذف سود این وام ها در یک بازه زمانی پنج ساله، حدود دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار هزینه برای دولت داشته باشد.

باید در نظر داشت که اگر دانشجو از دولت استانی، وام گرفته باشد، این حذف بهره وام شامل او نخواهد شد، بلکه این مزایای جدید فقط شامل وام های دانشجویی می شود که دولت فدرال پرداخت کرده باشد. همچنین طبق برنامه های جدید دولت، فارغ التحصیلان تا وقتی که حقوق سالانه شان به ۴۰ هزار دلار در سال نرسد، می توانند به طور موقت از بازپرداخت وام معاف شوند.

بر اساس آمارهایی هم که وبسایت دولت کانادا در سال ۲۰۱۹ منتشر کرده است، بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار دانشجو در کانادا در مجموع ۲۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به دولت فدرال بدهکاری دارند که به طور میانگین، مانده وام آن ها در زمان فارغ التحصیلی نیز حدود ۱۳ هزار و ۳۶۷ دلار بوده است.

منبع: وبسایت شبکه خبری سی تی وی نیوز اتاوا

71 تخفیف ویژه برای خوانندگان مجله‌ی هفته
با استفاده از کد تخفیف زیر در وبسایت پرستوک

HaftehMag
PARASTOOK.COM



WhatsApp (647) 227 8077
Facebook Instagram TikTok Parastook.Book




Advanced Computer خدمات کامپیوتری
بامدیریت بک‌یژی

تعمیر ✂️ فروش 📦
نصب ⚙️ آموزش 📖
ویروس‌یابی 🛡️

(416) 226-6939 (416) 471-7138
babakyazdi2@gmail.com advancecomputer@rogers.com
6012A Yonge St. North York ON. M2M 3V9

کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی سرای بامداد تهیه نمایید.



Tel: (647) 680-6462
7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON L3T 0C7

کتاب فروشی پگاه

کتاب «جادوی عصاره گیاهان»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی پگاه تهیه نمایید.

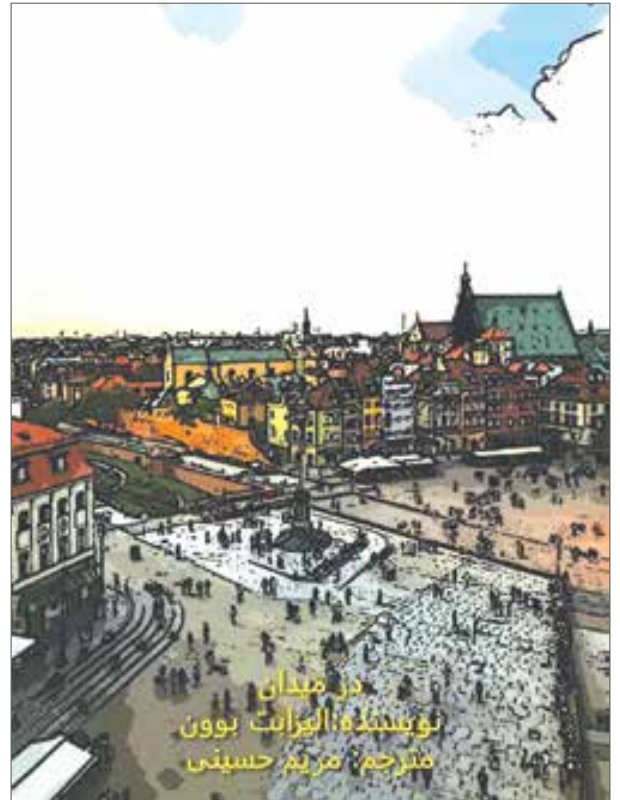


Tel: (416) 223-0850
5513 Yonge St, North York, ON M2N 5S3



ادبيات
فرهنگ
هنر سينما

نویسنده: الیزابت بوون
مترجم: مریم حسینی



در میدان

نقد داستان:

در داستان «در میدان» مردم محل سکونت خود و خلوت خود را از دست داده‌اند و ناچارند خانه‌های خود را با یکدیگر تقسیم کنند. هیچ‌کس محل امن و خلوت خصوصی ندارد. مگدلا قادر نیست از دوست قدیمی خود که بعد از مدت‌ها از راه دور به دیدن او آمده است پذیرایی کند و از او دعوت کند که شب را در خانه او بماند. جینا شکایت می‌کند که در این خانه آرامش ندارد حتی جای خلوتی پیدا نمی‌کند که بتواند برای معشوقش نامه بنویسد... حس شخصیت‌ها نشان می‌دهد همگی در انتظار یک تغییر و دگرگونی بزرگ هستند. نویسنده تقابل دو شخصیت زن داستان را در رابطه با یکدیگر بررسی می‌کند.

و در بالای راه‌پله‌هایی قرار گرفته بود که مدتی بود تمیز نشده بودند، رنگ خود را از دست داده بودند. بیشتر پنجره‌های بی‌شیشه را پشت دری انداخته یا تخته کاری کرده بودند ولی بعضی از آن‌ها از درون تاریکی به شکل قابی خالی دیده می‌شد. این صحنه معدوم شده چنین می‌نمود که گویی به اعصار قبل تعلق داشته و زمان فقط به جلو پیش رفته و بنا به دلایلی دیگر قادر نبوده بر این میدان تأثیری داشته باشد و میدان هنوز در زمان مجازی

بود و نمی‌توانست به نقطه‌ای که سه تا از خانه‌ها بمباران شده بودند وارد شود، ولی می‌توانست پرتوهای خود را به آن وارد کند. دو یا سه تا از درخت‌ها که تیره می‌نمودند، در نوک خود دزدانه به نور چنگ می‌زدند. در هر دو سوی شکاف دیوار، رنگ کاغذدیواری که از داخل شکاف نمایان شده بود، به رنگ‌های کاملن متفاوت: آبی مایل به سبز، زرد و مرجانی تغییر کرده بود. در جای دیگر، درهای ورودی رنگ‌شده که در زیر ایوان‌ها

در این روز داغ و روشن ماه جولای در حدود ساعت نه غروب، میدان شهر رمزآلود به نظر می‌رسید: میدان کاملن خالی بود و انعکاس سپیدی چون شبح پرتو نیمروز از نمای خارجی پریده‌رنگ هر چهارسوی میدان ساطع می‌شد و به سمت بالا پیش می‌رفت. علف‌ها تا نیمه خشکیده بودند. سطح چمن صاف‌شده بود و هزینه آن توسط افرادی پرداخت‌شده بود که اینجا را ترک گفته بودند. خورشید اکنون خیلی پائین آمده

ساعت ۸ باقی مانده بود. حال یک تاکسی به قسمت شمالی وارد شد و به سمت خانه‌ای در یک گوشه حرکت کرد. مردی از تاکسی پیاده شد و کرایه‌اش را حساب کرد. مرد به اطراف خود نظری انداخت و از این که پوسته باقی مانده از خانه را پیدا کرده بود، خشنود شد. برخلاف شکاف عظیم ایجاد شده، شرایط صوتی میدان هیچ تغییری نکرده بود: وقتی تاکسی با صدایی خفه از آنجا دور شد، هیچ صدای دیگری به گوش نمی‌رسید که به مرد بگوید او مانند شبیهی تابستان سال‌های قبل برای صرف شام به آن محل نیامده است. مرد قدم‌هایی آشنا برداشت و زنگ کرومی را فشار داد. بعضی از پنجره‌های این خانه تخته‌پوش نشده بودند، اگرچه توسط یک ماده روغنی نیمه بسته شده بودند که از پشت آن پرده افتاده بود و نور خفیفی از آن بیرون می‌تراوید. این پنجره‌ها نگاه سرسخت خود را به خارج از خانه دوخته بودند. بعضی لنگه‌های پنجره‌ها کاملن بالا برده شده بودند تا این شب منفرد تابستانی را - که ویرانی آن‌ها را سوزاننده و نامطبوع کرده بودند - به اتاق‌هایی راه دهند که مردم در آن زندگی می‌کردند. وقتی کسی جواب زنگ در را نداد، مردی که روی پلکان ایستاده بود، با اخم به در ورودی یشمی‌رنگ نگرست و دوباره زنگ زد. این بار در باز شد، ولی توسط یک زنی ناشناس. او مستخدم نبود. ایستاد و شروع کرد به بالا زدن حلقه‌های زلفش. زن لباسی از جنس کتان به تن داشت و با نگاهی آشنا ولی سرد او را برانداز کرد. این نگاه برای مرد کاملن تازگی داشت و او از زمان بازگشتش چنین نگاهی ندیده بود. برخلاف سکوت یکنواختی که در بیرون در حاکم بود، این اندرونی تاریک به سان غاری پرسرو صدا بود. حال خانه مانند ماشینی بود که صدا خفه کن آن را خاموش کرده باشند. هیچ چیزی بی صدا نبود، پرده‌ها نازک به نظر می‌رسیدند. یک جور حس هرج‌ومرج در حال کار به او دست داد مثل لقی لوله‌کشی یا باز شدن چفت و بست‌های وسایل خانه. از زیرزمین بوی پخت‌وپز به مشام می‌رسید و یک صدای بی‌پروا و صدای بسته شدن در به گوش می‌رسید. در بالای خانه حمامی در حال استفاده بود. یک سینی پر از شیشه، درجایی در اتاق پذیرایی بالای سرش، چنان غیرمهارانه جابه‌جا شد که هر چه روی آن بود جرنج جرنج صدا کرد. دخترک مشکوک پرسید: «منتظرت است، درست است؟»

مرد روی میزی که پشت سر دختر قرار داشت فقط یک جفت جزوه و یک کلاه رانندگی دید.

- فکر می‌کنم بله.

مگدلا خود را به پیچ پله‌ها رساند و با تعجب و با صدای بلند گفت: میدانی که من منتظرت هستم! دختر یک قدم به عقب برداشت تا با فردی که بالای پله‌ها بود صحبت کند و گفت: «متأسفم، نمی‌دانستم شما در خانه هستید.» دختر برگشت، از داخل یک در باز، در پشت اتاق پذیرایی عبور کرد، در را بست و ناپدید شد. مگدلا گفت: «بیا بالا روپرت» و دستش را از جایی که ایستاده بود رو به او دراز کرد. «بخشید، خودم می‌آیم پائین.»

دو تا از سه پنجره اتاق پذیرایی باز بود. پس مگدلا باید صدای عبور تاکسی را شنیده باشد. حتمن کسی مانع به‌موقع آمدنش به دم در شده و یا فکری به ذهنش خطور کرده که تصمیم گرفته دم در نیاید. بسیار جالب توجه بود اگر به همین نحوی که در اتاقش را باز کرد، دم در می‌آمد - اگر این کار را کرده بود رفتارش با رفتارهای غیررسمی و بدون تصمیم قبلی در زمان صلح بسیار متفاوت می‌شد. سینی پر از لیوانی که در دست او بود و صدایش را مرد شنیده بود، حال روی میز پایه‌ای کنار نیمکت قرار داشت. مگدلا گفت: «این روزها هیچ کس نیست که...» درواقع با اینکه هیچ نشانی روی سطح کفپوش دیده نمی‌شد دیگر هیچ اثری از عمق کفپوش‌ها یا جلای سطح آن‌ها دیده نمی‌شد. با اینکه ممکن بود رنگ باختگی بسیاری از چراغ‌های سفید تحت تأثیر هوای گرگ‌ومیش باشد، وقتی که مرد کنار مگدلا ایستاده بود، زیر یکی از این چراغ‌ها یک لایه گردوخاک دید که دور حباب را پوشانده بود. با اینکه هنوز تعداد زیادی حباب وجود داشت، از تعداد چراغ‌ها کاسته شده بود. بعضی از چراغ‌ها قاطی خرت‌وپرت‌های دیگر روی میزها استفاده می‌شدند یا به داخل آلاچیق‌ها برده شده بودند. دیدن این جاهای خالی کمتر از بقیه قسمت‌های اتاق مرده، ناراحت‌کننده بود. انعکاس نوری که از میدان وارد می‌شد، بر روی صندلی‌ها و نیمکت‌هایی می‌افتاد که سطح آن‌ها در قسمت تکیه‌گاه و بازوها به‌مرور زمان و در طول بمباران‌ها فرسوده شده بود و دوده‌های خانگی روی قسمت‌های فرسوده آن را پوشانده بود.

این جا اتاق یک میزبان خانم بوده است. یک نمونه از بسیاری موارد که قابل‌شمارش نیستند. هیچ‌گاه به هیچ شکل دیگری نبوده است و به‌خصوص امشب اصلن شکل خاصی نداشت. تعداد زیادی از صندلی‌ها باقی مانده بود و طرح آن‌ها بدون نیاز به تمرکز آن قدر کامل بود که اگر مگدلا در جایی که

نشسته بود نمی‌نشست، مرد هرگز نمی‌فهمید به چه سمتی باید بچرخد.

مگدلا گفت: «خیلی لطف کردی که به من تلفن زدی. من نمی‌دانستم که تو به لندن آمده‌ای. از کجا فهمیدی که من اینجا هستم؟ هیچ‌کس دیگری اینجا نیست.»

- «اتفاقی خبردار شدم.»

مگدلا گفت: «واقعاً؟» اندکی صبر کرد و بلافاصله اضافه کرد: «تعجب کردی؟»

- «طبیعتن خوشحال شدم.»

مگدلا گفت: «من برگشتم. سال اول بیرون از لندن بودم. گاهی در روستا، گاهی در شمال همراه آنتونی. میدانی که آنتونی از وقتی همه این اتفاق‌ها شروع شد، همان جا بوده است. بعد، زمستان سال گذشته، من تصمیم گرفتم برگردم.»

- «تو اهل لندنی»

مگدلا به‌طور مکانیکی گفت: «بله، فکر می‌کنم اینطور باشد - بله. خیلی عجیب است که باز هم تو را می‌بینم، این طوری. چه کسی فکرش را می‌کرد این دنیا همان دنیا باشد؟ مگدلا از پهلوی به بیرون پنجره و به میدان نگاه کرد و گفت: «چه کسی فکرش را می‌کرد چنین اتفاق‌هایی بیفتد؟ آخرین باری که من و تو - کی بود؟ دو سال قبل؟»

- «یک شب شورانگیز و لذت‌بخش.»

- «این طور بود؟ مگدلا این را گفت به اطراف اتاق نگرست.» چقدر خوب؟ یک نفر می‌تواند در این مدت خیلی تغییر کرده باشد. این طور فکر نمی‌کنی؟ کاملن...»

در این لحظه در باز شد و پسری حدود شانزده سال وارد شد که لباس راحتی به تن داشت. نه تنها زلفانش خیس و تاب‌خورده بود، بلکه انگار نوعی رطوبت او را همراهی می‌کرد چنان‌که گویی بخار موجود در حمام را دنبال خود می‌کشید. پسرک گفت: «آه بخشید» ولی بعد از این که نگاهی به ادامه داد. مگدلا گفت: «بنت، من مطمئن هستم که تو اجازه نداری سیگار بکشی - روپرت این بنت، پسر خواهر من است. فکر می‌کنم قبلن در مورد او صحبت کرده‌ایم. او از راه مدرسه به این جا آمده و فقط امشب همین جا می‌ماند. بنت گفت:» به من یادآوری کردی... برای شما خیلی مهم بود اگر من فردا هم اینجا می‌ماندم؟ «وقتی بنت یک سیگار آتش می‌کرد، روپرت با چشم‌های تنگ شده به او می‌نگریست. بنت گفت:» می‌گویند که این روزها همه بیشتر سیگار می‌کشند. در حقیقت من به‌ندرت سیگار می‌کشم. «او کبریت را در آتشدان

کرد و گفت: «خوب است جینا. متشکرم. زحمت نکش. خودم این جا هستم.»

مگدلا درحالی که پشتش به سمت روپرت بود ایستاد. سرش پائین بود و هنوز با احتیاط گوش می داد. سپس با لحنی که ناگهان خیلی تغییر کرده بود گفت: «بله. خودم هستم... ولی...»

پس از آن که جینا روپرت را به داخل هدایت کرد، بازگشت تا باز هم در انتظار تماس های تلفنی بماند. او همیشه از پای پله ها به تلفن ها جواب می داد. قبل از این که دوباره بنشیند، یا این که هنوز ننشسته بود، از عقب به سمت جلوی اتاق پذیرایی رفت تا پنجره ای را که مشرف به میدان بود، باز کند. میز بلند و دو میز کناری، آن طور که او همواره به یاد می آورد لایه لایه شده بودند و از این لایه ها بوی گردوغبار به مشام می رسید. وقتی به اتاقی که در اختیارش گذاشته شده بود، بازمی گشت، طاق نمای پشت سر خود را باز گذاشت تا پیش از خاموشی، هوا به داخل ساختمان راه بیابد. چشم انداز اتاق پذیرایی غیرقابل استفاده از درون طاق نما و نوری که از درون آن رد می شد و بر شکافی که در اثر بمباران ایجاد شده بود می افتاد، تأثیری بر او نداشت. قوه تخیلش آن قدر قوی نبود که نسبت به زمان گذشته مهیوت گردد—که به انتها می رسید ولی هنوز اندکی از آن باقی مانده بود. وقتی اولین ماه نوامبر پس از جنگ آغاز شد، ابتدا آمد که در این خانه متروک که به عنوان معشوقه آنتونی—در این بخش قبلی از زندگی آنتونی، آن طور که گمان می رفت—به او رسیده بود، بیاساید. جینا فکر می کرد که منبع درآمد آنتونی برنامه های تفریحی بود، با وجودی که به نظر نمی رسید آنتونی چیز زیادی برای عرضه داشته باشد. در عین حال که به او وفادار مانده بود، بنا به دلایلی که بروز نمی داد برای او اظهار تأسف می کرد. از وقتی که شروع کرده به فریب دادن آنتونی، فقط به همین یک دلیل برایش دل می سوزاند. حال جینا کس دیگری را بسیار دوست می داشت و فکر می کرد زمان آن رسیده است که از این خانه برود. او فقط به این موضوع فکر می کرد ولی آن را حس نمی کرد. احساسات او اصلن خوب کار نمی کرد. نمی دانست چطور می تواند بدون این که همه چیز را رو کند، از این خانه برود. اگر قضیه را به آنتونی می گفت تحملش برای او که در شمال به سر می برد خیلی سخت می شد.

درمورد برنامه های امشب خود، هیچ چیز نمی دانست. یا باید خیلی وابسته می شد—یا از هیچ چیز خبردار نمی شد. نمی توانست تصمیم

ماگدلا که می خواست موضوع را عوض کند گفت: «سپاسگزارم. یک شب که بتواند خیلی خوشایند باشد.»

—فکر می کنم واقعیت این است که تو خیلی مشغله داری؟

— «بله. سرم شلوغ است. کار می کنم. خیلی کارها انجام می دهم.» برای مرد تعریف کرد که چه کارهایی انجام می دهد تا این که صدایش کم کم قطع شد. مرد متوجه شد که چون افراد زیادی به آن اتاق رفت و آمد داشتند، او نمی توانست به مگدلا نزدیک شود. به صدلی های خالی ای که اطرافشان بود نگاه کرد و گفت: «آن همه افرادی که من همیشه می دیدم اکنون کجا هستند؟» مگدلا یکه خورد و پرسید: «دقیقن منظورت چه کسی است؟ ... آه، در جاهای مختلف، می دانی که، جاهای مختلف. فکر می کنم نشانی آن ها را دارم، اگر منظورت شخص خاصی باشد...؟»

— «تو از آن ها خبری داری؟»
— «آه... بله... بله... مسلم است. چه چیزی برایت جالب است و می خواهی برایت بگویم؟ ناگهان چشم هایش را بست و گفت: «بخشید، خیلی اتفاق ها افتاده است «درحالی که چشم هایش را می گشود تا به مرد نگاه کند افزود:» خیلی بیشتر از آن چه تو می دانی.»

در تصدیق حرف های مگدلا، تلفن شروع به زنگ زدن کرد و صدای زنگ، اتاق و سراسر ساختمان را پر کرد و از درون پنجره ها تا میدان پیش رفت. روپرت به خاطر آورد که در همه شب های تابستان، مدام صدای زنگ تلفن در سراسر خانه شنیده می شد، ولی امشب این تلفن بسیار عجیب بود. مگدلا به تلفن که کمی با او فاصله داشت خیره شد—نه به این معنی که در این احساس با روپرت شریک بود، بلکه گویی اتفاقی در زمانی نامناسب رخ داده بود. انگار با چشمانش با آن نگاه ثابت و هشداردهنده و منظوردار می خواست از زنگ متوالی تلفن ممانعت کند و ظاهرن تمایل نداشت نیمکتی که سرد و خموش کنار روپرت قرار گرفته بود را ترک کند. روپرت که گیج و متعجب گشته بود پرسید: «می خواهی من ندانم چه کسی با تو تماس گرفته است؟»

— «نه به تو خواهیم گفت. باید بگویم.» صدای مگدلا سخت شد: «یا این که آن ها از طبقه پائین جواب خواهند داد.»

ظاهرن همین اتفاق افتاد. یک لحظه پیش از آن که انگشتان مگدلا با تلفن برخورد کند، زنگ از صدا افتاد. او گوشی را برداشت، گوش داد، و اخم

استیل خالی انداخت و به مگدلا گفت: حمام کردم و همین حالا بیرون می روم.»

— «بنت آیا چیزی خورده ای؟»

— «خوب ساعت ۶ یک تخم مرغ خوردم و یک جای نوشیدم. فکر می کنم یک گوشه خانه یک چیزی برای خوردن پیدا کنم.» ایستاد تا پاشنه یکی از دمپایی هایش را بالا بکشد و گفت: «نمی دانستم کسانی به ملاقات شما می آیند. درواقع اصلن نمی دانستم که شما در خانه هستید. ولی امشب انگار همه خانه هستند.» وقتی بیرون رفت، در را پشت سر خود نیست و آن ها می توانستند صدای پایش را که از پله ها پائین می رفت بشنوند. مگدلا گفت: «او بسیار مستقل است. البته فکر می کنم این روزها همه همین طور هستند.»

مرد گفت: «باید بگویم که خوشحالم از این که تو اینجا تنها نیستی. اگر فکر می کردم تنهایی ناراحت می شدم.»

— ماگدلا گفت: واقعن؟ من هرگز تنها نبوده ام. این تنها اتفاقی است که در این خانه دارم—و حتی با وجودی که یک اتاق دارم، همین طور که می بینی بنت به اینجا رفت و آمد می کند. حالا انگار این خانه به همه تعلق دارد. کسی که در را برای تو باز کرد جینا بود.»

مرد گفت: «بله، او کیست؟»

— «قبلن منشی آنتونی بوده است، ولی خواست به لندن بیاید تا برای کمک به جنگ رانندگی کند. آنتونی به او گفت می تواند در این خانه زندگی کند، چون آن موقع خانه بدون سکنه بود. پس وقتی من برگشتم به نظر می رسید خانه کاملن به جینا تعلق داشته باشد. اتاق پذیرایی پشتی برای اقامت او در نظر گرفته شده است. به همین خاطر بود که نتوانستم از تو بخواهم برای شام به اینجا بیایی. البته کسی هم اینجا نیست که آشپزی کند—یک زن و شوهر در زیرزمین زندگی می کنند، ولی آن ها مستقل هستند و فقط کارهای سرایداری را انجام می دهند. یک پسر دارند که پلیس است و می دانم که گاهی در جایی در بالای خانه می خوابد—ولی پیدا کردن سرایدار خیلی سخت است. یک دختر مدرسه ای هم دارند که هر وقت فکر می کند من در خانه نیستم، به اینجا می آید.»

— «پس انگار تو مشکلات زیادی داری. جای دیگر نمی توانی راحت تر از این زندگی کنی؟»

ماگدلا گفت: «آه... تو در مورد من این طور فکر می کنی؟»

— «امیدوارم یک شب، خیلی زود، با هم شام بخوریم.»

بگیرد که آیا لازم است زمان صرف کند و همه چیز را برای آنتونی بنویسد. دفترچه یادداشتش را برداشت و با آن روی زانوانش نشست. وقتی شنید که حمام کردن بنت خیلی طول کشیده، با خود اندیشید که این زمان احمقانه‌ای برای حمام کردن است. زیر جایی که او نشسته بود، زن سرایدار مشغول شستشوی ظرف‌های غذا بود و از روی شانهاش خطاب به پسر پلیسش با صدای بلند حرف می‌زد. صدا از درون پنجره زیرزمین بیرون می‌آمد، در سکوت اطراف می‌خشکید و به عقب برمی‌گشت.

جینا روی دفترچه یادداشتش نوشت:

از وقتی که به اینجا آمدم، خیلی چیزها باعث شده است که دیدگاهم عوض شود. نمی‌دانم چطور باید افکارم را بیان کنم، ولی می‌دانم که تحت این شرایط باید همه چیز را به تو بگویم. زندگی در این خانه دارد باعث افت من می‌شود. یکی از مشکلات من این است که از این جا تا اتوبوس راه درازی است. البته تو به من کمک کرده‌ای، ولی فکر نمی‌کنی بهتر بود که کل خانه را به همسرت اختصاص می‌دادی؟ تا آنجایی که من مطلع شده‌ام، او قصد دارد این جا بماند. طبیعی است که من و او نمی‌توانیم به این موضوع اشاره کنیم. ولی به‌طور مثال می‌توانم بگویم اگر او دو خواهرزاده داشت، دیگر هیچ جایی برای خوابیدن یک نفر دیگر باقی نمی‌ماند... و سرش را به سمت دیگر برگرداند به آن‌ها نگریست. شنید که بنت پاهای خود را محکم روی هر پله پرتاب می‌کند و پروازکنان پایین می‌آید. او یک سری اشیاء را با صدای جیلینگ جیلینگ از جیبش بیرون آورد و پشت در اتاق جینا ایستاد و به چیزی فکر کرد. جینا با خود گفت: «خدایا کاری کن اینجا نیاید و مزاحم من نشود، باید این نامه را تمام کنم.» ولی بنت این کار را کرد. وزن خود را روی دستگیره در انداخت و به آن تکیه داد و با دست دیگر قاب در را نگه داشت و با موهای خیس و صاف‌شده به سمت جینا نوسان کرد.

بنت گفت: «بیخشید، می‌شود بیایید بیرون؟» جینا دفترچه یادداشت خود را به دست گرفت و با تحکم پرسید: «چرا؟»

- «اگر نیایی من کلیدت را برمی‌دارم.»

- «چرا از خاله‌ات نمی‌خواهی این کار را بکنی؟»
- «کسی پیش اوست. منظورت این است که می‌توانی بیرون بیایی ولی نمی‌دانی که این کار را بکنی یا نه؟»

- «نه اینجا نیا و مزاحم نشو. مثل یک پسر خوب.»

مگر چه شده؟ با کسی فرار داری؟»
- «نه من فقط می‌خواهم از جایی مقداری غذا پیدا کنم.»

بنت از او دور شد از طاق‌نما عبور کرد و از انتهای اتاق پذیرایی به میدان نگاه کرد. گویی هوای گرگ‌ومیش که نیازی به آویختن چراغ نداشت او را به خود مجذوب کرد. با خود گفت: «هنوز تعداد زیادی از مردم همین اطراف ایستاده‌اند. دخترها و پسرها. این میدان باید جای خیلی خوبی باشد. فکر می‌کنی آن‌ها به داخل خانه‌های خالی بروند؟»

- «نه در همه آن خانه‌ها قفل است.»

- «فایده‌اش چیست؟ نمی‌فهمم.»

- «این‌ها املاک خصوصی هستند.»

- «باید بگویم که دیوارهایشان ترک خورده است. دیگر چندان قابل‌استفاده نیستند. آه... ببخشید، شما نامه می‌نویسید؟ می‌گویم، به نظر من آن‌ها نرده‌های میدان را برمی‌دارند تا از آهنگش استفاده کنند. فکر می‌کنی این محل را نگه‌دارند؟ من فکر می‌کنم این مسئله بستگی دارد به این که چه کسی آن را بخواهد. تا آنجایی که به من مربوط می‌شود، فکر می‌کنم همه می‌توانند از آن استفاده کنند. نمی‌توان از اینجا به جای دیگری رفت.»

«بهتر نیست زودتر بروی؟ همه مکان‌ها بسته خواهد شد.»

«میدانم. ولی کلید چه می‌شود؟»

ولی سر جینا ناگهان به سمت دیگر حرکت کرد. تلفن پای پلکان شروع کرد به زنگ زدن. لحن بنت امیدوارکننده‌تر شد. بنت گفت: «کلید را بده دیگر، چرا نمی‌دهی؟ در این صورت می‌توانیم بفهمیم کجا هستیم.»

جینا از طرف تلفن به سمت بنت آمد درحالی‌که با یک دست زلفش را بالا نگه می‌داشت. بنت گفت: «خوب چه شد؟»

جینا گفت: «با او کار داشتند. خیلی عصبانی صحبت می‌کرد. این جا جای من نیست. آدم فکر می‌کند او تنها کسی است که در این خانه زندگی می‌کند.» جینا کیف خود را برداشت، کلید را از توی آن درآورد و به بنت داد. جینا گفت: «بسیار خوب. بفرومائید. برو دنبال کارت.»

بنت کلید را در دستش فشرد و گفت: «آه پس این مال تو نبوده است.»

جینا گفت: «من هیچ چیز ندارم. اگر خواستی می‌تواند مال تو باشد... ببین، فکر کردم می‌خواهی بروی؟»

درست پیش از آن که بنت در اصلی را پشت سر خود ببندد صدای شبخ مانند گذاشتن گوشی

تلفن را از سمت تلفن پای پله‌ها شنید—گویی گوشی تلفن در اتاق پذیرایی سر جایش گذاشته شده بود. هرچه لازم بوده است به خاله‌اش گفته شود، گفته‌شده بود—یا کلن از گفتن آن صرف‌نظر شده بود. با خود اندیشید: «خوب پس فایده‌اش چه بوده؟» وقتی به گرگ‌ومیش اطراف میدان پا می‌گذاشت که مانند آب در پای پلکان غنوده بود، صداهایی را بر فراز سرش شنید. خاله‌اش و ملاقات‌کننده خاله‌اش کنار یکی از پنجره‌های باز خانه ایستاده بودند و رو به پائین به عشاق نگاه می‌کردند یا به نظر می‌رسید که به پائین به سمت عشاق نگاه می‌کنند. در این لحظه روپرت و مگدلا کاملن صمیمی به نظر می‌رسیدند گویی به سمت پنجره آمده بودند تا از افرادی که در اتاق پشت سر آن‌ها نشسته بودند فاصله بگیرند—فقط در این حالت ممکن بود اتاق روشن شده باشد.

بنت که بیرون می‌رفت تا غذا پیدا کند، به نحوی رمزآلود نزدیک به دیوار و در طول خانه‌ها پیش می‌رفت. او به سمت خروجی شمالی میدان می‌رفت به همان سمتی که تاکسی روپرت از آنجا آمده بود و سرانجام صدای اتوبوسی را از دور شنید.

مگدلا لبخند زد و به روپرت گفت: بله، نگاه کن. حال به نظر می‌رسد که این مکان به همه مردم تعلق دارد. آدم به جز احساساتش هیچ چیز ندارد.

گاهی فکر می‌کنم که خودم را نمی‌شناسم.»

روپرت به سمت مقابل به شکاف نگاه کرد و گفت: «این نور چقدر کنجکاو است.»

- «میدانی که خوشحالم. این تنها اشاره مگدلا به صحبت‌هایی بود که روپرت در پای تلفن شنیده بود.» البته من هیچ برنامه‌ای ندارم. حالا وقت برنامه‌ریزی کردن نیست. ولی با من صحبت کن—شاید تو هم هیچ برنامه‌ای نداشته باشی؟ من آن قدر خودخواه بودم که فقط از خودم حرف زدم. ولی دیدن تو پس از آن همه اتفاقی که افتاده—از طرفی، به نظر می‌رسید اصلن حرفی برای گفتن وجود نداشته باشد. به من بگو چطور اتفاقات روی تو تأثیر می‌گذراند. وقتی به سوی همه چیزهایی که داری باز می‌گردی، نسبت به همه آن‌ها چه حسی داری؟ به نظرت همه ما باید دستخوش تغییر بزرگی بشویم؟»

توجه: شما می‌توانید داستان «در میدان» را با صدای مترجم، خانم مریم حسینی روی سایت hafteh.ca در زیر همین مطلب گوش کنید.



یادم می‌افتاد به خاک نفرین شده

با بوی تند آمونیاک و خیسی رختخواب از خواب بیدار شدم. چشم‌ام تار بود، نمی‌دونستم کجام. اول فکر کردم خانه هستم اما نه. خانه نبود. دیوارهای سرد سیمانی و درِ به لنگه‌ی آهنی و زنگ زده مثل یک فحش رکبیک خورد تو ذوقم. سعی کردم نگاهم را از تنها پنجره‌ی اون مکعب بی‌ریخت پرتاب کنم بیرون اما نشد. ارتفاع پنجره آنقدر بالا بود که فقط یک آسمان خاکستری پیدا بود و چند تا شاخه‌ی بید مجنون که مسخره‌ی دست باد شده بودن و گاهی سرک می‌کشیدن توی مکعب.

یادم افتاد دو شبه اینجا هستم. چشمم افتاد به لکه‌های کوچک خون روی پتو. یادم افتاد مادرم چطور یادم داده بود شپش‌ها رو با ناخن بترکونم. نا خودآگاه انگشتم رو نگاه کردم خونی بود. یادم افتاد به آخرین بمباران، به آخرین موجی، به آخرین حمله‌ی آخرین شهید، به ننه عباس که قرار بود برای پسرش بعد از خدمت عروسی بگیره، به صف روغن و ریکا، به پوکه‌های خالی که معلوم نبود نیمه‌های گمشده اشون توی قلب کدوم ننه مرده‌ایی نشست.

ننه عباس که دیگه هیچ‌وقت کمر راست نکرد، هیچ مادری دیگه هیچ وقت کمر راست نکرد. یادم افتاد به خانه، چقدر دور شده بودیم، چقدر زود بزرگ شدیم، زودتر از بدنمان، بابام می‌گفت یک فکری به‌حال شب ادرازی‌هات بکن وگرنه اسلحه دستت نمیدن! یادم افتاد به هزاران کودک جنگ که چقدر زود بزرگ شدن بدون اینکه فکری بحال شب ادرازی‌هاشون شده باشه.

اون زمان خیلی عظیم نمی‌رسید اما اگر بزرگ‌تر بودم حتما یادم می‌افتاد به خاک نفرین‌شده‌ی خاورمیانه با تمام کمرهای هیچ وقت راست نشده...

ماجرای من و میکائیل

بخش ۲

دیشب میکائیل دوباره آمد، تا آدمم بپرسم تخم‌مرغ‌ها را چه کردی دیدم یک نفر دیگه هم همراهش آمد تو خانه! گفتم: این دیگه کیه؟ گفت: اسرافیله! اسرافیل خودش را از پشت سر میکائیل کشید جلو، گفت: سلام! گفتم: سلام. آدمم دست بدهم، دستش را کشید عقب. گفت: شرمنده ما با آداما تماس فیزیکی برقرار نمی‌کنیم! خواستم قضیه مریم را پیش بکشم. میکائیل چشمک زد. یعنی بی‌خیال شو. من هم چیزی نگفتم!

نشستند. گفتم: میکائیل تعارف که نداریم چیزی می‌خواهی برو وردار از تو یخچال! گفت: باشه اما خودمم یکم سلامی تند آوردم خیلی خوبه یه چاقو بیار تا ردیفش کنیم!

به اسرافیل گفتم: تو کار خوبی داری! گفت: چطور؟ گفتم: کلا بیکاری تا روز قیامت یه شیپور بزنی! میکائیل خندید. اسرافیل گفت: نه بابا چی بیکارم! یه لگد زد به میکائیل و گفت: تو چرا می‌خندی؟ دهنم سرویس شده!

میکائیل پرید وسط و گفت: گروه سرود دارن! دوباره فقهه زد زیر خنده! اسرافیل گفت: از مقامات هرکی می‌میره ما یه موزیک مورد علاقه‌شو براش می‌زنیم... گفتم: ایول چه باحال نمی‌دونستم! گفت: آره از خیلی وقت پیش این رسم بوده. گفت خمینی هم که مرد براش آهنگ ای مجاهد ای مظهر شرف رو زدیم، گفتم: خوشش اومد؟ گفت والا ازش پرسیدم خوب بود؟ گفت: «هیچ»!

میکائیل چاقو را گرفت جلو صورتش. جا خوردم. صورتش را گرفتم عقب. دیدم یک تکه سلامی زده سرش! گفت بزنی خیلی خوبه!

گفتم: اینجوری که دهن‌تون سرویس. گفت: آره اما همیشه یه هفته قبل عزرائیل لیست مهمونا رو میده. ما موزیک مورد علاقه‌شونو انتخاب می‌کنیم، تمرین می‌کنیم، یه کم کار می‌بره! گفتم: یه هفته کم نیست! گفت: یه هفته شما که نه! یه هفته خودمون!

گفتم: من الان دلم می‌خواد تک تک آدمایی را که می‌شناسم بت بگم ببینم چه موزیکی براشون زدی!

گفت: آدم مهم‌ها دیگه. برای آدم معمولی‌ها یه نوار ضبط شده هست همونو پخش می‌کنن!

گفتم برای شاه چکار کردین؟ گفت: براش آهنگ بوی گندم مال منِ داریوش رو اجرا کردیم! یکم ناراحت شد اما بعدش خوشحال شد.

گفتم: رفت بهشت؟ گفت: اینا رو دیگه ما نمی‌دونیم فقط جبرئیل می‌دونه به ما هم نمی‌گه!

گفتم: راستی مایکل رو چکار کردین؟ گفت: کدوم مایکل؟ خواستم بگویم مایکل آب منگل. دیدم خیلی شوخی جلفی میشه. گفتم: مایکل جکسون دیگه! دیدم جفتشون زدن زیر خنده، میکائیل گفت اونو که استخدام کردن الان خودش عضو گروه سرود اسرافیله!

گفتم: چه باحال!

میکائیل گفت: آقا ما که سیر نشدیم تخم‌مرغ داری تو یخچال!؟

ادامه دارد

سه کتاب از سه گونه درباره زندان و انفرادی در جمهوری اسلامی

در این صفحه به معرفی کتاب‌هایی خواهیم پرداخت که در کانادا قابل دسترس باشند و بتوان آن‌ها را خریداری کرد. علاوه بر کتاب‌فروشی‌های ایرانی آن‌ها را می‌توانید از خانه کتاب پرستوک www.parastook.com خریداری کرده به نشانی تان پست شود. در این شماره سه کتاب معرفی می‌شود.

۱

شکنجه سفید؛ اثر نرگس محمدی در دو جلد



کتاب نوشته شده است که بخشی از آن را اینجا نقل می‌کنیم:

«مجموعه گفت‌وگویی از نرگس محمدی با شماری از فعالان سیاسی در زندان با نام «شکنجه سفید» توسط نشر باران در سوئد منتشر شده است. این فعال حقوق بشر که در هنگام نوشتن این متن در زندان زنجان به سر می‌برد، در کتاب «شکنجه سفید» با ۱۲ زن زندانی سیاسی گفت‌وگو کرده است.

موضوع محوری این گفت‌وگوها وضعیت سلول انفرادی در زندان‌های ایران به‌عنوان یکی از مصادیق بارز شکنجه است.

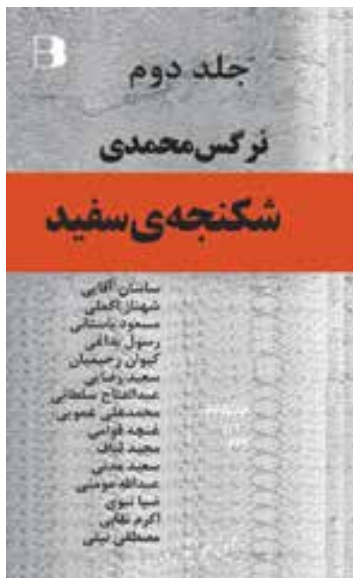
تأکید بر «شکنجه سفید» با سه خاطره، از خود نرگس محمدی در زندان‌های حکومت اسلامی آغاز می‌شود و با گفت‌وگو با نیکارا افشارزاده، آتنا دائمی، زهرا ذهتابچی، نازنین زاغری، مهوش شهریاری، هنگامه شهیدی، ریحانه طباطبایی، سیما کیانی، فاطمه محمدی، صدیقه مرادی، نازیلا نوری و شکوفه یداللهی ادامه می‌یابد.

این دوازده زندانی سیاسی، از طیف‌های مختلف فکری و عقیدتی هستند؛ از فعالان حقوق مدنی، بهایان، دراویش، کودکان و نوکیشان مسیحی و همچنین فعالان اصلاح‌طلب گرفته، تا جامعه‌شناس و فرزند یکی از جان‌باختگان سیاسی ده ۶۰، و همچنین فعال حقوق بشری که در دهه‌ی ۶۰ مدت‌ها حبس و شکنجه را تاب آورده است.

کتاب «شکنجه سفید» با مقدمه کوتاه شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل آغاز می‌شود. او در این یادداشت تأکید کرده است که علی‌رغم تمام زنجیرهایی که به دست و پای نرگس محمدی زده‌اند، «هنوز مانند شیر می‌غرد و به همین دلیل حکومت سعی دارد تا او را بشکند».

نویسنده: نرگس محمدی
مقدمه: شیرین عبادی
ناشر: باران سوئد
تعداد صفحات: ۲۰۸
قطع: رقعی سخت

شکنجه سفید شامل مجموعه گفت‌وگوهای نرگس محمدی با زنان و مردان ایرانی است که دورانی را در زندان انفرادی گذرانده‌اند. و ضمن بیان خاطرات توصیه‌هایی هم دارند که می‌تواند مفید باشد برای کسانی که ممکن است در آینده به شکنجه‌گاه‌های انفرادی در جمهوری اسلامی برده شوند. این کتاب در دو جلد توسط نرگس محمدی گردآوری شده است و نشر باران در سوئد آن را منتشر کرده است. جلد نخست ۲۰۸ صفحه است و مقدمه‌ای هم توسط «شیرین عبادی» بر آن نوشته شده است. در وب‌گاه نشر باران متن نسبتاً بلندی درباره این



نویسنده: نرگس محمدی

ناشر: باران سوئد

تعداد صفحات: ۶۱۶

رقعی سخت

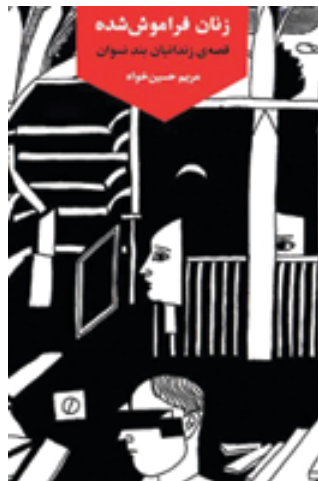
جلد دوم، شکنجه سفید، در ۶۱۶ صفحه است و گفت‌وگوهای نرگس محمدی با زندانیان بیشتری از طیف‌های مختلف سیاسی در آن آمده است. نام این افراد عبارت است از: ساسان آقایی، شهناز اکملی، مسعود باستانی، رسول بدایی، کیوان رحیمیان، سعید رضایی، عبدالفتاح سلطانی، مصطفی نیلی، محمدعلی عمویی، غنچه قوامی، مجید لباف، سعید مدنی، عبدالله مؤمنی، ضیا نبوی و اکرم نقابی.

اطلاعات بیشتر: در نشر باران baran.se/fa

چوبه‌ی دارشان را انتظار می‌کشیدند تا آن‌هایی که به اتهام سرقت و کلاهبرداری و «فحشا» در زندان بودند و بیرون از زندان هیچ‌کس منتظرشان نبود. از همان اولین روزهای پس از آزادی، ماجرای زندگی هر کدام‌شان را بارها و بارها نوشتیم و خط زدم و دوباره از اول شروع کردم. هر چه می‌نوشتیم، نمی‌توانستیم تمام آنچه را در زندان و زندگی با زندانیان زن تجربه کرده بودند، به تصویر بکشیم، اما قول داده بودم. قول داده بودم و هر بار که یکی‌شان بالای چوبه‌ی دار می‌رفت، خودکشی می‌کرد، یا از سرطانی که در زندان به جانش افتاده بود، می‌مرد، قولم بیشتر از همیشه روی شانه‌هایم سنگینی می‌کرد.

باید می‌نوشتیم‌شان و سرانجام وقتی دیدم که توان نوشتن گزارشی از «زندگی»‌شان را به‌عنوان یک روزنامه‌نگار ندارم، چشم‌هایم را بستم و فکر کردم همه زندگی‌هایی که این زن‌ها در دوسوی دیوارهای بلند زندان پشت‌سر گذاشته‌اند، فقط یک قصه بوده و همان قصه‌ها را نوشتیم.»

اطلاعات بیشتر: در وب‌گاه نوگام www.nogaam.com/book/2396



۳

زنان فراموش‌شده: قصه‌ی زندانیان بند

نسوان

نویسنده: مریم حسین‌خواه

ناشر: نوگام

تعداد صفحات: ۱۳۴

قطع: رقعی



۲

از زیر چشم‌بن؛ اثر عیسی خندان

ناشر: سرای بامداد، تورنتو

تعداد صفحات: ۲۲۲

قطع: پالتویی

هر چند نویسنده کتاب در تهران زندگی می‌کند اما کتاب او در تورنتو نشر بامداد چاپ شده است. کتاب «از زیر چشم‌بند» خاطرات دو نوبت بازداشت نویسنده در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۸۰ در سلول انفرادی و به‌عنوان متهم زیر بازجویی است. نویسنده در سال ۱۳۶۹ مجله دریچه گفت‌وگو را منتشر می‌کرده و در سال ۱۳۷۸ دبیر سرویس اجتماعی روزنامه خرداد در ایران بود. روایت کتاب ساده و صمیمی است. متن بیش از آنکه سیاسی باشد بیان وضعیت درونی شامل احساسات، افکار و تخیلات زندانی است. داستان هرروزه‌ی مقابله با سختی‌های زندگی در سلول انفرادی است. آماده کردن خود برای پایداری و ایستادگی در مقابل سختی‌ها از لابه‌لای روایت روشن می‌شود.

«از زیر چشم‌بند» توانسته کمی از دوگانه «بازجو/ شکنجه‌گر» و «زندانی/ قهرمان» فاصله بگیرد و دو نفر را در شرایط واقعی با ضعف‌های بشری نشان دهد. در کتاب بارها ترس‌ولرز زندانی، رخوت و ناامیدی و هم شجاعت و جسارت او نشان داده می‌شود. جایی که می‌گوید: «با بازجو در دروغ گفتن به همدیگر مسابقه گذاشته بودیم.»

اطلاعات بیشتر: در وب‌گاه sarayebamdad.com



درباره اسپانسر
خانه کتاب
پرستوک
ارسال سریع به
سراسر آمریکای
شمالی

۱۰ درصد تخفیف ویژه برای
خوانندگان مجله‌ی هفته با استفاده
از کد تخفیف HaftehMag در
وب‌گاه پرستوک
نشانی وب‌گاه: Parastook.com
حساب اینستاگرامی: parastook.book
تلفن واتساپی: ۶۴۷۲۲۷۸۰۷۷



درباره نویسنده:
مصطفی عزیززی،
کارگردان، تهیه‌کننده
و نویسنده سینمایی
است.

مریم حسین‌خواه که زاده‌ی ۱۳۵۹ است. در تهران، الهیات و روزنامه‌نگاری خواند و در دوبلین، ایرلند تحصیلاتش را در رشته‌ی مطالعات خاورمیانه ادامه داد. او پیش از این دو پژوهش با عناوین «۳۵ سال در حجاب، گزارشی پیرامون نقض گسترده حقوق زنان در ایران» و «داستان ناتمام: مادران و خانواده‌های خاوران؛ سه دهه جست‌وجوی حقیقت و عدالت» را منتشر کرده است. او هم مانند بسیاری از روزنامه‌نگارانی که در جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند و نمی‌توانند چشم‌های خود را به‌روی فساد و بی‌عدالتی ببندند کارش به زندان کشیده است و او را در «بند نسوان» با زنانی با جرم‌های غیرسیاسی که برخی زیر حکم اعدام بودند به بند کشیدند.

مریم حسین‌خواه خودش در مورد این مجموعه روایت می‌گوید: «این مجموعه، روایتی از زندگی زنان زندانی عادی و غیرسیاسی است که جز صفحه‌ی حوادث روزنامه‌ها، کمتر جایی ردی از آن‌ها دیده می‌شود. زندگی زنانی که وقتی برای ۴۵ روز در بند عمومی زندان اوین حبس بودم، کنارشان زندگی کردم، قصه‌هایشان را شنیدم و قول دادم که از زندگی‌شان پشت دیوارهای بلند زندان و آنچه بیرون از زندان بر آن‌ها گذشته، بنویسم. از آن‌هایی که به اتهام قتل دستگیر شده بودند و هر چهارشنبه،

مرجان شاهوران



سعید کریمی، تورنتو



ژینا

بمیرم میهنم، ای دخترانت! دفن زندانی
 بمیرم که نمانده از تو جز یک تکه ویرانی
 شده رویای من تصویر محوت در ته ذهنم
 شود روزی کنم من کوچهایت را چراغانی؟
 بیارم یک سبد از رازقی، با نسترن، سوسن
 کنم میدان آزادت به دستانم گل افشانی
 ببینم صورتت را که بخندی و برقسانی
 و یک جرعه ز حال خوش به ما جانا بنوشانی
 که بعد از آن زخم چرخ چنان پروانه‌ای رنگین
 کنم هر ذره ذره خاک تو همچون گلستانی
 هرسها می‌کنم هر قطعه از خاکت عزیز من
 بخشکانم تمام ریشه‌ی این جهل و نادانی
 شود آیا زخم یک باره دیگر بوسه بر خاکت؟
 شدم درمانده اینجا... معنی غربت چه میدانی؟
 ...
 ۱۳/۱۰/۲۰۲۲

مدتی است که در کشورمان شب شده است
 از خزر تا به خلیج‌اش تنی پر تب شده است
 آن همه درد که او داشت کنارش بنهید
 عامل این همه غم را سر دارش بنهید
 که کند حبس به تاریخ جهان مردم خودا!
 آتش افکنده برون از لب و از مردم خود
 دختران کفش به پا کرده و آماده شدند
 جملگی بهر وطن عاشق و دلداده شدند
 سخت باشد که به غربت بنشیننی و ز دور
 چشمهایت بشود از غم این واقعه کور
 آخرش راه نجاتیست ولی می‌دانم
 با قلم در صف پیکار شما می‌مانم...
 ۱۳/۱۰/۲۰۲۲

نم نم می‌گرید آسمان
 بر غربت خزان زده برگ‌ها...
 از غارت باد....
 پخشیده و لهیده و رنگ رنگ برگ‌ها
 این تنگ دریچه و من ...
 چک چک ناودان
 و مدفون در چله خزان،
 ژینا دختر بهار...
 راوی مقتدر روایت‌ها، ژینا
 افسون کردی جادوی سیاه را
 و درآمیختی هستی خویش را در جاودانگی
 تا قد کشد غم رفتنت،
 تا دماوند
 تا خصم را رسوا
 تا مهر را آباد
 ژینا دختر بهار...
 نجیب دختر همواره در ضیافت یاد
 دستانت چون خورشیدهایی همزاد
 طلوع کرده‌اند در باغچه‌ها،
 به پیشواز بهار
 نرفته‌ای چون بیرنگ سایه‌ای
 پیوند زدی درخشندگی را به خزان،
 خزان را به بهار.
 پاییز ۲۰۲۲



فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6

VANTAGE

همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

آتوسا تنگستانی فر

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8290 Boul. Décarie # 150
Montreal, QC H4P 2P5



بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



محمد تائبی

مشاور بیمه

• Mohammad Taebi

Personal-lines Damage Insurance Broker, MIA

- بیمه منزل
- بیمه موتور
- بیمه اتومبیل
- بیمه مالکان خانه در برابر
کلاهبرداری

بهترین بیمه‌نامه را از
بین شرکت‌های مختلف بیمه می‌خواهید؟

با من تماس بگیرید!



514-866-BIME

800-361-1321 Ext:321



Mohammad.Taebi@jgfortin.com

AVIVA leclerc echelon insurance L'Unique economical RUPCO Intact



استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند:
ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
- شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
- مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی متمدول
- ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

باحقوق عالی (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

نازک سلیمانپور

مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

- ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
- مشاوره رایگان برای خریداران
- همکاری با تیم حرفه ای جهت اخذ وام مسکن

(438) 872-7373



Nazak Soleimanpour

Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

✉ soleimanpournazak@royalpage.ca

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارثی دوست

(514) 996-1065

helia_realtorIntl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org

Iran: Quelles sont les alternatives à la dictature religieuse?



Programmes
Solutions offertes

Jouez un rôle
de premier plan
pour votre
entreprise.

En savoir plus

Demander un devis

تربون
آزاد
هفته



نگاهی به نوشته لودووار درباره آلترناتیوها بعد از پایان رژیم اسلامی

توضیح: هفته گذشته مقاله‌ای در لودووار، نشریه معتبر فرانسه‌زبان کبک منتشر شد که موضوع آن آلترناتیوهای موجود برای به دست گرفتن قدرت بود بعد از پایان رژیم حاکم بر ایران. ترجمه فارسی این مقاله در سایت هفته منتشر شده است.

۱- جای خوشحالی است که انقلاب مردم ایران مورد توجه جهان قرار دارد. باور دارم انقلابیون ایران از لودووار و تمام رسانه‌هایی که از نشنیده شدن صدای معترضین جلوگیری می‌کنند متشکرند.

۲- انعکاس دقیق و صحیح آنچه در جریان است بسیار مهم است. بنابراین تمام شنوندگان ایرانی رسانه‌ها با دقت نظرات منعکس شده در رسانه‌ها را تحلیل و حقیقت‌سنجی خواهند کرد. بخش اولیه نوشته لودووار مبنی بر حصول اجماع برای جایگزین کردن حکومت اسلامی با نظامی سکولار و دموکراتیک به خوبی با ماهیت و اهداف جنبش جاری هم‌خوان است.

اما مهم می‌دانم که خطاهای این نوشته نیز تشریح شوند:

الف: پیشی گرفتن از بزرگ‌ترین نقش‌پردازان و سهم‌داران جنبش ایران یعنی مردم داخل ایران خطایی تکراریست هم به لحاظ اخلاقی هم به لحاظ استراتژیک.

در غیاب مکانیزم‌های سیستماتیک نظرسنجی و رأی‌گیری شعارهای انقلابیون و بیانیه‌های تجمعات شاید تنها و قابل‌اعتمادترین منبع برای دانستن اهداف و خواسته‌های انقلابیون باشد.

در هیچ‌یک از خبرها و تصاویر بیرون آمده از ایران

در بیش از چهل روز گذشته شعاری مبنی بر اینکه مردم کسی را برای جایگزینی جمهوری اسلامی انتخاب کرده‌اند دیده و شنیده نشده است.

کسی نمی‌تواند تردید کند که تنها هدف واحدی که یک دست و مداوم به‌وسیله انقلابیون داخل ایران فریاد زده شده است از میان برداشتن حکومت اسلامی بوده است. تنها خواسته آنان هم از جامعه جهانی این بوده که صدای آن‌ها باشند. تاکنون در تجمعات و شعارهای مردم ایران از هیچ فرد و دسته و گروهی به‌عنوان رهبر یا حکومت بعدی ایران دعوت نشده است. این در شعارهای بسیار مشهوری که از ایران به همه جهان صادر شده کاملاً مشهود است.

هر کس که از این دو اصل (حذف حکومت اسلامی به‌عنوان تنها هدف مشترک . انعکاس صدای مردم ایران به جهانیان به‌عنوان تنها خواسته ایرانیان داخل از خارج) تخطی کند خود را در خطر تحریف و کج‌نمایی یا حتی مصادره غیراخلاقی حرکت مردم ایران قرار داده است و این با اخلاق سازگار نیست.

از بعد استراتژیک تنها راه تأمین دموکراسی پایدار و در نتیجه ثبات سیاسی ایران و به تبع آن منطقه که به مردم فرصت داده شود تا از دهلیزهای فرایند دموکراتیک بگذرند و بعد از حداقل دو قرن تلاش به نظامی دموکراتیک که برآمده از نهادهای مدنیست دست یابند. پدیده رهبر و حکومت تراشی به‌وسیله غرب، به‌طور خاص آمریکا و انگلیس، در جهت‌دهی و کنترل حرکت‌های مردمی در ایران بارها امتحان شده و همیشه به نتیجه‌ای مخرب هم برای مردم

ایران و هم در درازمدت جامعه جهانی ختم شده است: کودتا در برابر حکومت دکتر محمد مصدق و کمک به جایگزینی پادشاهی پهلوی با ولایت مطلقه خمینی بهترین سندهای این ادعا هستند. این شکست‌ها البته جای تعجب ندارد. که اگر نگاه بالا به پایین غرب مانع نمی‌شد، می‌توانستند بدانند که دانش آن‌ها بسیار کم است از مشخصات و تعاملات اجتماعی جوامعی که اقدام به دخالت در سرنوشتشان می‌کنند در خارج از چهارچوب خواسته‌های صریح مردم.

بنابراین هم به حکم اخلاق و عدالت و هم به حکم عقلانیت و سنجیدگی سیاسی بهتر است همه پشت سر مردم داخل ایران بایستند و حمایتشان را به همان شکل و اندازه که آن‌ها درخواست می‌کنند ارائه کنند.

ب: محدود کردن گزینه‌های مردم برای ایران پس از حکومت اسلامی تنها به دو انتخاب می‌تواند از عدم شناخت از ذخایر انسانی ساخته شده در ایران در چهل‌وسه سال گذشته گواهی دهد. باید باور کرد که جامعه ایرانی داخل ایران در چهل‌وسه سال گذشته از زیر و بالاها و پیچ‌وخم‌های بسیار گذشته است. این به جامعه پیچیدگی‌هایی داده است که شناختش برای همه کسانی که فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌های آن اجتماع را زندگی نکرده‌اند بسیار سخت خواهد بود. مظاهر بلوغ زیرزمینی جامعه داخل ایران در برخی زمینه‌ها در پیش باعث تعجب ایرانیان خارج از کشور شده است: دقت کنید به موسیقی بالغ و فاخری که در زیرزمین‌های ایران به‌وسیله افراد بسیار جوان ساخته شده است پس از چهل سال هنر ستیزی

از تحریم‌های کانادا چه می‌دانیم؟

که از آن به قانون «سیما» یاد می‌شود، آن است که در اغلب موارد، اعمال تحریم‌ها به شکل «همه‌جانبه» و در راستای وظایفی که شورای امنیت سازمان ملل بر اساس مواد ۲۴.۲۵ و ۴۱ منشور ملل متحد بر دوش کشورها نهاده، صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، کانادا همواره به‌عنوان کشوری شناخته می‌شود که از اعمال تحریم‌های «یک‌جانبه» بدون پشتیبانی قطعنامه‌های شورای امنیت امتناع می‌ورزد و در صورت ضرورت به اعمال تحریم، آن را در اغلب موارد به‌صورت «چندجانبه» همراه با سایر کشورهای متحدالمنافع، همچون ایالات متحده آمریکا، اعمال می‌نماید. بدین ترتیب، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه امری استثنايي در سياست خارجه‌ی کانادا تلقی می‌شود.

شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که کانادا را بر آن داشته که در موارد اندکی تصمیم بر اعمال اقدامات تحریمی یک‌جانبه بگیرد، محدودیت‌هایی است که ماده‌ی (۱.۴) قانون موسوم به سیما در سر راه آن قرار داده است که در عمل، دست دولت‌های فدرال را برای اعمال تحریم بسته نگاه می‌دارد: یکی از موارد مصرح و پراهمیت در قانون سیما که تجویز تحریم را ممکن می‌کند «نقض فاحش صلح و امنیت بین‌الملل» است که منجر به یک «بحران جدی بین‌المللی» شود.

یکی از جوامعی که بیش از سایرین تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی به اشکال نوین آن پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته است، جامعه‌ی ایرانی است و لذا نوشتن از تحریم‌ها برای چنین مخاطبانی ممکن است صرفاً مروری باشد بر خاطرات دو دهه‌ی گذشته آن‌ها و فرازوفرودهایی که هر یک در زندگی شخصی یا اجتماعی با آن روبرو شده‌اند. اما شاید تغییر و تحولات اجتماعی-سیاسی اخیر این فرصت را ایجاد کرده باشد تا از زاویه‌ی جدید به تحریم‌ها و تأثیرات آن‌ها، و به‌خصوص نظام تحریمی کانادا و قوانین آن نگاهی گذرا انداخته شود تا بتوان درباره کم و کیف و نیز میزان اثربخشی آن تحلیلی دقیق ارائه داد.

کشور کانادا همواره به‌عنوان یکی از کشورهای تحریم‌کننده در عرصه‌ی جهانی شناخته می‌شود که در بسیاری از بزرگراه‌های تاریخی، بر اعمال تحریم‌های اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف سیاسی خود یا اهدافی که توسط سازمان ملل متحد و یا کشورهای متحدالمنافع با کانادا تعیین می‌شود، قدم برداشته است.

یکی از ویژگی‌های اصلی تحریم‌های کانادا در طول دوران مدرن آن و به‌خصوص پس از تصویب قانون «اقدامات ویژه‌ی اقتصادی» در سال ۱۹۹۲

نظام.

باور کنیم که در عرصه تحلیل و تقنین و مدیریت هم جامعه ایرانی داخل ایران بسیار برای گفتن خواهد داشت روزی که تنگنای دیکتاتوری مذهبی رفع شود.

پ: در غیاب مکانیزم‌های صحیح نظرسنجی و رأی‌گیری هر روش و ابزاری برای نسبت دادن اکثریت به هر فرد و گروهی تنها یک حدس و گمان شخصی است و بهتر است صریحاً به‌عنوان یک حدس و گمان شخصی نیز ابراز شود اگر فرد واقعاً توان فائق آمدن بر اشتیاق خود برای ورود زود هنگام به این بحث را نداشته باشد.

آشنایان به عدد و رقم و آمار خوب می‌دانند که حتی نظرسنجی‌های سیستماتیک علی‌رغم تمام تلاش متخصصین می‌توانند دچار خطاهای فاحش شوند (به یاد بیاورید نتایج نظرسنجی‌ها را در رقابت ترامپ و کلینتون)، پس ناروا نیست که بگوییم در فضای مسدود و مغشوشی مثل آنچه در ایران برقرار است ادعای برخورداری فردی از «بیشترین اقتدار اخلاقی و بیشترین مشروعیت» ادعایی است بی‌بهره از هر پشتوانه آماری و دموکراتیک.

ت: درباره مجاهدین و دلایل عدم مقبولیت و عدم احراز چیزی حتی نزدیک به یک اکثریت ضعیف برایشان بسیار می‌توانم بگویم. اما برای پایبند بودن به اصل پرهیز از ادعای اکثریت و اقلیت برای هر گروه و دسته و فردی بدون وجود انتخابات آزاد و سالم، روشن شدن تکلیف جایگاه این گروه را که به نظر من بسیار زیاد ظرفیت تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری خشن دارد را هم به صندوق‌های رأی ایرانی آزاد بسپاریم.

به جدیت به همه پیشنهاد می‌کنم احترام بگذاریم به:

- تمرکز مردم داخل ایران به حذف حکومت اسلامی به‌عنوان هدفی که هر روز با به خطر انداختن آزادی و جانشان در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و پشت‌بام خانه‌ها فریاد می‌زنند
- به تنها چیزی که از ما خواسته‌اند که این است که صدای آن‌ها باشیم.

به جدیت پیشنهاد می‌کنم پشت سر مردم داخل ایران حرکت کنیم، به شعور و تواناییشان در اداره کشوری که به همه ایرانیان تعلق دارد اعتماد کنیم، و از توسل به روش‌های غیر دموکراتیک برای انتخاب زودرس نظام سیاسی آینده ایران خودداری کنیم.

بین‌المللی از جمله اقداماتی است که در دور زدن تحریم‌ها به افراد، شرکت و کشورهای تحریم شده یاری می‌رساند. لذا، اگر کشوری مدت‌زمان طولانی‌تری مورد هدف تحریم قرار گرفته باشد، همانند کره‌ی شمالی، به همان میزان بیش از سایر کشورها از چنین سازوکارهایی برای دور زدن تحریم‌ها استفاده خواهد کرد.

درنهایت، باید به این نکته توجه شود که تحریم‌ها، به‌طورکلی، چه از نوع اولیه و چه از نوع ثانویه و چه از نوع یک‌جانبه یا همه‌جانبه، از اثربخشی کمی در رسیدن به هدف خود برخوردار هستند. در یکی از جامع‌ترین مطالعات انجام گرفته در کتاب «بازنگری تحریم‌های اقتصادی»، بررسی‌های هافبائر و سایر همکاران وی بر روی ۲۰۴ برنامه‌ی تحریمی در حفاصل پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که تنها ۳۴٪ از تحریم‌های اعمال‌شده در رسیدن به اهدافشان موفق بوده‌اند. با در نظر گرفتن این میزان از موفقیت تحریم‌ها و نیز با توجه به کاستی‌های موجود در نظام تحریمی کانادا که مختصراً به آن‌ها اشاره شد، باید دید این کشور چه مکانیزم‌هایی را در آینده برای افزایش کارایی تحریم‌های خود در نظر خواهد گرفت و تا چه میزان تمایل خواهد داشت تا تدوین قوانینی جدید را در دست اقدام قرار دهد.

این مطلب اکتفا کرد که تحریم‌های ثانویه برای افزایش اثربخشی تحریم‌های اولیه ایجاد شده‌اند که آمریکا، از طریق نظام پولی-بانکی خود و به‌طور غالب در مواقعی که معاملات بین‌المللی با دلار این کشور انجام می‌شود، می‌تواند زنجیره‌ای از معاملات ممنوعه و طرفین آن را هر کجا که باشند شناسایی و تحریم‌های خود را بر آن‌ها اعمال کند. قوانین تحریمی کانادا نه‌تنها اعمال تحریم‌های ثانویه را تاکنون پیش‌بینی نکرده است، و صرفاً به تحریم‌های اولیه بسنده کرده، بلکه به نظر می‌رسد نظام پولی-بانکی این کشور نیز به دلیل حجم محدود تجارت بین‌المللی با دلار کانادا توانایی رصد برنامه‌ی تحریمی خود و نیز برخورد با «دور زندگان تحریم» در ورای مرزهای این کشور را نداشته باشد.

دورزندگان تحریم شامل افراد، شرکت‌ها و دولت‌هایی هستند که به یاری افراد، شرکت‌ها، صنایع یا دولت‌های تحریم‌شده می‌شتابند تا به‌اصطلاح متداول، تحریم‌ها را دور بزنند که بی‌شک نقش آنان در کم‌رنگ کردن اثرات تحریم بسیار زیاد است و ممکن است حتی در مواردی اثرات آن را به‌کلی خنثی کند: استفاده از کشتی‌های باری با پرچم سایر کشورها، تبادل کالا بین کشتی‌های باربری بر روی آب‌های آزاد، ایجاد شرکت‌های پوشالی متعدد در سایر کشورها و نیز استفاده از اسامی مستعار در تراکنش‌های

این که معیار برای تشخیص نقض صلح و امنیت بین‌الملل آن هم از نوع فاحش آن چیست، و این که چه شرایطی به‌عنوان بحران جدی تلقی می‌گردد، نامشخص، مبهم و بدون تعریفی دقیق باقی‌مانده است و لذا تمسک به آن در محدود شرایطی فراهم می‌شود. چنین است که در سال ۲۰۱۷، برای افزایش کارایی تحریم‌ها، اصلاحاتی در قانون سیما به عمل آمد تا اتباع خارجه‌ای را که «مسئول یا شریک در نقض فاحش حقوق بشر» شناخته می‌شوند نیز تحت نظام تحریمی کانادا قرار گیرند و بدین ترتیب، دایره‌ی شمول تحریم‌های این کشور گسترش یابد.

میزان «اثربخشی» چنین تحریم‌هایی که در اندک مواردی به‌طور یک‌جانبه توسط کانادا اعمال می‌شود و می‌تواند منجر به منع ورود اتباع خارجه به کانادا و یا مسدود شدن اموال و دارایی‌های آنان گردد، از دیگر مسائل موردبحث در نظام تحریمی این کشور است. برای درک بهتر این میزان اثربخشی، می‌توان قوانین بنیادین تحریمی کانادا را با کشور همسایه‌ی آن آمریکا مقایسه کرد. قانون «اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی» که به قانون «ایپا» شناخته می‌شود، پایه و اساس تحریم‌های آمریکا را شکل می‌دهد و برخلاف قانون «سیما» ی کانادایی، به رئیس‌جمهور آمریکا اختیارات وسیعی را اعطا می‌کند تا در مواردی که «تهدیدی غیرمعمول و فوق‌العاده علیه امنیت ملی، سیاست خارجی یا اقتصاد آمریکا» صورت گرفته باشد، همانند فعالیت‌های گروه‌های تروریستی، به اعمال تحریم روی آورد.

علاوه بر چنین اختیارات وسیعی، تحریم‌های آمریکا از جهتی دیگر نیز با نمونه‌ی کانادایی آن متفاوت است: تحریم‌های آمریکا در کنار «تحریم‌های اولیه»، «تحریم‌های ثانویه» را نیز تجویز می‌کند. تحریم‌های اولیه به تحریم‌هایی اطلاق می‌شوند که آمریکایی‌ها و کلیه‌ی اشخاص و شرکت‌هایی که در خاک آمریکا هستند را از روابط تجاری و اقتصادی با کشور، صنعت، شرکت یا فرد مورد هدف تحریم (همانند تحریم‌های کره‌ی شمالی و ایران) منع می‌کند. تحریم‌های ثانویه، تحریم‌هایی هستند که مانع از ایجاد روابط تجاری-اقتصادی فی‌مابین افراد و شرکت‌های غیرآمریکایی در کشوری غیر از آمریکا با افراد، شرکت‌ها و کشورهای تحت تحریم می‌شوند. مکانیزم تحریم‌های ثانویه از پیچیدگی‌های حقوقی زیادی برخوردار است. اما می‌توان به



درباره نویسنده

ماهان آشوری تحصیلات دانشگاهی خود را به طور هم‌زمان در رشته‌ی حقوق و علوم اجتماعی در دانشگاه تهران آغاز نمود و سپس به اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق در ایالات متحده‌ی آمریکا مبادرت ورزید. پس از اتمام این دوره، وی راهی کشور کانادا شد و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد دیگری با تمرکز بر حقوق تجارت بین‌الملل از دانشگاه م‌ک‌گیل گردید. ماهان هم اکنون در حال اتمام دکترای حقوق خود از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه م‌ک‌گیل است.

جمهوری اسلامی، مدل حکومتی شکست خورده

اسلام موردنظر جمهوری اسلامی نظرات شخص ولی فقیه (فعلاً علی خامنه‌ای) است که حتی در میان روحانیان شیعه نیز به بخش‌هایی از آن انتقادهایی وارد است. سیاست‌های پیدا و پنهان ضدیت یا تبعیض علیه سنیان، دراویش و حتی برخی مراجع تقلید شیعه که نظرات مخالفی داشته‌اند (نظیر آقایان منتظری و صانعی) از یک طرف و عدم اعتراض به برخورد‌های دولت چین با اقلیت‌های مسلمان به دلایل سیاسی از دیگر، اسلامی بودن رژیم را هم مورد سؤال قرار می‌دهد. پرداختن به فروع دین و چشم بستن بر خطاهای «خودی‌ها» در اصول دین از حالت استثنا خارج شده و به صورت قاعده در آمده است. البته معیارهای بسیار مهم دیگری، از جمله معیارهای اقتصادی، رفاه، توسعه و محیط زیست در بررسی عملکرد یک حکومت هم وجود دارند که هر یک توسط کارشناسان امر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از حوزه دانش نگارنده خارج هستند. اما نگاهی گذرا به هر کدام از این حوزه‌ها هم نشان از ناکارآمدی عمیق جمهوری اسلامی دارد. وجود تورم دو رقمی در اکثر سال‌های چهار دهه گذشته، بزرگ شدن دولت و اقتصاد دولتی/شبه‌دولتی و بدتر از آن رانتی شدن اقتصاد، افزایش فقر مطلق، کاهش منابع آب زیرزمینی، خشک شدن دریاچه‌ها، مناقشات بین استان‌ها به خاطر کمبود آب، موج مهاجرت از همه طبقات از روستاها به شهرها و از شهرها به کشورهای خارجی به خاطر نبود درآمد و امید به آینده و و، همه نشان‌دهنده شکست مدل جمهوری اسلامی در کشورداری هستند. / ۴ نوامبر ۲۰۲۲

از سوی دیگر محدود کردن جریان آزاد اطلاعات، فیلتر کردن اینترنت، سانسور شدید اخبار و آثار هنری جزو عملکردهای عادی و روزمره حکومت بوده و انحصارطلبی در حوزه اطلاع‌رسانی و فرهنگ سیاست رسمی آن است. فشار دائمی بر خبرنگاران و ایجاد ناامنی شغلی برای هنرمندان یا کنشگران مدنی که خارج از خط رسمی حکومت تلقی شوند از جمله دیگر رویکردهای مرسوم است.

در حوزه آزادی‌های فردی هم قانون حجاب اجباری برای زنان و تبعیض در گزینش‌ها بین افراد «خودی» و «غیرخودی» و تبلیغ و تحمیل یک سبک زندگی خاص علیرغم خواست اکثریت که بزرگ‌ترین شاهد آن گشت ارشاد است بزرگ‌ترین نقض آزادی‌های فردی توسط جمهوری اسلامی است که این روزها باعث شده اکثریت مردم خواست آزادی را با صدای بلند در خیابان‌ها فریاد بزنند.

سوم، جمهوری اسلامی: شاید در فضای پر از هیجان انقلابی سال ۱۳۵۷ برای انقلابیون، ترکیب وصفی «جمهوری اسلامی» یک ترکیب ایده‌آل به نظر می‌رسیده. اما امروز ما میدانیم که جمهوری و اسلام لزوماً به هم سازگار و هم‌جهت نیستند که هیچ، گاهی کاملاً در دو جهت متضاد قرار می‌گیرند.

در سال‌های اولیه پس از انقلاب، شخصیت فرهمند (کاریزماتیک) آقای خمینی به دلیل توان همراه‌سازی اکثریت، مشکل چندانی برای همراه‌سازی اکثریت با اسلامیت (با تعریف شخص او) نداشت. اما به شروع رهبری آقای خامنه‌ای، این شکاف شروع به عیان شدن نمود.


مکانیزم حکومت برای جمهوریت و اسلامیت، ایجاد قوای سه‌گانه و انتخابات برای بخش جمهوری و ولایت فقیه + شورای نگهبان برای اطمینان از اسلامی بودن آن بود. اما به تدریج، در هر بزنگاه، رژیم از قدرت بخش جمهوری کاسته و بر قدرت بخش اسلامی افزوده. ارتقای نقش شورای نگهبان از بررسی قانون‌های مجلس برای تطبیق با اسلام و قانون اساسی به فیلتر انتخابات، عملاً کلیه انتخابات شوراها، مجلس و مجلس خبرگان را به نمایشی رقت‌انگیز از مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش تبدیل کرده و عملاً از جمهوریت تنها نامی به جامانده. شگفت آنکه در بخش اسلامیت هم وضع بهتر نیست.

اگر ارزش‌های بنیادی جمهوری اسلامی را بنا بر شعار اصلی آن در ابتدای انقلاب «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در نظر بگیریم، قاعدتاً میزان موفقیت یا عدم موفقیت آن را در تحقق آن شعارها می‌بایست جستجو کرد.

نخست، استقلال: حکومت ایران به استقلال از دو منظر حفظ تمامیت ارضی و بی‌نیازی از سایر کشورها برای تأمین منابع و محصولات موردنیاز خود می‌نگرد. در حوزه حفظ تمامیت ارضی، رویکرد نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی باعث توسعه نامتوازن صنایع دفاعی از یک سو و ایجاد یا حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در کشورهای منطقه و دخالت در روند سیاسی آن‌ها از سوی دیگر شده است. این مدل امنیتی، با وجود حفظ مرزها، همواره خطر مقابله کشورهای منطقه به دلیل نارضایتی یا احساس خطر از جمهوری اسلامی را به دنبال دارد و در درازمدت باعث ایجاد اصطکاک‌های سیاسی/نظامی می‌شود، چنانکه حمله عراق به ایران یا سیاست‌های خصمانه عربستان علیه ایران گواه این واقعیت است.

نگاه مشابه در داخل هم باعث تحدید و تبعیض مستمر و سیستماتیک علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی شده و انباشت نارضایتی در مناطق محروم نگه‌داشته شده، از جمله در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان، همواره خطر استقلال‌طلبی را در این مناطق افزایش می‌دهد. همین روند یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند که رویکرد امنیتی را افزایش داده و موجب اعتراض و انزجار بیشتر جمعیت حاشیه‌نشین می‌شود.

دوم، آزادی: کارنامه حکومت در زمینه آزادی تقریباً در هیچ حوزه‌ای قابل دفاع نیست. در حوزه سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی اجازه فعالیت هیچ حزب یا نشریه غیرخودی را نمی‌دهد. بستن فله‌ای مطبوعات، تعطیلی احزاب، بازداشت و زندانی کردن مخالفان، حتی آنان که خود از همراهان و احياناً پایه‌گذاران جمهوری اسلامی بوده‌اند و حتی جلوگیری از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) فعال در حوزه محیط‌زیست یا امور خیریه رویکردی دائمی و تکراری است. عدم اجازه برگزاری تجمعات اعتراضی به مخالفان، با وجود صراحت در قانون اساسی، دیگر موجب تعجب کسی نمی‌شود.



درباره بابک فرزانی
بابک فرزانی، متولد ۱۳۵۶ تهران و کارشناس ارشد مهندسی صنایع است. او در سال ۲۰۱۶ به کانادا و شهر مونترال مهاجرت کرد. پیش از مهاجرت در ایران در اعتراضات جنبش سبز شرکت داشته و به گفته ی خودش به دنبال استقرار دموکراسی در ایران است.

BMO  **Bank of Montreal**

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و انفرادی
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca




در رجه مهاجرت

سهیل احمدی
مشاور رسمی مهاجرت به کانادا

عضو انجمن مشاورین رسمی مهاجرت کانادا

CICC  **CCIC**
Canadian Immigration Council / Conseil canadien d'immigration

کلیه خدمات مهاجرتی و شهروندی کانادا از طریق تخصص، کار،
تحصیلی، دانش آموزی، سرمایه گذاری، پناهندگی و الحاق خانواده
با تعیین وقت قبلی

www.ImmigrationDoor.com

لغات مستقیم از ایران با دفتر کانادا

ImmigrationDoor

+1 (514) 232-1326 **+1 (514) 748-0949**

4055 Rue Saint-Catherine, Unit 165, Westmount, Montreal H3Z 3Z6



Century 21
Century 21 Unique

نینوس گیورگیزنیا
مشاور ارشد املاک در کانادا

عضو دائمی کانون بین المللی مهندسين نقت

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره
- املاک مسکونی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و بیزنس
- با ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک

Ninous Givargiznia B.Sc
Professional Real Estate Broker
(514) 816-4080
ngivargiznia@gmail.com

Amelie Wang
Real Estate Broker Residential
(514) 916-1151
hongshan.wang@century21.ca

www.Century21.ca/ninous.givargiznia
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9






سياست
اقتصاد
جامعه



آیا ایرانیان بر جمهوری اسلامی پیروز خواهند شد؟

گزارش سی.بی.سی: انقلابی آغاز شده که نشانی از پایان آن نیست

۵۰ درصدی، با افزایش قیمت مواد غذایی و کاهش رشد اقتصادی ترکیب شده و سبب به میدان آمدن طبقه‌ی پایین و متوسط گردیده و جرقه‌های اعتصابات کارگری را نیز برانگیخته است. جامعه‌ی ایرانیان بیرون از کشور هم به این اعتراضات پیوسته‌اند.

عبادی می‌گوید که قتل مهسا امینی قطره بنزینی بود که بر خشم مردم ریخته شد. ایران آتش زیر خاکستر است و هر وزش باد کوچکی می‌تواند اعتراضات ایرانیان را شعله‌ور کند.

این جنبش یک جنبش آزادی‌بخش است

آذر نفیسی، نویسنده «لولیتاخوانی در تهران» که در اواسط دهه ۱۹۹۰ نشست‌هایی را در خانه‌اش برگزار کرد تا با دانشجویانش درباره نقش زنان در ایران پس از انقلاب گفت‌وگو کند، می‌گوید که این جنبش یک جنبش رهایی‌بخش است. او می‌افزاید که برای زنان، این فقط یک مبارزه سیاسی نیست، این یک مبارزه وجودی است.

شهرزاد مجاب، استاد مطالعات زنان و جنسیت در دانشگاه تورنتو که پس از انقلاب اسلامی برای بهبود حقوق زنان ایرانی، پیش از آن که به کانادا بیاید، تلاش کرده است، می‌گوید که بیشتر نیروی محرکه اعتراضات کنونی از جانب جوانانی است که از طریق شبکه‌های اجتماعی درگیر مسائل زنان‌اند. انگیزه آن‌ها برای تغییر رژیم گرایش آن‌ها به زندگی بهتر است. او می‌گوید که این خیزش برآمده از نارضایتی و ناامیدی جوانان است و آنان برای مقابله با فاسدگی و خشم، نداشتن امید و آینده و شادی، اعتراض می‌کنند.

آیا نیروهای نظامی مایل‌اند که همچنان

به هیچ رسانه غربی اجازه ورود به ایران داده نشده است و رژیم سخت تلاش می‌کند تا اخبار را سانسور کند و اطلاعات به بیرون از کشور درز نکند. اما معترضی که خواسته نامش افشا نشود به بی‌بی‌سی گفته که وقتی برای اعتراض می‌روی می‌دانی که ممکن است دیگر برنگردی. این هم استرس‌زاست و هم امیدوارکننده، چراکه می‌بینید سرانجام صدای شما شنیده می‌شود.

سرکوب‌ها می‌تواند نتیجه عکس دهد

ناظران بر این باورند که سرکوب‌ها برای جمهوری اسلامی می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد. امید معماریان، روزنامه‌نگار و تحلیلگر مقیم آمریکا، می‌گوید که واکنش‌های جمهوری اسلامی بیش‌ازپیش به اعتراضات دامن زده است. شیوه‌ای که رژیم همیشه در برابر اعتراضات اتخاذ می‌کرد این بار دیگر جوابگوی روبرویی با جمعیت مصمم نیست و این چیزی است که هنوز جمهوری اسلامی نفهمیده است.

با انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ که شاهنشاهی ایران جای خود را به جمهوری اسلامی و استبداد مذهبی داد، ایران شاهد موج‌های متعدد اعتراضات بوده است که همه آن‌ها را نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی سرکوب کردند.

اما برخلاف جنبش‌های قبلی، به نظر می‌رسد که جنبش کنونی طیف وسیع‌تری از ایرانیان را در برمی‌گیرد. در این اعتراض ایرانیان خشم خود را از لگدمال شدن حقوق بشر، از جمله حقوق زنان، آزادی بیان و ابراز مخالفت سیاسی فریاد می‌کنند و خواهان برچیده شدن ستم مذهبی‌اند که بر این جامعه سکولار وارد می‌شود.

جدا از این، فشار اقتصادی و تورم فزاینده بیش از

در شیراز، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حسین سلامی، خشم خود را از معترضان ایرانی که بیش از شش هفته است در سراسر کشور به پا خاسته‌اند، بیرون ریخت و با فریاد گفت: «امروز آخرین روز شرارت شما بود، دیگر به خیابان نیایید!» سخنان سلامی نشان‌دهنده آن است که کاسه صبر جمهوری اسلامی لبریز شده است و فریادهای سلامی نشان از آن دارد که سرکوب شدیدتری در راه است.

فرمانده سپاه با تکان دادن انگشتش به نشان هشدار از انتقام سخن گفت.

شیرین عبادی، تنها ایرانی برنده جایزه نوبل، به بی‌بی‌سی گفته است که ایرانیان استبداد مذهبی را نمی‌خواهند و خواهان حکومتی دمکرات و سکولارند.

حداقل ۴۵۰ کشته و ۲۵ هزار بازداشتی

کشته شدن مهسا امینی جرقه‌ی خیزش اخیر را زد و زنان، سرکشانه، حجاب از سر برگرفتند و موهایشان را بردند و دانشجویان برای رهایی از چنگال حکومت مذهبی راهپیمایی کردند. خیزش گسترش یافت و طیف‌های گسترده‌ای از جامعه ایران را دربرگرفت و به انقلاب بدل گردید. شعار آنان «مرگ بر خامنه‌ای» و «آخوند باید گم بشه» است. گروه مجاهدین خلق از ۴۵۰ کشته و ۲۵ هزار بازداشتی خبر داده است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی هم اعلام کرده است که در روزهای آینده محاکمه علنی ۱۰۰۰ معترض را آغاز خواهد کرد و مادر یک مرد ۲۲ ساله دستگیر شده از حکم اعدام فرزندش در دادگاه بدوی گفته است.

باین‌حال، اعتراضات همچنان ادامه دارد.



چرا کانادا سپاه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار نداده است؟

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از انقلاب ۱۹۷۹ برای حفاظت از حکومت تازه به قدرت رسیده ایجاد شد. از آن زمان این نهاد به یکی از قدرتمندترین سازمان‌های شبه نظامی در خاورمیانه تبدیل شده است. این سازمان که سرویس اطلاعاتی خود را هم دارد مستقیماً به رهبر جمهوری اسلامی پاسخگوست.

سپاه که بخشی از نیروهای مسلح ایران است، جدا از ارتش است و درگیر فعالیت‌های گسترده اقتصادی است تا آنجا که بر طبق برآورد آمریکا نیمی از اقتصاد ایران، از جمله بخش‌های غیر نظامی مانند بانکداری و کشتیرانی، زیر سیطره سپاه است. این نهاد به سازمان‌دهی تعدادی از حملات تروریستی در سراسر جهان متهم شده است و در عین حال از برخی سازمان‌های تروریستی حمایت می‌کند.

نگاهی به فهرست تروریستی کانادا

این فهرست پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، بر اساس قانون ضد تروریسم، ایجاد شده و هم‌اکنون ۷۳ گروه را در خود جای داده است. برای جای گرفته شدن در این فهرست باید دلایلی معقول وجود داشته باشد که یک نهاد آگاهانه در یک فعالیت تروریستی شرکت یا آن را تسهیل کرده، یا آگاهانه به نمایندگی، به دستور یا در ارتباط با چنین نهادی اقدام کرده است. اگر نهادی در این فهرست جای گیرد، بانک‌ها

در حالی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معترضان ایرانی را به سرکوب تهدید کرده است، اتحادیه اروپا و آلمان در حال بررسی این موضوع‌اند که آیا باید مثل آمریکا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی بگذارند یا نه.

در بی‌خیزش گسترده ایرانیان که با قتل مهسا امینی در نیمه سپتامبر آغاز شد، کانادا رویاروی جمهوری اسلامی قرار گرفت و تحریم‌هایی را علیه این رژیم و سپاه پاسدارانش اعلام کرد.

دولت فدرال کانادا از این نهاد نظامی به‌عنوان یک سازمان تروریستی یاد کرد و فرمانده آن را تروریست خواند و ورود مقامات بلند پایه آن را به کانادا منع کرد. همچنین، شاخه‌ای از سپاه را که نیروی برون‌مرزی آن است و سپاه قدس نام دارد در فهرست سازمان‌های تروریستی جای داده.

باین‌حال، علی‌رغم درخواست‌های حزب محافظه‌کار کانادا، فعالان و انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز پی‌اس ۷۵۲، دولت کانادا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی جای نداده است.

فیل گورسکی، کارشناس سابق تروریسم در سرویس امنیتی کانادا، گفته است سپاه قطعاً معیارهای قرار گرفتن در فهرست سازمان‌های تروریستی را دارد، ولی نمی‌دانم در ذهن وزیر امور خارجه یا وزیر امنیت عمومی یا نخست‌وزیر چه می‌گذرد که چنین اقدامی نمی‌کنند.

نگاهی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به هم‌میهنان خود شلیک کنند؟

با وجود مصمم بودن تظاهرکنندگان، کارشناسان می‌گویند که بخت پیروزی «انقلاب» آن‌ها در نهایت به انسجام نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بستگی دارد.

سؤال مهم این است که آیا نیروهای نظامی مایل‌اند که همچنان به هم‌میهنان خود شلیک کنند؟ این را جانیس استاین از دانشکده امور جهانی مانک در دانشگاه تورنتو می‌پرسد و می‌گوید که تنها در صورتی که سرکوب‌گران متقاعد شوند که شکست خواهند خورد و رژیم دوام نخواهد آورد، آن وقت است که اعتراضات، صرف‌نظر از اینکه ناآرامی‌ها چقدر گسترده باشد، به پیروزی می‌انجامد و البته تا به امروز نشانه‌های چندانی از این موضوع وجود ندارد.

یکی از گروه‌های کلیدی که با معترضان مقابله می‌کند، بسیجیان‌اند که محصول انقلاب اسلامی‌اند. آنان نیرویی ایدئولوژیک و سخت وفادار به جمهوری اسلامی‌اند و بر این باورند که انقلاب اسلامی جهاد فی سبیل الله با بی‌عدالتی است، جهادی که آمریکا، اسرائیل و فرهنگ غرب تهدیدکننده آن‌اند.

در برابر احتمالات

سعید گلکار که تجربیات، مطالعات نشریات بسیج و مصاحبه‌های خود با اعضای بسیج را جمع‌آوری کرده و در قالب یک کتاب درآورده است، کتابی که «جامعه در بند: شبه‌نظامیان بسیج و کنترل اجتماعی در ایران» نام دارد و انتشارات دانشگاه کلمبیا و مرکز وودرو ویلسون چاپ کرده‌اند، می‌گوید که اگر صادقانه بخواهم صحبت کنم باید بگویم که امکان یک انقلاب موفق بسیار بسیار اندک است.

با این حال او احتمال آن را کاملاً رد نمی‌کند، زیرا همه این نیروهای امنیتی نیز بخشی از جامعه ایران‌اند و خانواده‌های آن‌ها مانند دیگران با فشارهایی روبرو هستند. گلکار از خانواده‌ای می‌گوید که پدر در سپاه است و دخترش یک معترض است که هر روز با او بحث دارد.

او می‌افزاید که این شگفت‌انگیز است. جامعه در حال تغییر است و همه جامعه، حتی خانواده‌های سپاهی، مطالباتی دارند.

البته باید به یاد داشت که انقلاب ۱۹۷۹ بیش از یک سال طول کشید. این یکی بیش از شش هفته است که در حال انجام است و هیچ نشانی از توقفش هم دیده نمی‌شود.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

نتایج نظرسنجی جدید:

نیمی از کانادایی‌ها می‌گویند وضع مالی بدتر شده

طبق یک نظرسنجی جدید که توسط موسسه Nanos Research برای رسانه بلومبرگ انجام شده است، کانادایی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند که به دلیل افزایش هزینه‌ها و تورم بالا، به‌طور فزاینده‌ای نگران وضعیت مالی خود هستند. حدود نیمی از آن‌ها هم گفته‌اند که وضع مالی‌شان بدتر از سال قبل شده است.

به گزارش هفته و به نقل از سی‌تی‌وی، این نظرسنجی جدید می‌گوید که ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که در طول یک سال گذشته، وضع مالی‌شان بدتر شده است. موسسه نظرسنجی Nanos Research از سال ۲۰۰۸ تاکنون، این پرسش را به‌طور هفتگی از مخاطبان تصادفی می‌پرسد. حالا اعلام شده است که همین آمار ۴۷ درصد، بالاترین رقمی است که در طول حدود ۱۴ سال اخیر ثبت شده است.

نیک نائوس، پژوهشگر ارشد تحلیل داده‌ها نیز می‌گوید: «فکرش را بکنید که کانادایی‌ها از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ عبور کردند، دوران همه‌گیری کرونا و نگرانی شغلی را تجربه کردند، ولی حالا بعد از دوران همه‌گیری کرونا گفته‌اند که وضع مالی‌شان بدتر از قبل است.»

در این بین، فقط ۱۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی اعلام کرده‌اند که وضعیت مالی‌شان در طول یک سال گذشته، بهتر شده است. همچنین اغلب شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی نسبت به اوضاع اقتصادی کشور، بدبین هستند، طوری که ۶۴ درصد آن‌ها گفته‌اند که انتظار دارند طی شش ماه آینده، وضع اقتصادی وخیم‌تر شود و فقط حدود ۹ درصد آن‌ها نسبت به بهبود آینده اقتصادی، خوش‌بین بوده‌اند. در عین حال، حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در این نظرسنجی نیز بر این باور بوده‌اند که قیمت مسکن در کانادا در شش ماه آینده، فروکش می‌کند.

نکته امیدوارکننده در این نظرسنجی، بحث امنیت شغلی است. فقط حدود ۱۳ درصد از پاسخ‌دهندگان در این نظرسنجی تا حدودی نگران بیکار شدن و از دست رفتن شغلشان بودند که این رقم در نظرسنجی هفتگی، تغییر محسوسی نداشته و مطابق میانگین آمار هفته‌های قبل است. Nanos در این نظرسنجی تلفنی، هر هفته نظر ۲۵۰ کانادایی را درباره امور مالی، شغلی، اقتصاد و مسکن جویا می‌شود و سپس رسانه بلومبرگ، آن را منتشر می‌کند.

از سوی دیگر، نظرسنجی دیگری هم نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد کانادایی‌ها برای صرفه‌جویی در هزینه‌های زندگی، حجم وعده‌های غذایی خود را کمتر کرده و یا حتی برخی وعده‌های غذایی خود را حذف کرده‌اند.

منبع: وبسایت شبکه خبری سی‌تی‌وی نیوز

توماس ژونو، متخصص سیاست خاورمیانه در دانشگاه اتاوا، با این موضوع موافق است و می‌گوید که بسیاری از مردان ایرانی در این ۴۳ سال در این نهاد به خدمت اجباری رفته‌اند. برای مثال آیا می‌خواهید کسانی را که در دهه ۱۹۹۰ یا ۲۰۰۰ در این نهاد آشپز یا در سمت‌های اداری بوده‌اند تحریم کنید؟! این افراد هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند.

آیا دلایل دیگری وجود دارد؟

ژونو می‌گوید که گذاشتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی به داشتن منابع فوق‌العاده‌ای نیاز دارد.

ژونو می‌افزاید که این کار هزینه کلانی را بر دست نهادهایی همچون دفتر خدمات مرزی، پلیس و ... می‌گذارد. در این زمینه باید افرادی را با مهارت‌هایی در زمینه اطلاعات مالی و امنیت مرزی استخدام کرد. آن‌ها را آموزش داد و مجوزهای امنیتی در سطح فوق سری به آن‌ها داد. اما یک موضوع حقوقی نیز وجود دارد که دولت درباره آن صحبتی نکرده است که می‌تواند مهم‌ترین مانع برای گنجاندن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی باشد.

اندرو هاوس، متخصص در قانون امنیت ملی، می‌گوید که در زمان دولت استفان هارپر، بحث طبقه‌بندی قانونی در مورد اینکه چه نوع نهادی باید در این فهرست گنجانده شود مطرح شده بود. طبق قانون کیفری، نهاد «شخص، گروه، شراکت یا صندوق یا انجمن یا سازمان غیرمجاز» تعریف شده است.

این بدان معناست که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به‌عنوان بازوی دولت ایران، ممکن است از نظر فنی در این طبقه‌بندی قرار نگیرد. احتمالاً، این نهادی دولتی است که مشمول تحریم می‌شود، اما نمی‌شود آن را در فهرست سازمان‌های تروریستی جای داد.

هاوس می‌گوید که این موضوعی حقوقی است و قاضی‌ها در این زمینه تفاوت قائل می‌شوند و ممکن است برای این موضوع مجبور شد که در دادگاه مبارزه کرد.

هاوس البته می‌افزاید که می‌توان بر این چالش حقوق چیره شد. او خاطرنشان می‌کند که به‌عنوان مثال، طالبان در این فهرست‌اند و آن‌ها دولت کنونی افغانستان‌اند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

می‌توانند دارایی‌هایش را مسدود کنند و پلیس هم می‌تواند هرکسی را که از نظر مالی یا مادی از چنین سازمانی حمایت می‌کند، متهم کند. در این فهرست گروه‌هایی همچون القاعده و بوکوحرام جای دارند.

کانادا در مورد سپاه چه گفته است؟

در ژوئن ۲۰۱۸، لیبرال‌ها از طرحی که محافظه‌کاران در مجلس عوام ارائه کردند و طی آن سپاه به‌عنوان یک نهاد تروریستی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا جای می‌گرفت حمایت کردند، اما به‌رغم ارائه این طرح، این نهاد هنوز در این فهرست جای نگرفته است.

سال گذشته، پس از آن که دادگاه عالی انتاریو حکم داد که سرنگونی پرواز پی‌اس ۷۵۲ توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک اقدام عمدی تروریستی بوده و به منزله «فعالیت تروریستی» باید لحاظ شود، پرونده این موضوع دوباره باز شد و فشارها بیشتر گردید.

با جنینش اخیر در ایران، دولت فدرال ماه گذشته اعلام کرد که طبق قانون حمایت از مهاجرت و پناهندگان اقداماتی را انجام خواهد داد تا اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که حدود ۱۰ هزار نفر می‌شوند حق ورود به کانادا را نداشته باشند.

و در همین حین بود که کریستیا فریلند، معاون نخست‌وزیر، از فرمانده سپاه به‌عنوان «تروریست» و از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان «سازمان تروریستی» یاد کرد.

با این حال، کانادا گام بیشتری برای جای دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی برداشت. پس چرا کانادا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد؟ دیوید لامتی، دادستان کل و وزیر دادگستری، ماه گذشته، در نشست خبری توضیح داد که از آن جایی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بخشی از ارتش ایران است و خدمت سربازی در ایران اجباری است، نگرانی‌هایی وجود دارد که افراد بی‌گناه هدف گرفته شوند.

گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست‌های تروریستی ممکن است به‌طور ناعادلانه به دستگیری برخی از ایرانیان کانادا که مخالف رژیم بوده و از دست رژیم فرار کرده‌اند، اما در سپاه به خدمت اجباری رفته‌اند، بینجامد.

لامتی گفت که نمی‌خواهیم افراد بی‌گناه یا مخالفان رژیم را مجازات کنیم.



» در آمار ماه اکتبر، حدود ده درصد از افراد بیکار را جوانان بین پانزده تا بیست و چهار سال تشکیل داده‌اند.

افزایش شغل، خبری امیدبخش در آستانه ورود به دوران رکود

و دو دهم درصد بوده است. سهم شهر کبک سیتی از نرخ بیکاری تنها دو و نه دهم درصد و شهر مونترال چهار و هفت دهم درصد گزارش شده است. نکته دیگری که در این گزارش جالب است این است که سه چهارم شغل‌های ایجاد شده محصول بخش خصوصی بوده است.

دولت نیز در این میان برای بهبود وضعیت به شدت رقابتی بازار کار راهکارهایی ارائه کرده است که بیشتر معطوف به مسیر جذب سرمایه انسانی از طریق مهاجرت هستند. اتاوا قصد دارد با ابزار جدیدی که برای روند مهاجرت طراحی کرده است بتواند تا سه سال دیگر حدود یک میلیون و چهارصد هزار مهاجر جدید به خاک کانادا راه دهد و با این روش به مقابله با کمبود نیروی کار بپردازد. ظاهراً روش جدید انتخاب مهاجر بهتر و مؤثرتر است و خواهد توانست برای بخش‌های اقتصادی که با کمبود نیروی کار مواجه هستند با سرعتی بیشتر نیروی کار خارجی فراهم کند. این ابزار جدید که از سال آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت بخش‌هایی نظیر بخش پزشکی و سلامت و همچنین بخش ساخت‌وساز را در اولویت قرار خواهد داد. این ابزار قرار است در خلال سال‌های ۲۰۲۳، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به ترتیب ۴۶۵، ۴۸۵ و ۵۰۰ هزار مهاجر جدید انتخاب کرده و درهای کانادا را به رویشان بگشاید.

افزایش دستمزد، شمشیر دو لبه

در گزارشی که توسط اداره آمار کانادا منتشر شد دستمزدها در پنج ماه گذشته نسبت به مقدار مشابه در سال گذشته کماکان در حال افزایش بوده است. این میزان در ماه اکتبر نسبت به سال گذشته پنج و شش دهم درصد گزارش شده است. با این حال، این میزان افزایش حقوق هنوز کمتر از نرخ تورم است و قدرت خرید خانواده‌های کانادایی در حال کاهش است چرا که در ماه سپتامبر تورم به شش و نه دهم درصد رسید.

نکته دیگری که در این گزارش دارای اهمیت است میزان افزایش حقوق در

در ماه اکتبر برخلاف انتظار کارشناسان اقتصادی، اقتصاد کانادا شاهد افزایش ۱۰۸ هزار شغل جدید بود. حالی که طی چند ماه گذشته بازار کار کانادا شاهد کاهش در تعداد شغل‌های ایجاد شده بود، اقتصاددانان منتظر اندکی بهبود در شرایط بازار کار بودند ولی جهش این چنین بود از انتظار بود. افزایش تعداد شغل در ماه اکتبر روند کاهشی ماه‌های گذشته را متعادل کرد. اداره آمار کانادا اعلام کرد که در ماه اکتبر نرخ بیکاری به پنج و دو دهم درصد رسید و تعداد بیشتری در این ماه متقاضی شغل جدید بوده‌اند. در چهار ماه گذشته بازار کار یا شاهد کاهش تعداد شغل‌های موجود بود و حتی اگر بهبودی در ماه سپتامبر حاصل شد مقداری اندک بود. با وجود اینکه اقتصاد به آرامی به سمت رکود پیش می‌رود، این پدیده کمی عجیب و حتی امیدوارکننده است. به نظر برخی کارشناسان، در شرایط کنونی با وجود تورم و خطر رکود، بازار کانادا نشان داد هنوز هم حرفی برای گفتن و چیزی در چنته دارد. به نظر کارشناسان، رکود در ماه‌های آینده محتمل است ولی سطح و مقدار آن به شدتی نیست که به اقتصاد ضربه شدیدی وارد شود و احتمالاً در کوتاه یا میان‌مدت برطرف خواهد شد. بنا بر نظر جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا، در حالی که اقتصاد در کشورهای بسیاری در سطح جهان رو به کندی پیش می‌رود، کانادا به دلیل برنامه‌ریزی مسئولانه از ابتدای همه‌گیری، در شرایط استوارتری قرار دارد. بازار کار در ماه اکتبر در بخش‌های متنوعی رشد کرد. بیشترین رشد در بازار کار در بخش‌های تولید، ساختمان، مسکن و مواد غذایی بود.

در ماه اکتبر حدود نوزده میلیون و ششصد هزار نفر شاغل بودند و نرخ اشتغال در این ماه به ۶۲ درصد رسید. تعداد افراد بیکار در میان جمعیت فعال حدود یک میلیون نفر بود که از میان آن‌ها ۱۰ درصد را جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ سال تشکیل داده بودند. نرخ بیکاری در میان زنان و مردان مساوی و حدود چهار و سه دهم درصد گزارش شده است. نرخ بیکاری در استان کبک چهار و یک دهم درصد، در استان انتاریو پنج و نه دهم درصد و در استان بریتیش کلمبیا چهار



شان فریزر وزیر مهاجرت وعده داد که دولت فدرال برای مقابله با کمبود نیروی کار، تا سال آینده ابزار جدیدی را برای انتخاب مهاجران ماهر به کار خواهد گرفت.

دستمزد موجب افزایش تورم شده و بانک مرکزی را دوباره مجبور به افزایش نرخ بهره بانکی خواهد کرد و اگر این روند کنترل نشود وارد یک چرخه باطل خواهد شد و به مرور روند تورم به سمت افسارگسیختگی میل خواهد کرد.

کارفرمایان، نگران سلامت روحی کارمندان

در شرایط کنونی کمبود نیروی کار، بسیاری از افراد شاغل از به دلیل شرایط کاری تحت فشار مضاعف قرار می‌گیرند که اغلب منجر به فروپاشی روانی و افسردگی ناشی از کار یا burnout می‌شود. در تحقیقی دیگر که به درخواست خدمات درمانی و بازنشستگی انتاریو انجام شده است نتایجی به دست آمد که نشان می‌دهد کارفرمایان نگران آثار مخرب فشار کاری بر کارمندان، به‌ویژه در زمینه روحی و روانی هستند. همچنین این تحقیق نشان داد که ۸۰ درصد کارفرمایان نگران از دست دادن کارکنانشان در شرایط رقابتی بازار کار بوده و همچنین دو سوم کارفرمایان نگران کاهش بهره‌وری کارکنان هستند. این فشارهای روحی به غیر از شرایط به وجود آمده در محل کار، به دلیل استرس کارکنان نسبت به شرایط مالی است. به‌ویژه که اخیراً با افزایش نرخ تورم و به دنبال آن نرخ بهره بانکی توان خرید افراد به شدت کاهش یافته و برای کارمندان تحمل فشارهای مضاعف کار راحتی نیست. این فشار در برخی موارد موجب استعفای یا مرخصی طولانی‌مدت درمانی می‌شود و پیدا کردن نیروی جایگزین در شرایط رقابتی بازار کار فعلی چندان ساده نیست. طبق گزارش انجام شده، از هر پنج کارفرما یکی برای حفظ کارمندان و مهیا کردن تسهیلات شغلی به آن‌ها امکانات افتتاح حساب و برنامه پس‌انداز بازنشستگی ارائه می‌کند تا باعث ماندگاری بیشتر و طولانی‌مدت همکاری میان کارمند و کارفرما شود. البته هستند کارفرمایانی که به دنبال راهکارهای کوتاه‌مدت برای جلب و ترغیب کارمند به ماندن باشند، راه‌های ساده‌تری نظیر افزایش دستمزد. کارمندان نیز با وجود اینکه از مزایای بلندمدت برنامه‌های بازنشستگی آگاه هستند اما به دلیل وضعیت سخت معیشت، افزایش دستمزد و پول نقد امروز را به برنامه‌های بلندمدت ترجیح می‌دهند. منابع: وب‌سایت شبکه‌های خبری فایننشال پست، رادیو کانادا، سی‌تی‌وی نیوز و گلوبال نیوز



به دلیل کمبود نیروی کار، بسیاری از کارفرمایان نگران سلامت روانی کارمندان هستند.

میان طبقات مختلف کارمندان است. به این معنی که احتمال افزایش حقوق کارمندی که حقوق بالاتر داشتند نسبت به کارمندان کم‌درآمدتر بالاتر بوده است. به بیان دیگر، دو سوم از کارمندان و کارگرانی که در دوازده ماه گذشته به شکل پیوسته با کارفرمای خود کار کرده‌اند و حقوق بالای ۴۰ دلار در ساعت دریافت می‌کرده‌اند شامل افزایش حقوق شده‌اند و این در حالی است که تنها نیمی از کارمندان با حقوق ۲۰ دلار و کمتر شایسته اضافه‌حقوق شناخته شده‌اند. میزان حقوق متوسط در ماه اکتبر حدود ۳۱ دلار در ساعت برآورد شده است. همچنین درصد افراد شاغل در میان مهاجرانی که بالای پانزده سال داشته‌اند در ماه اکتبر به بالاترین حد خود یعنی ۶۲ درصد رسید.

بخشی از این گزارش به وضعیت حقوق‌بگیران در شرایط افزایش نرخ تورم اختصاص داده شده است. نرخ تورم به میزانی بی‌سابقه در طی چند دهه رسیده است و در این میان حدود یک سوم کانادایی‌های شاغل اذعان کرده‌اند که در برآورده کردن مایحتاج اقتصادی خانواده‌هایشان به مشکل برخورد کرده‌اند. با بررسی سوابق و مطالعات پیشین متوجه می‌شویم که دو سال گذشته تنها یک پنجم افراد شاغل به این دسته تعلق داشته‌اند و این روند افزایشی را باید جدی تلقی کرد. بیشتر افرادی که در این گزارش به دلیل پایین بودن دستمزد با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند مربوط به بخش‌هایی همچون هتلداری، صنایع غذایی و رستوران، انبارداری، خرده‌فروشی و حمل‌ونقل تعلق دارند. در بخش هتلداری، صنایع غذایی و خرده‌فروشی بیشتر شاغلین به صورت پاره‌وقت مشغول به کار هستند و دستمزدشان از میانگین دستمزد در سطح کشور پایین‌تر است.

افزایش حقوق به‌خودی‌خود امری مثبت و رضایت‌بخش است چراکه قدرت خرید خانواده را بالا می‌برد. اما این پدیده درعین حال می‌تواند برای اقتصاد متشنج مشکل‌آفرین بوده و مانند یک شمشیر دو لبه عمل کند. بدین معنی که از یک‌سو قدرت خرید را بالاتر برده و سطح رفاه خانواده را افزایش می‌دهد ولی از سوی دیگر به دلیل بالا رفتن قدرت خرید، خانواده را به سمت خرج کردن سوق دهد. بنابراین، خرج کردن بیشتر موجب افزایش تقاضا، افزایش قیمت‌ها و به دنبال آن رشد تورم خواهد شد. امری که در حال حاضر بانک مرکزی با آن به شدت و با جدیت در حال مقابله است. بنابراین، می‌بینیم که چگونه افزایش

چرا کارکنان آموزش و پرورش انتاریو اعتصاب کردند؟

هزاران تن از کارکنان آموزش و پرورش انتاریو، روز جمعه، پس از تصویب قوانین بحث‌برانگیز که هر گونه اعتصاب را غیرقانونی به شمار می‌آورد، جهت اعتراض، دست از کار کشیدند و مدارس سراسر استان را به تعطیلی کشاندند.

کارکنان شورای مدرسه، به نمایندگی از اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا (CUPE)، روبه‌روی دفترهای سیاستمداران، از جمله بیرون از پارک کوئینز و دفتر حوزه انتخابیه وزیر آموزش و پرورش در وان انتاریو، دست به تظاهرات زدند. اعضای دیگر اتحادیه‌ها، مانند اتحادیه کارکنان خدمات عمومی انتاریو، نیز به تظاهر کنندگان پیوستند.

روز پنجشنبه، دولت محافظه‌کار مترقی لایحه ۲۸ را تصویب کرد که بر پایه آن قراردادی بر ۵۵ هزار عضو اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا تحمیل می‌شود که طبق آن از اعتصاب منع می‌شوند. همچنین برای آن که قانون اساسی نتواند آن را به چالش بکشد از بندی در آن استفاده شده که تنها دو بار در تاریخ انتاریو استفاده شده است و هر دو بار هم توسط دولت‌های داگ فورد.

اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا می‌گوید که این قانون حقوق چانه‌زنی کارکنان را پایمال می‌کند و از این رو آنان دست از کار کشیده‌اند و هشدار داده‌اند تا زمانی که این قانون لغو نشود این امر ادامه خواهد یافت. نخست‌وزیر، جاستین ترودو، این قانون دولت فورد را «حمله به یکی از اساسی‌ترین حقوق موجود، یعنی چانه‌زنی جمعی» خوانده است.

ترودو در پاسخ به این پرسش که آیا دولت‌ش این قانون را در دیوان عالی کانادا به چالش خواهد کشید یا نه، گفت که همه گزینه‌ها را بررسی خواهد کرد.

آرون گوپی، سرپرست شورای مدرسه منطقه یورک که بیرون از دفتر وزیر آموزش، استافان لچه، اعتصاب کرده است، می‌گوید که اگر حقوق اتحادیه ما را از ما بگیرند، به سراغ دیگر اتحادیه‌ها نیز خواهند آمد. ما اینجا هستیم تا نشان دهیم که قرار نیست عقب‌نشینی کنیم. ما این معامله وحشتناک را نمی‌پذیریم و مردم نیز از ما حمایت می‌کنند.

ماریا گالات، دبیر که از طلوع آفتاب در کوئینز پارک بود، می‌گوید اعتصاب ممکن است که پس از تصویب لایحه ۲۸ غیرقانونی شمرده شود، اما اعضای اتحادیه چاره‌ای جز مقابله ندارند. صدای ما باید شنیده شود و دولت بفهمد که کارش قابل قبول نیست.

درخواست دولت برای بازگشت به مدارس

در هفته گذشته، اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا از این اقدام به‌عنوان اعتصاب یاد کرد، ولی لورا والتون، رئیس اتحادیه‌های شورای مدارس انتاریو، تعطیلی روز جمعه را یک اعتراض سیاسی خواند. لایحه پیشنهادی ممنوعیت اعتصاب را با جریمه تا ۴۰۰۰ دلار برای هر کارمند در روز و ۵۰۰ هزار دلار برای اتحادیه تعیین کرده است.

لچه می‌گوید که دولت این جریمه‌ها را اعمال خواهد کرد و اتحادیه هم گفته است که هزینه جریمه‌های وضع شده علیه کارکنان را که می‌تواند روزانه به ۲۲۰ میلیون دلار برسد، پرداخت خواهد کرد. البته والتون گفته است که از این جریمه‌ها خبر ندارد. هر چند اتحادیه گفته است که با اعمال هر گونه جریمه مبارزه خواهد کرد، اما اگر ناچار به پرداخت شود آن را پرداخت خواهد کرد.

در این میان، دولت اتحادیه را به شورای روابط کار انتاریو کشانده است تا اعتصاب غیرقانونی اعلام شود. لچه هم تکرار کرده است که دولت از هر ابزاری برای بازگرداندن دانش‌آموزان به کلاس‌های درس بهره خواهد جست.

فرد هان، رئیس اتحادیه انتاریو، هم می‌گوید که کارگران حق دارند برای حقوق خود اعتراض کنند، تا زمانی که دولتی که روی مازاد ۲.۱ میلیارد دلاری نشسته است، دولتی که از سرمایه‌گذاری واقعی در مدارس انتاریو امتناع می‌کند، چیزی بهتر بخواهند.

بسیاری از مدارس در سراسر استان، از جمله شورای مدرسه ناحیه تورنتو و بیشتر شوراها در شرق انتاریو، گفته‌اند که مدارس به هنگام اعتصاب بسته خواهند شد. برخی دیگر هم برنامه‌های آموزش از دور را اجرا خواهند کرد.

وزارت آموزش و پرورش از شورای مدارس خواسته است که طرح‌های اضطراری را برای باز نگه‌داشتن مدارس اجرا کنند، یا دانش‌آموزان را از راه دو آموزش دهند. هان خاطر نشان کرده است که اگر لایحه ۲۴ لغو شود، اتحادیه به میز مذاکره بر خواهد گشت و اعتصاب پایان خواهد گرفت.

هان همچنین خطاب به والدین گفته است که هیچ یک از ما نمی‌خواهیم که پس از دو سال همه‌گیری باز کلاس‌ها تعطیل شوند. ما ناچار به این کار شده‌ایم تا در برابر دولتی که حقوقمان را سلب کرده است بایستیم.

حمایت دیگر اتحادیه‌ها از اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا

اعتصاب اعضای اتحادیه کارکنان خدمات عمومی کانادا با حمایت صریح دیگر اتحادیه‌های کارگری که بخشی از آن‌ها نیز بیرون از مسائل آموزشی‌اند روبه‌رو شده است.

برای نمونه، حدود ۸۰۰۰ نفر از اعضای اتحادیه کارکنان خدمات عمومی انتاریو (OPSEU) نیز امروز در نمایش همبستگی با کارکنان آموزش و پرورش، کار خود را ترک کردند.

حدود ۲۰ هزار عضو اتحادیه OSSTF که آن‌ها نیز در بخش آموزش‌اند در اعتصاب‌اند.

در همین حال، اتحادیه بین‌المللی مهندسين عمليات (IUOE)، که یک اتحادیه ساخت‌وساز در بخش خصوصی است، از دولت خواسته که لایحه ۲۸ را لغو کند.

هر دو، OSSTF و IUOE، گفته‌اند که اعضای آن‌ها در هفته‌های آینده از کارکنان آموزش و پرورش در هر صورت ممکن، از جمله از نظر مالی، حمایت خواهند کرد.

دستمزد کم اعضای اتحادیه

دولت دو درصد در سال برای کارکنانی که کمتر از ۴۰ هزار دلار درآمد دارند و ۱.۲۵ درصد برای دیگر کارکنان افزایش در نظر گرفته است، اما لچه می‌گوید که قرارداد چهارساله جدید تحمیلی ۲.۵ درصد افزایش سالانه را برای کارکنان با درآمد کمتر از ۴۳ هزار دلار در نظر می‌گیرد و ۱.۵ درصد هم برای بقیه.

اتحادیه اما گفته است که این دقیق نیست، زیرا افزایش‌ها در واقع به دستمزد ساعتی و مقیاس حقوق بستگی دارد، بنابراین اکثر کارکنانی که کمتر از ۴۳ هزار دلار در سال درآمد دارند، ۲.۵ درصد دریافت نمی‌کنند. اتحادیه همچنان بیان داشته کارکنانی که به‌طور متوسط ۳۹ هزار دلار در سال درآمد دارند و عموماً کمترین دستمزد را در مدارس می‌گیرند، به دنبال افزایش حقوق سالانه ۱۱.۷ درصدی‌اند.

اتحادیه اعلام داشته که در پیشنهاد متقابلی که سه‌شنبه شب به دولت ارائه کرده، پیشنهاد دستمزد خود را به بیش از نصف کاهش داده و در سایر زمینه‌ها نیز اقدامات «قابل توجهی» انجام داده است. با این حال، دولت می‌گوید تا زمانی که اتحادیه اعتصاب را لغو نکند، مذاکره نخواهد کرد.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری رادیو کانادا

SHEMIRAN
Auto Services

اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی



سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب

514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com




Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم

مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترئال و حومه
خدمات کامل را برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem
Residential Real Estate Broker
Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6
Rokchan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست‌های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده

ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 600 3691

www.riahipharma.com info@riahipharma.com



جامعہ
تکنولوژی
سلامتی



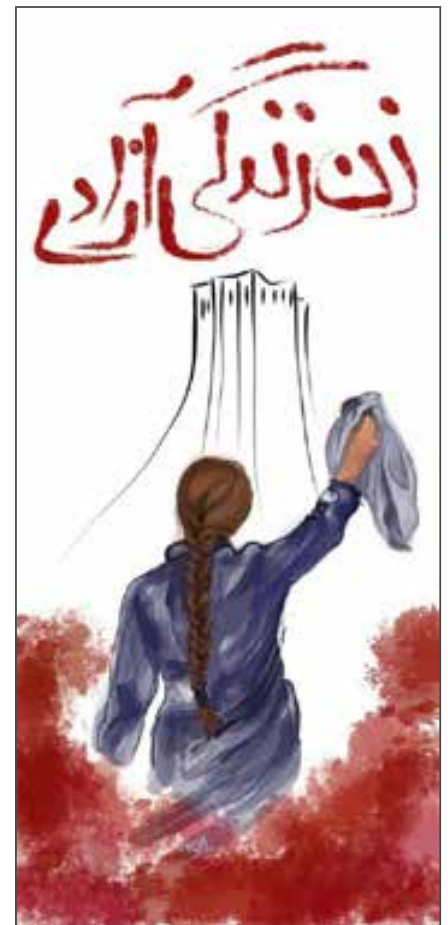
یک انقلاب، دو تصویر! نگاهی به نمادهای ملی گرایانه در اعتراضات داخل و خارج کشور

این انقلاب علیه حجاب است، علیه فقر و بدبختی است. علیه خشونت سیاسی است. برای سرنگونی است. همین. اتفاق همین تصویر هم بیرون رفته است. خوب آنوقت از خودتان می پرسید این وسط دو تا چیز به هم جور در نمی آید. اول اینکه در خارج کشور جنبش ناسیونالیستی به مردم گفت پرچم شیرخورشید عامل اتحاد ماست. برای همین نیمه خارج کشوری انقلاب را رنگ ملی زد. دوم اینکه خوب پس چرا داخل کشور بدون پرچم متحد شده؟ یک چیزی این وسط غلط است.

داخل کشور می گوید اتحاد سیاسی برای من یعنی اینکه اسلام و مردسالاری را عقب زدم، دست زن و مرد را در حضور نظام علیه حکومت در دست هم گذاشتم. اتحاد برای من یعنی اینکه اتفاقن جوری قلاده ناسیونالیسم را کشیدم که سنجی و تهرانی را با هم متحد کرده، علیه نظام وسط آوردم. دست دانشجو و کارگر را در دست هم گذاشتم. تا شروع کردند اختلاف نسلی بیندازند دست گوهر عشقی هشتاد ساله رفت در دست یک جوان بیست ساله. اتحاد در داخل کشور روی پرچم نیست. روی ملی گرایی نیست. اتحاد جنبش ها و لایه های مختلف جامعه روی محور آزادی و زن و زندگی برای سرنگونی است.

حالا سوال این است چرا؟ چرا انقلاب در نیمه داخل کشوری آن یک ذره رنگ ملی گرایانه ندارد. اصلن دغدغه اش را هم ندارد. اتحادش هم سر میهن و پرچم و تاریخ قدیم نیست. چرا؟ خودبخود اینجوری شده؟ مگر هزینه بلند کردن پرچم شهرام همایون بیشتر از حجاب سوزان است؟ اینهمه شعار نویسی روی در و دیوار می کنند، دو تا شعار باب دل ناسیونالیست ها هم می نوشتند. چرا نیست؟ این مردم اگر می خواستند تا الان هزار جور با پرچم شیر خورشید یا سایر ایکون های ملی و ناسیونالیستی و شعار سلطنت طلبانه علامت داده بودند. از عامه پرانی که سخت تر نیست. چرا داخل کشور فازش، عملش، و جناتش و تصویرش فرق می کند؟ بیایید راه بیفتیم با هم جواب پیدا کنیم.

۲. داخل کشور می خواهد سرنگون کند. برای همین مدام نهیب به خارج کشور می زند که دست از بازی پرچم بردارید. حکومت باید سرنگون شود. چرا که داخل کشور فهمیده ملی گرایی و میهن پرستی به سرنگونی نمی انجامد به جنگ داخلی منجر می شود. به اعتقاد من این دو تا پلتفرم است. یکی سرنگونی است. یکی ممانعت از سرنگونی است. مثالی بزنم. جریان مهسا از سقز شروع شد. همان روز اول کافی بود به اعتراض علیه کشتن مهسا رنگ قومی بزنند. اینطرف سنندج می ایستاد، آنطرف تهران. چه می شد؟ لایه های مختلف ناسیونالیسم ایرانی علیه هم سنگر می گرفتند. جمهوری اسلامی فوری متوجه شکاف می شد، هم تهران را و هم سنندج را به اسم جلوگیری از تجزیه طلبی می کوبید، غائله را می خواباند. داخل کشور به نرخ نان بربری محاسبه کرده، به اعتقاد من این انتخاب صرفن ایدئولوژیکی نیست. انقلاب آمده حکومت را بیندازد. هر نوع پلتفرمی که مانع این کار باشد کنار می رود. سوال این است آیا واقعن ما با پرچم شیرخورشید، با پلتفرمی مواجهیم که علیرغم ظاهرش می خواهد مانع سرنگونی شده، دست را عوض کند؟



۱. از خودتان پرسیدید چرا در داخل کشور در عرض این هفت هفته، هیچگونه آثاری از پرچم شیر و خورشید پیدا نیست؟ هیچگونه اثری از آثار هر گونه ملی گرایی، قوم پرستی، شعارهایی همچون رضا شاه روح شاد پیدا نیست؟ هر سویه سیاسی که می خواهید باشید، این سوال ابژکتیو است. چرا؟ بر عکس اتفاقن، انقلاب ایران با شعار زن، زندگی، آزادی آغاز شد و انقدر حواس مردم جمع بود که مدام گفتند جغرافیا برای ما فرقی ندارد. تا زمزمه ناسیونالیسم کرد بلند شد که ژینا کرد است، فوری مردم سنندج شعار دادند که از کردستان تا تهران ستم علیه زنان! یعنی بشین سرجات، ما همبسته ایم. شعار مرد، میهن، آبادی را بعدن برای اینکه مردان میهن پرست نگران شده بودند ساختند. این شعار هم نتوانست به مقصد خود برسد. از همان داخل کشور وقتی متوجه خطر شدند جلو گسترشش را گرفتند. از بیرون که به عنوان یک آدم بی طرف، انقلاب را در داخل کشور نگاه و ورنانداز می کنید، هیچ اثری از ملی گرایی و میهن پرستی در آن نمی بینید. می گوید

به این برمی گردیم.

۳. خارج کشور هم با پرچم شروع نکرد. اول همه، دور مسئله زن و مهسا و سرنگونی جمع شدند. حتی در تظاهرات تعیین کننده برلین، اول برگزارکنندگان خواهش کرده بودند بدون پرچم ظاهر شوند. مثل داخل کشور بیایند تظاهراتشان را بکنند و بروند. یک جریانی از حاشیه جنبش راست بلند شد، بصورت اگرسیو، با تهدید و ارعاب و ارسال پرچم، تلاش کرد قلاده ملی گردن مردم کند. کی مردم در همان کردستانش پرچم اوجلان بلند کردند که در برلین بخش‌های مختلف جنبش ناسیونالیستی با هم در خیابان رقابت داشتند. مردم در برلین از جنگ و رقابت ناسیونالیسم کرد با ناسیونالیسم آریایی می‌ترسیدند. نگران بودیم خودشان به جان هم بیفتند. در شهر کلن به جان هم افتادند. سلطنت‌طلبها می‌گفتند حق ندارید شعار ژن ژیان نازادی را به زبان کردی بدهید. آنطرف هم پرچم اوجلان را توی چشم و چار اینها می‌کرد.

ناسیونالیسم کرد تا همین الان در اعتراضات مردم کردستان در داخل کشور جایگاهی نداشته وگرنه حکومت این شکاف را می‌گرفت و از سرمایه سرکوب درست می‌کرد. اتفاق متمدن‌ترین و مترقی‌ترین و همبسته‌ترین تظاهرات‌ها را بچه‌های سنندج و سقز و اشنویه و اینها داشتند. ما یک عدد از این علامت‌های قومی در داخل ندیدیم. به قول دوستی از داخل کشور می‌گفت بچه‌های لرستان خودشان با شلوار جین می‌روند خیابان می‌جنگند، اونوقت یارو در برلین واسه چه به عمد شلوار لری می‌پوشد و به تظاهرات می‌آید؟ چرا انقدر اصرار دارند تفاوت قومی ایجاد کنند؟

به اعتقاد من هیچکدام از این دو تا تصویر اتفاقی نیست. نه داخل کشور بدون پرچم نه خارج کشور با پرچم و پسوند ملی‌گرایی. بطور مثال من معتقدم در خارج کشور ناسیونالیسم و جریانات اگرسیو دست راستی جلو دار ندارند. یعنی محیط فکری و سیاسی نیست که جلوییشان را بگیرد. در داخل کشور یک نیروی فکری با پشتوانه طبقاتی و اجتماعی جلوییشان را گرفته دیوار بتونی عقیده و نظر را مقابلشان بالا برده است. هیچ چیزی در این دنیای سیاست اتفاقی نیست.

۴. به اعتقاد من یک دلیل استرس جریان راست و رگه پرچم پرست آن همین است که نمی‌توانند هیچ‌جوری به کف خیابان در داخل وصل شوند، پروژه سیاسیشان را نقد کنند. آنها انتظار داشتند

داخل کشور می‌خواهد سرنگون کند. برای همین مدام نهیب به خارج کشور می‌زند که دست از بازی پرچم بردارید. حکومت باید سرنگون شود. چرا که داخل کشور فهمیده ملی‌گرایی و میهن پرستی به سرنگونی نمی‌انجامد.

اول از همه خود جنبش ناسیونالیستی به جان هم می‌افتادند. ناسیونالیسم کرد علیه پرچم شیر خورشید، ناسیونالیسم عرب علیه ناسیونالیسم مرکز. سنندج علیه تهران، تهران علیه بلوچستان. سگ صاحبش را نمی‌شناخت. اولین نتیجه همچون درگیری که الان شهرام همایون به نمایندگی از سلطنت‌طلبان و میهن‌پرستان به خارج کشور تحمیل کرده است، اتحاد نبود، دروغ می‌گوید، پرچم باعث افتراق حتی در خود جنبش ناسیونالیستی می‌شود. در داخل کشور نتیجه پیشبرد این سیاست، جنگ داخلی به جای انقلاب بود. در عرض دو روز با ارتش و سپاه جمعش میکردند با یک میلیون کشته و زخمی. شاید هم جنگ داخلی بستر ایجاد می‌کرد برای کودتای ارتش به نفع آترناتیو راست. این یک سوال جدی است. چون تصمیم داخل کشور به انقلاب منجر می‌شود. تحمیل پرچم باعث عروج قوم‌گرایی و افتراق و جنگ داخلی می‌شود. نیروهایی که اولی را پیش می‌برند با نیروهایی که دومی را پیش می‌برند متفاوتند. جنگ داخلی به ترحامی رضا پهلوی برای «فروپاشی کنترل شده» و ایفای نقش ارتش و بدنه حکومت فعلی نزدیک‌تر است.

در برلین هم فقط اراده مردم نبود که عامل جلوگیری از درگیری بود. طوری که پرچم شیر خورشید و اوجلان و غیره از کنار هم رد شدند بدون اینکه به هم چاقو بزنند. از پلیس آلمان می‌ترسیدند. آدم همانجا از خودش می‌پرسید الان اگر همین تظاهرات در تهران بود چه میشد؟ دوستانی که آنجا بودند میدانند یارو بلند گوی بزرگ آورده بود پشتش شعار داد ما عرب نیستیم ایرانی هستیم! مردم بلافاصله اعتراض کردند. مجبور شد معذرت‌خواهی کند. ولی همین آدم در تهران عذرخواهی نمی‌کرد. ببینید نمونه‌هایش را. شهرام همایون در دل دمکراسی غربی از تلویزیون فراخوان می‌دهد گلشیفته را بزنید. به نظر من نسل جوان ایران هوش سیاسی دارد جلو این روند را در داخل از همان اول گرفت. در خارج کشور اپوزیسیون و داد. اصلن بخشی از چپ خودش پرچم به دست شد.

دومین اثر تحمیل این تصویر به داخل کشور این بود که اگر حتی یک شهر پرچم برمی‌داشتند، شعار رضا شاه می‌دادند، مسئله زن کنار می‌رفت. مسئله کارگر کنار می‌رفت. اصلن انقلاب کنار می‌رفت. اینجوری نیست که گویا انقلاب می‌تواند ملی باشد. این حرف حرف مفت است. یا انقلاب زن زندگی آزادی می‌شد. یا جنگ داخلی می‌شد.

این انقلاب حداقل با دو تا شعار به آنها علامت بدهد ولی در خماری ماندند و علامت نداد. در خارج کشور هم جز تحمیل قلاده پرچم روی تظاهرات‌ها نه فراخوان دهنده هستند نه سخنرانانش، نه در عرصه بین‌المللی چهره شدند. برای همین بدجوری ناراحتند. برای همین زوم کرده‌اند در خارج حامد اسماعیلیون را بکوبند و از میدان بدر کنند. اینها با نفس خود انقلاب کاری ندارند. ۴۳ سال گفتند انقلاب یعنی فتنه! (فرح پهلوی در روزنامه لیبراسیون) انقلاب یعنی خشونت و اغتشاش. ۴۳ سال چشم مردم را به کاخ سفید دوختند. الان که مردم بلند شدند، اصلن دیگر سوخت و ساز و اراده و مکانیسم دخالت در کف خیابان را ندارند. برای همین در خارج هم خیابان را کس دیگری برد. تاکید بر پرچم به خاطر تاریخ و غیرت ملی و اینها نیست. پرچم قرار است خلاء وجود اینها و عبور از اینها را بپوشاند. به قول یکی از دوستان آنقدر به مردم این حرف را فروختند که پرچم علامت اتحاد ماست. الان زیر پرچم شیر خورشید دارند اتحاد سیاسی مردم را می‌شکنند، حامد اسماعیلیون را می‌کوبند. آخرش هم در خارج حامد باعث اتحاد شد، بدون پرچم!

۵. داخل کشور اگر یک عدد پرچم بلند کرده بود پروسه سلبی علیه حاکمیت قیچی شده بود.

می‌شود. ناسیونالیسم ایرانی می‌خواهد به اردوغان علامت بدهد که نگران نباش من با پرچم و اعلام شرایط اضطراری دفاع از میهن جمعش می‌کنم. فوکش یکی دو تا حجاب سوزاندند، می‌رویم سراغ میهن‌پرستی، دست را عوض می‌کنیم. می‌رویم سر میهن‌پرستی یک هجوم ضد اسلامی عمیق در خاورمیانه را مانع می‌شویم.

۹. در خارج کشور این تصویر نخواهد ماند. همین الان آدم معمولی که در برلین پرچم دستش دادند و تصورش این بود بابا ماها همه می‌خواهیم حکومت را بیندازیم مشکل پیدا کرده، می‌گوید چرا من را در سر دو راهی یا پرچم یا حامد اسماعیلیون گذاشتید؟ آدم معمولی به عملکرد سیاسی ناسیونالیسم و پرچم نگاه می‌کند، می‌ترسد. این تصویر مردم را می‌ترساند که شما مثل گلشيفته حتی جرئت نکنی بگویی میدانی چیست من اصلن یک پرچم سفید رنگ با عکس یک زن می‌خواهم. ایرانی‌ها خیلی حسابگرند، طرف پیش خودش حساب می‌کند می‌گوید من را بگذاری در معرض انتخاب اینکه یا حامد اسماعیلیون یا پرچم؟ تویی که می‌بازی. چون این آدم صد هزار نفر را آورده در خیابان تازه خود تو با فراخون او آمدی در خیابان پرچم چرخانی کنی. پس به درد من نمی‌خورد. اگر پرچم تو باعث شکل‌گیری یک گروه کولاس کلان علیه زنان، علیه دگراندیشان، علیه فعالین سیاسی است، داری در واقع علیه نیمه دیگر انقلاب که پرچم بلند نکرده هم بسیج می‌کنی. پس آقا من نیستم.

مردم ایران در داخل و خارج فهمیند. طرف می‌بیند که تو نشستی علیه حامد اسماعیلیون پاپوش دوزی می‌کنی، بعد از الان می‌خواهی دولت موقت درست کنی با فرماندهان ارتش و بخشی از بدنه خود این نظام! به آنها فحش نمی‌دهی. پشت همین پرچم از الان داری آنها را جلو جلو می‌بخشی و فراموش می‌کنی. بعد به حامد، به گلشيفته، به چپها به هر کسی جنبش تو را نپذیرفته، بد و بیراه گفته خط و نشان می‌کشی.

ورق در خارج کشور برمی‌گردد. ورق همینجوری خودبخود بر نمی‌گردد. باید یک وجدان سیاسی فهیم و عاقل بلند شود، یک پرچم فکری غیر ایدئولوژیکی که مردم حرف حسابش را بفهمند، این جریان را نقد کند، تصویر دو نیمه این انقلاب را به نفع تصویر داخل کشور یکی کند.

منبع: شب نشینی هالو در سایت <https://zil.ink/Mrh-alloo>

خارج کشور هم با پرچم شروع نکرد.
اول همه، دور مسئله زن و مهسا و سرنگونی جمع شدند. حتی در تظاهرات تعیین کننده برلین، اول برگزار کنندگان خواهش کرده بودند بدون پرچم ظاهر شوند. مثل داخل کشور بیایند تظاهراتشان را بکنند و بروند. یک جریانی از حاشیه جنبش راست بلند شد، بصورت اگرسو، با تهدید و ازعاب و ارسال پرچم، تلاش کرد قلاده ملی گردن مردم کند.

انقدر طوق پیرمردهای لس‌انجلس را گردن من نیندازید. جوان بیست‌ساله ایرانی در اینستاگرام به دغدغه پرچم این جنبش می‌خندد و شعار می‌دهد که «چو ایران نباشد به تخم که نیست. می‌رم جای دیگه زمین قحط که نیست» این غول بلند شده اینطوری را چه جوری کسی می‌خواهد در شیشه وطن‌پرستی کند؟ بردن تصویر خارج کشور و تحمیل آن به آتیه این انقلاب در داخل، جواب جنبش راست است.

۸. در سال ۵۷ ملی‌گراها دور خمینی جمع شدند. تسمه اتحادشان ضدیت با امپریالیسم بود. اینجوری شعار استقلال را به آن انقلاب انداختند. در حالی که مردم هیچ دشمنی با هیچ کشوری نداشتند. این بار پلنفرم ملی‌گرایی فرق می‌کند. ببینید انقلاب ایران برای هیچ دخالتی در جهان بلند نشده. مردم خیلی ساده برای خودشان آزادی، رفاه و زندگی می‌خواهند. ولی مسئله این است این انقلاب در جایی شروع شده که دور تا دورش را اسلام و ارتجاع ضد زن و ضد کارگر محاصره کرده است. همین الان اردوغان می‌لرزد چون داشت سکولاریسم ترکیه را پس می‌گرفت. همین الان شیوخ عرب خواب ندارند چون شما وقتی در تهران حجاب می‌سوزانی، دیگر نق و نوق بن سلمان در عربستان سعودی برای حق گواهینامه زنان شوخی محسوب

۶. اگر این انقلاب به فرض محال رنگ ناسیونالیستی و ملی داشت حتی یک ثانیه بین‌المللی نمی‌شد. یک تک نفر در دنیا نمی‌رفت از مردم دفاع کند، به قول آن جوان سنندجی در کانادا اگر جرئت دارید شعار مرد، میهن، آبادی را جلو جهان بگذارید ببینید کی از شما در خاورمیانه دفاع می‌کرد. آنهم در کشورهای غربی که الان میهن‌پرستانش و ناسیونالیست‌هایش سلام هیتلری می‌دهند. بشریت متمدن از آنها رویگردان است. این انقلاب برای پیروز شدن احتیاج دارد به همبستگی جهانی. برای همین این انقلاب تصمیم گرفت در داخل کشور دست بر قضا برای پیروزی شکل و شمایل و مسئله محوری و شعارهای خود را با مدرن‌ترین و پیشروترین دغدغه‌های غربی یک کاسه کند. عروج مسئله زن ما را نجات داد. جهانی کرد. خواننده غربی ترانه برای شروین را می‌خواند اشک از چشمانش سرازیر شده می‌گوید این چه انقلابی است که دغدغه‌هایش شبیه من است. به آزادی زن فکر می‌کند. به کودک زباله گرد و حتی به انقراض حیوانات و درخت‌ها و محیط زیست. ما کافی بود گذشته‌پرستی کنیم، کافی بود میهن‌پرستی کنیم. کافی بود روی این خط برویم، روز اول با ایزولاسیون جهانی شکست خورده بودیم. (به این برمی‌گردم که اتفاق ناسیونالیست‌ها دنبال همینند). لذا اینطوری نیست که خفقان نگذاشته ملی باشند. آدم متوجه یک نوع هوشیاری و اراده سیاسی جوان در انقلاب داخل کشور می‌شود.

۷. ملی‌گرایی در انقلاب ۵۷ نقش بسیار عظیمی ایفا کرد. ملی‌گرایی در انقلاب ۵۷ با اسلام و آخوند رفت. کلمه استقلال فرزند این ازدواج موقت است. وقتی قدرت را گرفتند گفتند ما علیه شرق و غرب و کل امپریالیستیم. الان باید برویم به جای کارخانه تولید اتومبیل، آفتابه مسی بسازیم. ملی‌گرایی و ناسیونالیسم ایرانی در سال ۵۷ با خمینی رفت. صندلی زیر پای عروج آن گذاشت. بخش ساقط شده از سلطنت تا مدت‌ها ساکت بود.

الان ناسیونالیسم ایرانی یک پای جدال بر سر آینده ایران است. منتهی در این جدال پایه اجتماعی کف خیابان را ندارد. در حالی که در انقلاب ۵۷ با اسلام خودش را به کف خیابان رساند. الان آدم ۲۰ ساله آن مملکت شانه بالا می‌اندازد می‌گوید جغرافیا من را محدود می‌کند. شماها ۴۳ سال به اسم میهن اسلامی مرزها را روی من بستید. ولم کنید من می‌خواهم با جوان پارسی و لندنی دوست باشم.



صف طولانی انتظار عمل جراحی در انتاریو برای کودکان مبتلا به بیماری مادرزادی

این‌ها علاوه بر هزینه سفر و اقامت کوتاه‌مدت در آمریکاست که به این خانواده تحمیل می‌شود. دکتر رونالد کوهن، مدیرعامل مرکز درمانی SickKids، هم در واکنش به این مشکل می‌گوید: «بیمارستان هر کاری که از نظر انسانی برایش امکان‌پذیر باشد انجام می‌دهد تا صف انتظار را کوتاه‌تر کند، اما مشکل ما این است که ظرفیت کافی برای پاسخ به همه درخواست‌ها را نداریم، چون ظرفیت پذیرش بیمار در بخش عمومی و بخش مراقبت‌های ویژه ما پر شده است. این اتفاق باعث شده است که متأسفانه صف انتظار برای ارائه خدمات، طولانی‌تر شود.»

سیلویا جونز، سخنگوی وزیر بهداشت انتاریو هم گفته است که استان دارد تلاش می‌کند تا تخت‌های بیمارستانی بیشتری را آزاد کند. به گفته جونز، این استان همچنین در حال تلاش است تا با رفع کمبود کارکنان، زمان انتظار برای دریافت خدمات جراحی را کاهش دهد.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری رادیو کانادا

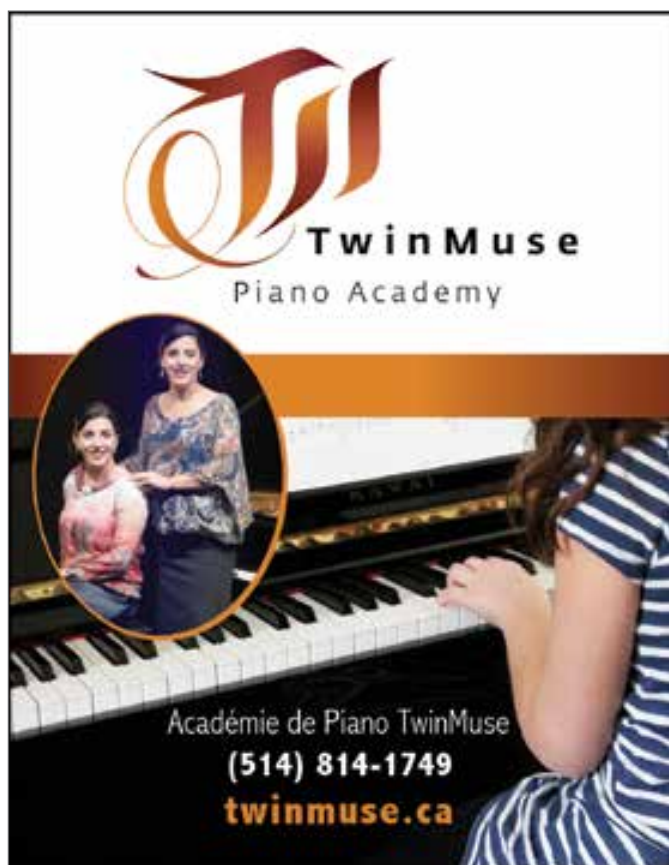
برخی دیگر از بیمارستان‌های استان انتاریو هم حاضر به درمان این کودکان نشده‌اند. از دید سیستم درمانی استان انتاریو، عمل جراحی این کودکان برای اصلاح مشکلات مادرزادی به‌عنوان عمل جراحی غیرفوری شناخته می‌شود. همین مسئله، مدت‌زمان انتظار عمل‌های جراحی برای این کودکان را افزایش داده است.

این روزها بیمارستان‌های کودکان در سراسر استان انتاریو با چالش افزایش بیماران مبتلا به بیماری‌های تنفسی، روبرو هستند که فشار بر سیستم بهداشتی و درمانی انتاریو را افزایش داده است. در نتیجه زمان انتظار برای دریافت خدمات غیروارژانسی هم افزایش پیدا کرده است. مارک پترسون که پسر ۱۳ ماهه‌اش به همین عارضه مبتلاست، می‌گوید: «به ما گفتند ممکن است بین دو تا چهار سال منتظر عمل جراحی باشید.»

در حال حاضر، مارک و خانواده‌اش در حال بررسی سفر به اوهایو و پرداخت ۱۱ هزار دلار به یک بیمارستان خصوصی در آمریکا هستند که تأمین این هزینه چندان برایشان راحت نیست.

صف طولانی عمل جراحی کودکان دچار نقص مادرزادی، موجب بالا گرفتن انتقادات به سیستم درمانی استان انتاریو شده است. این مشکل موجب شده است که حتی گروهی از خانواده‌ها به فکر عمل جراحی در بیمارستان‌های خصوصی آمریکا باشند.

۶۹۸ کودک در انتاریو که نقص مادرزادی دارند و به بیماری «هیپوسپادیس» مبتلا هستند، سال‌هاست که در صف عمل جراحی هستند. این کودکان که به این بیماری مجاری ادراری مبتلا هستند، در صف انتظار طولانی مرکز درمانی بزرگ SickKids مانده‌اند. این مرکز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی به کودکان در انتاریو شناخته می‌شود. حتی از این مرکز درمانی در تورنتو به‌عنوان یکی از برترین مراکز درمان بیماری‌های کودکان در جهان یاد می‌شود. در صورت جراحی نشدن این عارضه مادرزادی در این گروه از کودکان، ممکن است تبعاتی مثل انسداد ادرار، مشکلات تولیدمثل در آینده و یا مشکلات روانی به کودک مبتلا تحمیل شود.



توین میوز
Twin Muse
Piano Academy

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net

https://t.me/ottawaradio
@namaashoum_radio

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjallizadeh@yahoo.ca 514-549-4697



آریانا
مقاله
گزارش





مصاحبه‌ی اختصاصی «هفته» با دکتر خوش نظر پامیرزاد:

زبان شغنانی از زبان‌های فراموش شده‌ی افغانستان است

طالبان بار اول کابل را تسلط کردند مجبور به ترک وطن شده به پاکستان رفتیم. سپس از آن جا برای دفاع دکتورایم به تاجیکستان برگشتم و در سال ۱۹۹۸ خوشبختانه آن را در دانشگاه دولتی تاجیکستان دفاع نمودم. در سال ۱۹۹۹ دوباره به پاکستان برگشتم و مدتی در آنجا در اداره‌ی تعلیم و تربیه‌ی بنیاد آقاخان به حیث هماهنگ کننده پروگرام‌های مضامین زبان فارسی کار کردم. زمانی که طالبان سقوط کردند دوباره به کابل رفتم و در اداره بنیاد آقاخان به کارم ادامه دادم. در سال ۲۰۰۷ به وزارت معارف در ریاست نصاب تعلیمی پیوستم و در آن ریاست منحیت آمر دیپارتمنت زبان‌های پامیری شامل وظیفه شدم و مدت سه سال را در ریاست متذکره وظیفه انجام دادم تا این که یکی از مجاهدین به مقام ریاست نصاب تعلیمی مقرر گردید و تعداد زیادی از مولفین و متخصصان را منفک کرد و من هم از آن جمله بودم. در ارتباط به منفک شدن مولفان و متخصصان از نصاب تعلیمی معارف به یاد دارم که رئیس تازه به مقام رسیده عضو تنظیم سیاف ابلاغ کرد که دیگر جای نکتایی پوشان در این ریاست نیست؛ ناگزیر شدم به پاکستان

۱۳۴۳ در همان قریه به پایان رساندم و بغرض پیشبرد تعلیمات بالاتر در سال ۱۳۴۴ به کابل آمدم و در سال ۱۳۴۹ از مکتب دارالمعلمین کابل از صف دوازدهم فارغ شدم و شامل دارالمعلمین عالی گردیدم و در سال ۱۳۵۱ از آنجا فارغ شده و به صفت معلم در ولایت بدخشان ایفای وظیفه نمودم. پس از چندی از وظیفه معلمی به ماموریت گماشته شدم و در وزارت خانه‌های مختلف وظیفه داشتم. در سال ۱۳۶۰ شامل دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل شدم و در سال ۱۳۶۵ فارغ شده و به تعقیب آن دوره ماستری را در همان دانشکده آغاز و در سال ۱۳۶۷ سند ماستری را اخذ کردم و به وظایف مختلف در وزارت خانه‌ها و موسسات پرداختم. چنانچه مدتی در انجمن نویسندگان و وزارت معارف در ریاست نصاب تعلیمی مصروف خدمت بودم و زمانی که کابل زیرسلطه مجاهدین درآمد، جنگ‌های کابل سبب شد تا از کابل به مزار شریف بروم و از آنجا به تاجیکستان رفتم. در تاجیکستان خوشبختانه دوکتورا را در اکادمی علوم تاجیکستان زیر عنوان «تاریخ باستان شغنان» ثبت کردم و بعد دوباره به کابل برگشتم. ولی زمانی که

دکتر خوش نظر پامیرزاد؛ یکی از چهره‌های پرافتخار کشور است که برای ترویج و انتشار زبان و فرهنگ مردم شغنان و زبان شغنانی از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نورزیده و تحقیقات بیشماری را در این زمینه انجام داده و تعداد زیادی از کتب درسی را در افغانستان تالیف و تصحیح کرده و ده‌ها جلد کتاب را به زبان‌های شغنانی و فارسی وارد انترنت نموده و مقاله‌های بیشمار تحقیقی را در این باب نوشته است. او را در این شماره با خود داریم. اینکه چه عواملی باعث فراموشی این زبان شده و چه کارهای را در این زمینه انجام داده از خودش می‌پرسیم.

آقای پامیر زاد! به هفته خوش آمدید.

با ابراز امتنان از شما و با تقدیم سلام به خوانندگان محترم این نشریه.

سخن را از معرفی با شما آغاز می‌کنیم.

خوش نظر پامیرزاد استم؛ درسال ۱۳۳۰ در قریه سرچشمه ولسوالی شغنان ولایت بدخشان چشم به جهان گشودم. تعلیمات ابتدایی را درسال

که آنجا فاملیم بود بیایم و از آنجا به کانادا مهاجرت کنم.

چه زمانی وارد کانادا شدید؟ چرا کانادا؟

در سال ۲۰۱۳ وارد کانادا شدم و در شهر کلگری مدتی ماندم و در سال ۲۰۱۷ به ولایت کبیک شهر مونتریال آمدم و تاکنون اینجا استم. اینکه چرا کانادا را برگزیدم دلیل واضح است که همه وطن‌داران ما به اثر جنگ‌ها، نابسامانی و تهدیدها مجبور به ترک وطن شدند و من هم مانند آن‌ها به پاکستان آمدم و چون شرایط زندگی در پاکستان هم بهتر نبود و پیش از آن فرزندم در کانادا بودند مرا نیز دعوت کردند که یگانه دلیل آمدن من به کانادا شرایط ناگوار و بد امنی کشور و مسلط شدن گروهی که جامعه را به قهقرا بردند، بود.

لطف نموده در باره کارکردهای فرهنگی و ادبی‌تان به زبان شغنانی و مردم شغنان معلومات بدهید.

از جمله کارهای که تاکنون انجام داده‌ام؛ می‌توان از کارکردهایم بر مضمون زبان و ادبیات شغنانی در وزارت معارف یادآور شوم که خوشبختانه به همکاری تعدادی از مولفان کتاب‌های درسی شغنانی را برای شاگردان صنوف اول تا یازدهم تالیف کردیم و هم‌زمان با آن تصحیح کتاب‌ها و رهنمایی تیم مولفان زبان شغنانی را نیز به عهده داشتیم و همچنان در همان بخش برای زبان شغنانی کتب رهنمای معلم را نیز تالیف کردم.

در سال‌های اخیر با بوجود آمدن شرایط بهتر کار در کامپیوتر و انترنت سبب شد تا گام‌های مثمري را در این زمینه بردارم و توانستم تعدادی از اشعار زبان شغنانی را که شامل چهاربیتی‌ها و مجموعه‌های شعری می‌باشد را در دو جلد بنام «پامیر بهار» و همچنین مجموعه‌ای از مخمسات، رباعیات و تعدادی از مجموعه غزلیات و بیشتر از ۱۵۰ چيستان را به زبان شغنانی بنویسم و در ضمن برخی

از داستان‌های منظوم را برای کودکان و مجموعه‌ای از داستان‌ها را بشکل طنزی در عرصه فرهنگی به زبان شغنانی که دارای فرهنگ غنی است به ارمغان بیاورم.

اگر مبالغه نشود گفته می‌توانم فرهنگی که در شغنان مروج است از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخ به میراث مانده و تاکنون دست نخورده و اصیل باقی مانده است و من تاریخ برخی از این فرهنگ‌ها را بشکل مقاله در مجله فرهنگ وزارت اطلاعات و کلتور که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ به نشر رساندم و اکنون بنابر مساعد شدن شرایط و دسترسی با تکنالوژی امروزی لکچرها و مقاله‌های را درباب فرهنگ مردم شغنان و بخصوص فرهنگ پامیری‌ها نوشته و در وب سایت‌ها و فیسبوک به نشر رسانده‌ام.

پس می‌توان گفت که زبان شغنانی در دهه‌ی اخیر رشد چشم‌گیری داشته و اکنون جوانان شغنانی به این زبان شعر، داستان و حتی تحلیل و مقاله می‌نویسند.

اگر از تاریخچه زبان شغنانی و ارتباط این زبان با دیگر زبان‌های ملی افغانستان بگوئید بهتر خواهد بود.

زبان شغنانی؛ تاریخ قدیمی و کهن دارد و زبان شغنانی در زمان یفتلی‌ها و کوشانی‌ها از زبان‌های رایج اقوام تورانی آریایی بود. شغنانی‌ها این اقوام آریایی که از دوره‌ی باستان تاکنون در سطح جهان در تاریخ مطرح‌اند نخستین اشاره‌های که در تاریخ در ارتباط به این اقوام مطرح می‌شود و زبان شغنانی هم در همان ارتباط همانا نام این اقوام به زبان خودشان است. باید به عرض برسانم که شغنانی‌ها خود را به زبان شغنانی (خرنونه) می‌گویند. این یک کلمه‌ای بامفهوم است و معنای آن مادری شیرین می‌باشد. از همان ایده‌ها و نخستین باورهای اقوام آریایی که سرزمین خود را مادر خطاب می‌کردند و یا زمین خود را مادر و آسمان را پدر می‌گفتند. به همین

خاطر این مردم به زبان خودشان نام خود را دارند. ولی متأسفانه بنابر مشکلی که در تلفظ این کلمه است و تلفظ خرنون در زبان‌های دیگر بدون زبان پشتو ثقیل می‌باشد و خرنون به مرور زمان به شغنان تبدیل شده و در اوایل هم شغنان نبوده مثلاً در شهنامه فردوسی شگنان و یا شگنی گفته شده و یا از شوگنی یاد شده است. فردوسی می‌گوید:

«کوشانی و شگنی و وهری سپاه دگرگونه جوشن دگرگون کلاه.

چغانی و چینی و سقلاب و هند کهنی و رومی و نهری و سند

زبانی دگرگون به هر گوشه پی درفشی نو آئین و نو توشه یی»

در این بحث در رابطه به شغنان نظری می‌اندازیم به کلمه خرنون در اوراق تاریخ. از نام خرنون در کتاب اوستا یاد شده است در کتاب اوستا قومی است بنام خیالآئه Xyaona که از جمله اقوام تورانی‌اند. اینکه این نام در اوستا خرنونه Xuynūne است یا خیالآئه دقیق نیست زیرا اوستاشناسان به زبان شغنانی آشنایی نداشتند. قسمی که یکی دیگر از صدهای «س» در زبان شغنانی در اوستا مشخص است و این حرف را من از اوستا تشخیص دادم که در کتاب اوستا از زبان شغنانی موجود است. لذا به نظرم خیالآئه همان خرنونین است نبود «ر» سبب شده که همه‌ای زبان‌شناسان کلمه خرنون و خرنونه را به شکل اصلی آن درج نکنند.

در رابطه به ارتباط این زبان با زبان‌های رسمی افغانستان باید گفت؛ زبان شغنانی از همان زبان‌های قدیم آریایی که هنوز هم تعداد زیادی از کلمات و صدهای آن در زبان‌های اروپایی موجود است و شواهدی وجود دارد که از جمله زبان‌های هندو اروپایی بوده و آنرا یکی از زبان‌های ایرانی می‌گویند؛ قسمی که زبان‌شناسان زبان‌های ایرانی را به دو بخش؛ زبان ایرانی شرقی و ایرانی غربی تقسیم کرده‌اند؛ زبان شغنانی در بخش زبان‌های ایرانی شرقی قرار می‌گیرد که زبان‌های پشتو، استینی و زبان‌های پامیری

ملی بطور سیستمیک تدریس شود.

از تالیفات تان بگوئید.

از تالیفاتم در رابطه به کتب درسی به زبان شغنانی قبلاً اشاره کردم. از دیگر تالیفاتم می‌توان از مجموعه غزلیاتم به زبان شغنانی، مجموعه چهاربیتی‌ها، داستان‌های منظوم و مجموعه‌ای از چیستان‌ها به زبان شغنانی نام برد.

هم‌زمان با این؛ کتاب‌های تحقیقی که خوشبختانه دو عنوان کتاب‌هایم زیور چاپ یافتند مانند؛ «علم و دانش از دیدگاه حکیم ناصرخسرو» در باب ناصرخسرو در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید و کتاب «تاریخ باستان شغنان» به خط سرلیک و فارسی، قوقو برگ چنار (مجموعه شعرهای کودکان گردآوری شده برای اطفال) چاپ شد. «اکلیل گل» مجموعه داستان‌هایم، از طرف انجمن شهدا به نشر رسید که بدبختانه قبل از پخش و توزیع به جز چند جلد محدودی آن در رقابت آتش سوزی‌ها و جنگ‌های تنظیمی در مطبوعه دولتی از بین رفت. همچنین کتاب‌های که در انترنت و گوگل گذاشتم مانند؛ قوم فراموش شده در تاریخ آریایی‌ها، نشانه‌هایی از فرهنگ باستان در شغنان، مظهرنور، چراغ هدایت، بدخشانی دختر، گرامر زبان شغنانی به زبان شغنانی و برخی کتاب‌ها برای اطفال است.

برعلاوه کتاب‌های زیادی را ایدیت کرده‌ام مانند کتاب‌های مضمون فرهنگ برای مکاتب افغانستان و کتاب‌های درسی و کورس‌ها برای دانشگاه آسیای میانه آقا خان و ده‌ها عنوان کتاب‌های دیگر و ده‌ها مقالات تحقیقی را در صفحات مجازی و فیسبوک و گوگل به نشر رسانده‌ام. اکنون در تلاش نوشتن کتابی در مورد رابطه‌ی زبان شغنانی و فارسی استم.

با ابراز امتنان از محترم دکتور خوش نظر پامیرزاد و به امید ادامه همکاری‌شان در این باب در شماره‌های بعدی.

شود و زمینه خواندن داستان‌ها، اشعار و ساختن آهنگ به این زبان می‌تواند در زنده نگه داشتن این زبان موثر باشد.

آیا در مونتریال کسانی را می‌شناسید که از شغنان کوچیده و تا اکنون به این زبان تکلم کنند؟ امیدوارم که جواب‌تان بلی باشد و آیا در مناطقی که این زبان رایج است آیا دروس مکاتب دولتی به این زبان است یا به دو زبان رسمی افغانستان؟

بلی فامیل‌های زیادی شغنانی‌ها به شهرهای بزرگ کانادا کوچیده و در کالگری، تورنتو، مونتریال و ونکوور زندگی دارند و اینکه زمینه گسترش این زبان در این جا ممکن نگردیده اما در میان خانواده‌های‌شان به زبان شغنانی تکلم می‌نمایند. در رابطه به زبان شغنانی برای مکاتب دولتی باید گفت؛ در شغنان دروس مکاتب به زبان فارسی است و زبان پشتو منجبت یک مضمون تدریس می‌شود. از چهار-پنج سال بدینسو زبان شغنانی منجبت یک مضمون در مکاتب شغنان تدریس می‌گردد. ولی از نظر تعلیم و تربیه تدریس به زبان غیرمادری یک ضربه‌ای است برای آموزش اطفال. زیرا مینودولوزی آموزش ایجاد می‌کند تا تدریس اطفال حداقل در دوره‌ی اول ابتدایی به زبان مادری باشد زیرا زبان مادری کمک می‌کند تا استعداد‌های اطفال شناسایی شده و رشد کند. خودم تجربه‌ی تلخی دارم. زمانی که مرا به مکتب شامل کردند بیشتر از ۵۰ کودک بودیم و سرانجام وقتی به صنف ششم رسیدیم. شاید ده نفر از همان کودکان بطور نورمال ارتقا کرده باشند و اطفال دیرآموز از یک طرف سطح یادگیری‌شان بطی بود و از سوی دیگر ندانستن زبان تدریس سبب شد که از مکتب دل‌سرد شوند. پیشنهادم اینست که در افغانستان تدریس در دوره‌ی اول ابتدایی به زبان مادری باشد و در پهلوی آن به دیگر زبان‌های ملی نیز پرداخته شود. خصوصاً تا صنف ششم و بعد زبان‌های

نیز شامل آن است.

ارتباط زبان شغنانی با زبان‌های ملی اینست که بیشتر با زبان پشتو از نگاه صداها و حروف خاص زبان پشتو و برخی از کلمات وجه مشترک دارند. مثلاً صدای «ر». از نقطه نظر ساختمان زبانی؛ این دو زبان همچنان باهم یکسان‌اند؛ مانند اسم جنس، صفت و ضمیر که به جنس تقسیم شده و هر کلمه مذکر و مؤنث دارد. از نظر تاریخی نیز با هم نزدیک‌اند که بعد از سقوط یفتلی‌ها بدور افتادند و قسمتی از این زبان در بخش ایرانی شرقی در جنوب افغانستان و در شمال افغانستان قرار گرفتند و این شاید علت فراموش شدن زبان شغنانی باشد. در زبان شغنانی همچنان به تعداد زیادی از کلمات فارسی دخیل است و بیشتر کلمات شغنانی در زبان فارسی قدیم موجود بوده و ایرانی‌های که از منطقه پامیر که مهد زبان‌های ایرانی بود به ایران رفتند و زبان آن‌ها متفاوت شد و زبان فارسی که از جمله زبان‌های ایرانی غربی است شکل گرفت و بعدها که زبان فارسی در سرزمین شرق مسلط شد و رسمی گردید؛ تاثیرات زیادی بر زبان شغنانی انداخت. چنانچه همه تعلیماتی که در شغنان وجود دارد به زبان فارسی است و لذا بیشترین کلمات دخیل در زبان شغنانی از زبان فارسی می‌باشد و می‌توان گفت که زبان شغنانی یک منبع و آرشیف خوبی برای زبان‌های فارسی و پشتو است.

پیشنهاد شما برای زنده نگه داشتن و دوباره رایج نمودن زبان شغنانی بخصوص به متکلمین آن چیست؟

برای نگه داشتن و زنده نمودن این زبان؛ پیشنهاد‌های زیادی وجود دارد. رایج ساختن مواد دست داشته فعلی که به دست نوشته شده‌اند باید چاپ شود و همچنان در این زمینه گفت و شنودی در برنامه‌های انترنتی صورت گیرد و گفتمان‌ها صورت گیرد و برای اطفال کارتون‌های یادگیری این زبان فراهم

اشک رئیس جمهور

بخش ۱ از ۲ بخش

بشر از بدوی پیدایش در جستجوی امنیت و آرامش خود است. البته همه در هراس هستند که قابیلها نکشند و هابیلها کشته نشوند، زورمندان دست به سلاح نبرند و کم زوران نابود نشوند. ما در مملکت خویش چهره اصلی بدامنی را بار بار تجربه کرده بودیم و هراس ما شکل احتیاط را به خود گرفته بود. ولی غربیها برعکس ما بیشترین سعیشان را در این راستا مبذول می‌داشتند که سلاح تولید کنند و دور از جان خود بیدریغ آن را به مصرف برسانند. ولی این را درک نمی‌کردند که گاهی ماشه تفنگ هم خطا می‌کند.

آدم لانزا پسر بیست ساله آمریکایی در استعمال سلاح دست داشته‌اش که هدیه مادرش بود از دیر زمانی بازی می‌کرد. تا اینکه یک روز دست به ماشه بُرد. صدای تفنگ برایش حس خوبی می‌داد. شاید هم ماشه‌ای تفنگ او را از راه مستقیم منحرف می‌نمود که ناخودآگاه دست به آن بزند و خون‌های را بریزد که نباید بریزاند. جالب‌تر اینکه لانزا باهوش‌تر از آن بود که سلاح را چطور بازیچه خود قرار دهد و کسی به کنیات هدفش پی نبرد. این که چرا به مکتب هجوم آورد و اطفال را هدف قرار داد قضیه لاینحلی شد که بزرگ‌ترین روان‌شناسان امریکا در تعجب فرو رفتند و علل منطقی نیافتند. حتی من را که دوست شخصی لانزا بودم و بیشترین اوقات فراغت خویش را با او سپری می‌کردم. لانزا مرا هم چنان پیچانده بود که اصلاً فکرم به آن قطع نداده بود و مفکوره‌ای غیر از ظاهر آرامش داشت. او قبل از اقدام به چنین حرکت خطرناک وضعیت کاملاً عادی داشت و همیشه از یک قضیه شاک می‌بود؛ احساس تنهایی. هر چند من همیشه با او بودم ولی نمی‌دانم خواست او چی بود؟ او مادرش را بسیار دوست داشت. شاید هم من ناشی بودم که وضعیت ناهنجار او را درک نمی‌توانستم و یا توجهم را منحرف می‌ساخت. یعنی برای دنبال کردن هدف مرا هم اغوا می‌نمود.

وقتی می‌خواندم که به سرلوحه هر اخبار و رساله‌ای این خطوط دیده می‌شد «هوک در شهر نیوتاون ایالت کانکتیکت امریکا که در چند کیلومتری نیویارک موقعیت دارد، بیست و هفت نفر را به قتل رسانید. ضارب پیش از آن، مادر خود را نیز، که در مدرسه ساندی هوک تدریس می‌کرد، به قتل رسانده بود.» اوه خدا باور نکردنیست. پس چطور او مادرش را دوست می‌داشت؟

چه کسی حاضر است حداقل ذهن مرا به آن معطوف بدارد که چرا به او و قیافه‌ای معصومانه‌اش اعتماد کردم. او چطور دست به کار شد و بیست نفر

طفل بی‌گناه و دو سه نفر معلمین را به مرمی بست و بعد خودش را خلاص کرد.

آن گاهی که حتی رئیس‌جمهور ابر قدرت جهان گریست. و با ناتوانی گفت:

«من این قضیه را از چشم یک پدر می‌بینم.» ای وای یک رئیس‌جمهور چه وقت باید بگیرد. هنگام دیدن اجساد غرقه به خون معصوم‌ترین افراد بشر؟ زنان و یا اطفال بی‌گناه؟ نه نه این گریه به راستی نیست. این رؤسای جمهور قضیه را از چشم یک پدر دیده نمی‌توانند. آن گاهی که پدران و مادران اطفال کشته شده خون می‌گریستند و رئیس‌جمهور به آن‌ها دعای مردم و محبت دنیا را پیام می‌نمود؟ کی می‌داند.

پدر و مادر آدم لانزا قاتلی که همه به خونش تشنه بودند، چند سال پیش طلاق گرفته بودند آن‌ها حتی تصور وضعیت او و برادرش را نمی‌کردند و یا این که اصلاً وقت نیافته بودند که ذهن آنان بخوانند.

اواخر فردای روز حادثه حمله خونین مکتب، پدرش، پیتر لانزا به جواب پولیس صرف گفته بود:

«در این حادثه، حالت نابوری دارم و تلاش برای پیدا کردن هر آنچه که پاسخ مرا بدهد سرگیجه‌آمیز ساخته است. مراد درک کنید. نمی‌توانم، نمی‌توانم باور کنم.»

من هم که رفیق لانزا بودم مثل پدر لانزا سرگیجه شده بودم. دلم می‌خواست، نزد پولیس بروم و همه مشخصات رفیق امریکایی‌ام را بگویم ولی چی باید می‌گفتم؟ قصه مشخصی از لانزا نداشتم که بتواند حرفم را به کرسی بنشانند و بازگو کنند غوغای درونی لانزا باشد. در حقیقت نمی‌دانستم که او در چی حالی است. عجب مارمولکی بوده این لانزا که من که چقدر سرش حساب می‌کردم. وقتی لانزا دست خوش غوغای درونی‌اش بود، همه خاموش بودند. پولیس، مردم، والدین‌اش و حتی رئیس‌جمهوری که بعدها به منظور پل خواباندن ملت‌اش اشک ریخت و قضیه را پدران توصیف می‌کرد. من و هزاران رفیق دیگر او؟ زمانی که شعله‌های سرکشی ذهن و فکر او را احتوا کرده بود، به کله‌اش چارچ‌های منفی می‌فرستاد. یا خلای درونی که برایش مغاک‌های وحشت‌انگیزی ترسیم کرده بود. ما کجا بودیم؟ هیچ کس صدایش را نمی‌شنیدیم و پی به فریاد درونی او نمی‌بردیم. ای وای چقدر عجیب است. لانزا بعضاً که رنگش می‌پرید، با من سرگوشی نموده می‌گفت:

در سرم غوغایی است که چون موربانه مغزم را می‌خورد. جای سنگی که برادرم به سرم زده درد می‌کند. احساس

می‌کنم که درد در تار تار رگ‌های سرم جان می‌گیرد، بزرگ می‌شود و فریادهایم را باعث می‌شود. مغزم به هیجان می‌آید و قوه نامرعی‌ئی دست به کار می‌شود، تشویق می‌نماید که برو. برو و او را چون خودات بساز... برو. برو. اورا بکش. وقتی ازش توزیع می‌خواستم خنده بلندی نموده می‌گفت:

چطور هستم در تمثیل...؟ حتماً بچه فلم می‌شوم! بعد ماهرانه حرفش را تغییر می‌داد و مرا و افکارم را به بازی می‌گرفت. من را ببین که هم چقدر سطحی‌نگر بودم و باور می‌کردم.

لانزا به کمپیوتر و تکنالوجی نه تنها علاقه داشت بلکه دست رسی خاصی نیز در هر دکمه و سیم قطع وصل‌اش داشت. او با مهارت آب خوردن پروگرام می‌ساخت، سرج می‌کرد کله‌های فن‌آوری درست می‌کرد و... وقتی با من چت می‌کرد بامهارت یک پرفیسور می‌نوشت. در ایمیل‌های که برایم می‌فرستاد کلمات را به بازی می‌گرفت و نوشته‌هایش آرامش‌بخش‌تر از خودش می‌بود. شکار، نشانه‌گیری و بازی با گیم‌هاییکه بُرد و باخت می‌داشت از روش‌های هر لحظه‌اش بود. همیشه انگشت شهادت‌اش را به سوی من نشانه می‌گرفت و بعد خندیده می‌گفت:

ترسیدی آهوگ من! ترا بسیار دوست دارم. صرف می‌خواهم تنهایم نگذاری، از تنهایی بسیار می‌ترسم. مانند اطفالی که از سیاهی و تاریکی می‌ترسند. وقتی پیش چشمانم پرده سیاه شب می‌آید از همه می‌ترسم حتی از تو، از مادرم، از پدر و برادرم. بعد هر دوی ما خنده می‌کردیم و به بازی ادامه می‌دادیم. برد همیشه با وی بود. ولی نامرد نبود. گاهی عمداً می‌باخت و رضایت مرا می‌گرفت. ای کاش آن حرف‌های او را جدی می‌گرفتم. نمی‌فهمیدم، شاید هم او قصداً مرا سردرگم می‌ساخت.

در تحقیقات هر لحظه‌ام که از رساله‌ها داشتم نوشته بودند که: «اطرافیان و استادان لانزا از ذکاوتش توصیف کرده‌اند» من مثل همه در تعجب بودم که پس منظر آن‌همه ذکاوت این کار احمقانه‌اش بود، یعنی چی. ؟ برایم باور کردنی نبود. باورم نمی‌شد که او به چی مهارتی سر من و سر همه اطرافیان‌ش را شیره مالیده بود. شاید آن هم از ذکاوتش بوده. چه می‌دانم. همین حالا وقتی باهم بودن با او را به یاد می‌آورم مو بر اندامم راست می‌شود. تصور می‌کنم چشمان ریز ریزش بزرگ می‌شوند و مرا می‌بلعند. / ادامه دارد



خاطره تعویلداری یکتا
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
 در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
 khaterehyekta@yahoo.ca

تدریس خصوصی Trading

• فارکس
 • بورس
 • ارز دیجیتال
 • میاندی - حرفه‌ای
 جلسه اول رایگان

سازنگ (438) 220-1204

Spa Illusion
 ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER



514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
 Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

هر روز هر روز
مونترال <> تورنتو <> مونترال
 مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی
Montreal: 514-887-0432
Toronto: 647-822-2529

حسابداری و مالیات

XL-ON TAX SERVICES INC
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکت ها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

با مدیریت عباس شفیعی
 لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل
 (ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا
 با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
 Montréal, QC, H4B2Y9
 email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

سرور صدر
خدمات حسابداری و دفترداری

Accounting & Bookkeeping Services
With appointment

- ✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها
- ✓ امور دفترداری و حسابداری
- ✓ تاسیس و ثبت شرکت‌ها

(514) 777-3604 loyale.accounting@gmail.com
 5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



خانواده
آشپزی
سرگرمی



		7		1			3
	3	6	4			1	2
8		1		5			
	1		9	4		3	
	5		3		8		6
		4		2	1		9
				3		2	8
4		2			9	7	5
	7			8		6	

▲ نرمال

	8	3		5	7		
4	9		8	2			
						6	8
5				7			3
		7		1		8	
	6			8			1
	3	5					
				3	1		4
				5	6		3
						3	9

▲ متوسط

7			3				
9		8			2		
					1		2
						3	1
			6		8		
		7					5
1		6	9		3		
6	2		4				
			1			5	
					5		7

▲ سخت

							7
	4	9	7	5		2	6
		1				9	
				1			3
				2	6	8	
7						3	
		4					8
3		2		7	4	6	5
6							

▲ خیلی سخت

مهسا عباس پور



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

شیرینی کشمشی



«شیرینی کشمشی» یکی از انواع شیرینی‌های ایرانی خوشمزه و بسیار پرطرفدار است که میتوان به دو صورت نرم و خشک آن را تهیه و سرو کرد. اگر دوست دارید شیرینی شما نرم باشد کافی است پس از پخت، بعد از اینکه از داغی افتاد آن در ظرف در بسته نگهداری کنید. ولی اگر مایل هستید خشک باشد، بعد از پخت آن را در معرض هوای آزاد قرار دهید.

هم بخورد، شیرینی در حین پخت پهن می‌شود. کشمش را با ۲ قاشق غذاخوری از آرد مخلوط کنید و کنار بگذارید. این کار باعث می‌شود کشمش در حین پخت نسوزد. آرد و بیکینگ پودر را با هم مخلوط و الک کنید و سپس به همراه کشمش به مواد اضافه کنید و با لیسک هم بزنید. کف سینی فر را کاغذروغنی انداخته و به کمک قیف یا قاشق مواد را در سینی پاپ کنید. روی شیرینی‌ها را پودر قند الک کنید.

شیرینی را در فر از قبل گرم شده با دمای ۱۷۰ درجه سانتیگراد به مدت ۱۵ دقیقه قرار دهید تا اطراف آن کمی طلایی شود. بعد از خارج کردن سینی از فر اجازه دهید شیرینی‌ها کمی خنک شوند و سپس از کاغذ جدا کنید. نوش جان

مواد نان:

۱. آرد سفید
 ۲. پودر قند
 ۳. کره گیاهی
 ۴. روغن مایع
 ۵. تخم‌مرغ
 ۶. وانیل
 ۷. بیکینگ پودر
 ۸. کشمش
- ۱۳۰ گرم
۱۰۰ گرم
۵۰ گرم
۲ قاشق غذاخوری
۱ عدد
نصف قاشق چایخوری
یک‌چهارم قاشق چایخوری
۵۰ گرم

طرز تهیه:

کره، روغن مایع و پودر قند را در ظرفی ریخته و با دور تند همزن به مدت ۲ دقیقه مخلوط کنید تا کرم رنگ و کشدار شود. سپس تخم‌مرغ را به همراه وانیل اضافه کرده و در حد مخلوط شدن هم بزنید. توجه داشته باشید اگر تخم‌مرغ زیاد

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۱۰ تا ۱۶ نوامبر / ۱۹ تا ۲۵ آبان

ترجمه: خاطره تحویل‌داری یکتا

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



اکنون زمان بسیار خوبی برای کار با دیگران، خصوصاً همسر و دوستان نزدیک است. بزرگ‌ترین مزیت آن است که ارتباط و مکالمه با آن‌ها برایتان بسیار آسان می‌شود. البته شاید کش مکش‌هایی با افراد مقام دار داشته باشید، اما دیگران با کمال میل به شما کمک می‌کنند. در اواخر هفته بهتر است به نصایح فردی بزرگ‌تر و با تجربه‌تر از خودتان گوش کنید، زیرا این فرد نکات باارزشی را با شما در میان می‌گذارد. چرا از تجربیات قبلی دیگران استفاده نکنید!

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



این هفته در زندگی شخصی موفق به انجام کارهای بسیاری می‌شوید. این به دلیل آن است که همه‌چیز در مورد خانه، خانواده و والدین برایتان آماده است تا در جهت پیشرفت و انجام کار قدم بردارید. اکنون زمان بسیار خوبی برای تعمیرات و تغییر دکوراسیون خانه است. در این هفته مذاکرات در مورد اموال مشترک و مسائل مالی به‌خوبی پیش می‌رود و شما در نهایت خندان به‌طرف بانک حرکت می‌کنید. در نیمه هفته از جدال بر سر قدرت خودداری کنید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



این هفته بسیار فعال و مفید خواهید بود! تازه‌کارها از حمایت همکاران و دوستان برخوردار می‌شوند. علاوه بر آن از انگیزه کافی برای افزایش درآمد برخوردارید. وقت خود را صرف جذاب‌تر کردن محیط اطرافتان کنید، زیرا از عهده هزینه آن برمی‌آید. اکنون زمان امضاء قراردادهای مالی است. به شکلی غیرمنتظره از سوی رئیس منافع مالی یا ترفیع مقام خواهید داشت. البته برای آن تلاش می‌کنید. آینده متعلق به کسانی است که از قبل خود را آماده کرده‌اند.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



این هفته سریع می‌گذرد. شما با هیجان می‌خواهید نظرات جدید خود را با دیگران در میان بگذارید. این زمان برای تمام کسانی که به تدریس، نوشتن، فروش و بازاریابی اشتغال دارند، زمان بسیار خوبی است، زیرا کلام آن‌ها جادو می‌کند. یکی از دلایل شادی شما در این زمان آن است که می‌توانید خود را همان‌طور که هستید و با هر آنچه دارید، ارج نهید. شاید رقابتی بین شما با یک دوست یا گروه سر بگیرد. اگر چنین باشد، شما آماده هستید.

متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)



خوش به حال شما، چراکه نسبت به دیگران از مزیت‌های بسیاری برخوردار خواهید بود. در این هفته همه از انرژی و انگیزه برای انجام کار برخوردارند، اما شما به دلیل حضور مریخ در موقعیتتان، سرشار از انرژی و آماده عمل هستید! خصوصاً کسانی که در زمینه هنر، ورزش و نمایش کار می‌کنند. این به دلیل آن است که این انرژی فراوان با توانایی‌های خلاق ترکیب می‌شود. هر دعوتی را برای مهمانی و تفریح بپذیرید. سخت تلاش کرده و سخت تفریح کنید.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



مسائل مالی ذهن شما را بیش از همه‌چیز به خود مشغول کرده است. کسانی که تازه کار هستند باید برای افزایش درآمد سخت تلاش کنند. ایده‌های پول‌سازی در ذهن دارید و از طرفی هم برای خود و عزیزانتان پول خرج می‌کنید. این هفته بر روستا، والدین و افراد مهم هم به شکلی مثبت تأثیرگذار هستید. دیگران از شما حمایت می‌کنند، زیرا به کلام شما، که همانند جادو است، پاسخ می‌دهند. از جدال با بچه‌ها در نیمه هفته خودداری کنید.

Agence immobilière
GROUPE IMMOBILIERE
LONDONO
REALTY GROUP INC

شهرام والقان

کارشناس املاک مسکونی

- ✓ خرید، فروش، اجاره، پیش فروش و پیش خرید هوشمندانه
- ✓ کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
- ✓ مشاوره جهت سرمایه‌گذاری مطمئن املاک
- ✓ ارزیابی رایگان ملک شما
- ✓ تسلط به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ترکی

(438) 402-9363

📞 Shahram.alamshahi

📧 Shahram_realtor

📧 shahram@londonogroup.com

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



چهار هفته خوبی را با محبوبیت در پیش رو داریدانه تنها از هم نشینی با دوستان، خصوصاً افراد خلاق و هنرمند، لذت می‌برید، بلکه تعامل با گروه‌ها و کلوپ‌ها هم برایتان جذاب است. بسیاری از متولدین دی با انجام کارهای داوطلبانه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، به دیگران کمک می‌کنند. باید بگوییم ماه‌های نوامبر و دسامبر برایتان چالش‌هایی را به دنبال دارد و موانعی باعث می‌شوند برای انجام کارهای زیادی، ناگزیر کمی سخت‌تر عمل و تلاش کنید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



در چهار هفته آینده بسیار قدرتمند خواهید بود، زیرا این تنها زمانی است که خورشید در بالای موقعیت شما قرار گرفته و با تابش مستقیم، شما را در مرکز توجه همگان قرار می‌دهد. اما فقط این نیست. در این زمان دیگران، خصوصاً روستا، والدین، معلمان و افراد مهم، حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، شما را می‌ستایند. قطعاً می‌توانید از این شرایط به نفع خود استفاده کنید. آنچه را می‌خواهید در برنامه کاری خود قرار داده و درخواست کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



شما اکنون در جهان جدیدی هستید و این بسیار هیجان‌انگیز است. شاید دلیلش آن است که بیشتر از همیشه می‌توانید سفر کرده و به ماجراجویی بپردازید. ممکن است قدم در کوچه‌های جدیدی در رابطه با چاپ، مطبوعات، پزشکی، حقوق و یا تحصیلات عالی بگذارید. زندگی برایتان چالش‌های بسیاری به همراه دارد. سعی کنی برای جلوگیری از هر سوء تفاهمی، سخنان خود را واضح مطرح کنید. مسائل را در خانه و خانواده بدون فشار حل کنید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



چقدر عالی! خورشید، عطارد و حاکم شما ونوس همگی در موقعیت شما بوده و با مریخ پرنانری و زحل عبوس به رقص مشغولند. حضور همه آن‌ها همان انفجار انرژی است که به نفع شماست! این انرژی حمایت‌گر و خوش‌یمن است. در صحبت با دیگران و بیان نظرات خود تردید نکنید. این هفته زمان خوبی برای متقاعد کردن دیگران است. مراقب باشید در نیمه هفته با اعضاء خانواده جدال نداشته باشید. بهتر است برای سفر و تعطیلات در آینده برنامه‌ریزی کنید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



این هفته زمان کنجکاو است. همه به جستجو در اطراف مشغولند! با این وجود شما حتی اگر هم با احتیاط عمل کنید، مفید خواهید بود. اگر در سیستم پلیس و امنیت یا تحقیقات پزشکی کار می‌کنید، در به دست آوردن اطلاعاتی که مورد نیاز هست، بسیار مفید خواهید بود. سعی کنید از جدال خودداری کنید، چراکه کمکی به شما نمی‌کند. فراموش نکنید امسال می‌توانید در شغل خود ارتقاء گرفته یا شغل بهتری برای خود پیدا کنید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



در چهار هفته آینده می‌خواهید در علف‌ها دراز بکشید و توجه کمتری را به خود جلب کنید. متولدین این ماه آینده‌گرا هستند و به همین جهت اهدافی در ذهن دارند و می‌توانند احساس کنند در چه مسیری باید قدم بردارند. خوشبختانه می‌توانید در چند هفته آینده به تعیین اهداف خود بپردازید. اهداف به شما امکان می‌دهند تمرکز بهتری بر آنچه برایتان مهم است، داشته باشید. اهداف شما را یاری می‌کنند بهتر بتوانید آینده خود را در کنترل داشته باشید.



Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار و انواع مواد غذایی ایرانی و خارجی در شعب

فروشگاه ایرانی بازار

Downtown: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3 (514) 846 1617
Westmount: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8 (438) 771 8778

🌐 bazaarfood.ca 📍 bazaar.epicerie 🍷 superbazaar 📍 bazaairaniansuper

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01



- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و برآورد رایگان (514) 942-9969
www.amajco.ca

شعر هفته

بهروز مایلزاده

ما شیره کشانیم به وافور ولایت

ما شیره کشانیم به وافور ولایت
 خنثی شدگانیم به کافور ولایت
 ما گوشت حلالیم به توپخانه آقا
 مثله شدگانیم به ساطور ولایت
 بیعت بنمودیم به هر آنچه بفرمود
 مسموم شدگانیم به انگور ولایت
 بس داد کشیدیم به قورخانه حضرت
 چون کر شدگانیم به شیپور ولایت
 ما جمله جهیدیم به این مجلس عظما
 رقصان و غزل خوان، به تنبور ولایت
 گر شیخ ز ما خواست که خاموش بمانیم
 ما سر بنهادیم به مأمور ولایت
 از بس که شجاعیم در این ملک بلاخیز
 ریذیم همی بر خود و بر گور ولایت
 گفتست رفیقی که چه شیرین شدی امشب
 گفتم که بپرس این، ز زنبور ولایت

گشت ارشاد آبکی!

حکایت هفته

جانشین فرمانده مرزبانی ناجا، از برخورد دریابانی با مصادیق بدحجابی و بدپوششی در سطح دریا و شناورهای تفریحی خبر داد. وی با بیان اینکه دریابانی بر شناورهای تفریحی نیز نظارت دارد و با افراد خاطلی و هنجارشکن برخورد خواهد کرد، به ایسنا گفت: «به همین منظور تعدادی جت اسکی تهیه شده تا نظارت بر شناورها نیز انجام شود.»

جانشین فرمانده مرزبانی ناجا، درباره چرایی برخورد با بدحجابی روی شناورها نیز گفت: «همان طور که با بدحجابی در خودروها نیز برخورد می‌شود، ما در شناورها نیز همین کار را انجام می‌دهیم.» ایشان در ادامه، ادامه دادند: «ون‌های گشت ارشاد به‌طور ۲۴ ساعته در آب‌های دریای خزر و خلیج همیشه فارس مستقر هستند و با مصادیق بدحجابی برخورد می‌کنند. همچنین قایق‌های تندرو به‌طور دائم به گشت زنی می‌پردازند. گزارش‌ها نشان می‌دهد عده‌ای پا را فراتر می‌گذارند و از مرحله بدحجاب به مرحله بی‌حجاب می‌رسند و هنگامی که از ساحل دور می‌شوند، از لباس‌های خود برائت می‌جویند. در این مرحله، ما از ناوشکن جماران برای منهدم کردن فرد بی‌حجاب استفاده می‌کنیم که حاصل کار و توانمندی مهندسان داخلی کشورمان است.»

سردار احمدی مقدم گفتند: «بر اساس نظرسنجی‌ها، کسانی که کمتر ماهواره نگاه می‌کنند، بیشتر به آقای روحانی رأی داده‌اند. بنده هم باید اضافه کنم، بر اساس همین نظرسنجی‌ها مهم‌ترین دلیل سونامی، بی‌حجابی در دریاها و سواحل است؛ وگرنه چرا در یزد سونامی نمی‌آید؟ اکثر کسانی که در دریاها توسط کوسه‌ها خورده می‌شوند، افراد بی‌حجاب هستند، به همین خاطر است که ما می‌گوییم: حجاب مصونیت است نه محدودیت!»

سردار ادامه داد: ما همه‌جا مستقر هستیم، حتی جاهایی که هیچ ترددی وجود ندارد. چراکه کسانی که می‌خواهند بی‌حجابی کنند، به مکان‌هایی که ترددی وجود ندارد مراجعه می‌کنند و دست به بی‌حجابی می‌زنند. از جمله این مکان‌ها می‌توان به دشت کویر، جنگل‌های بلوط زاگرس، تنگه هرمز، قله دماوند، سواره سلفچگان، لای درختچه‌های سرخه‌حصار و باتلاق گاوخونی نام برد. برای کنترل بی‌حجابی در خارج از مرزها نیز، نیروهای قدس در این امر به ما یاری خواهند رساند.

منبع: (این کتاب مجوز دارد، محمدرضا ستوده. تهران؛ ماهریس، ۱۳۹۷)

نکته هفته

مولانا شمس را گفت: پس زخم‌هایت چه؟! و او پاسخ داد: نور از محل آنها وارد می‌شود...

نقل قول هفته

فریدون مشیری: چشم بیدار بر این تلخی ایام ببند، خواب‌های شکرین بهر تو دیده‌ست بهار...

ضرب‌المثل هفته

پارسی: به‌جز شیخ و ملا که غارت‌گرند، بنی‌آدم اعضای یکدیگرند. انگلیسی: تجربه، مادر/پدر خرد است.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- 👉 نصاب فیلترشکن ... تنها شغلی که دولت رئیسی ایجاد کرد.
- 👉 از بس که بالای تلگرامم واژه «در حال اتصال...» میاد و میره ... بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم پاول دورف اسم تلگرام رو عوض کرده و اسمش رو گذاشته «در حال اتصال...»
- 👉 تو این مملکت ... پیدا کردن هروئین از پیدا کردن فیلترشکن آسون‌تره!
- 👉 با توجه به شانسم ... ایمان دارم که اگر خارجم به دنیا می‌اومدم، ایران ابرقدرت جهان بود!
- 👉 اینترنت این‌قدر کند شده که ... اگر پیاده بری دفتر مرکزی گوگل سؤالت رو بپرسی زودتر به جواب می‌رسی!
- 👉 دیدی هر دفعه می‌ری سلمونی خراب می‌کنه ولی دفعه بعد بازم همون‌جا میری؟! ... همون مدلی می‌خوامت.
- 👉 ایران یک بازی برای اندروید ساخته که باهاش مسافرکشی می‌کنی امتیاز می‌گیری ... به هر حال آماده کردن ذهن کودکان برای پذیرش آینده لازمه!

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل های هنری
 برای آقایان
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقس، سبزی خشک و
 (514) 369-3474
 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montréal QC, H4A 1X1

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

TRUCK DRIVER

PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A
 FULL-TIME JOB FOR MONTREAL. PLS. SEND YOUR
 CV TO:

ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
 کره ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می کند:

ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
 است.

نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوگی

مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی های متمول
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملا منعطف

Hiring by: Family Care Services

Please contact Ms. Anna Lee

514-690-7005

Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

جای آگهی شما

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره‌های نوشته نشده ۵۱۴ هستند

بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	۵۵۳-۰۹۷۸	مهدی امانی	۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی	۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶	اتومبیل (فروش)
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکزاد	۶۵۱-۲۸۲۶	بهار ایزدی	مهدی انصاری	Auto Highlander	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست	۹۷۱-۷۴۰۷	کاظم پرتوتهرانی	مه‌رک ایرانفر	www.autohighlander.com	
۲۹۶-۷۳۰۶	مرزگان رجبی	۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر	۸۱۳-۱۰۰۰	1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7	
۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی	۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	۶۵۱-۲۸۲۶	اتومبیل - تعمیرگاه	
۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶	فریبا علیزاده	۶۷۷-۳۹۰۰	محمود رحیمزاده	۹۷۱-۷۴۰۷	اطلس	
بیمه - خودرو - خانه - سفر	۶۹۰-۶۱۸۱	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	نازک سلیمان‌پور	۹۹۵-۳۰۴۱	6000 saint jaque H4A 2E9	
متین تیره‌دست (بیمه سفر)	۷۳۰-۳۹۰۹	۶۷۷-۳۹۰۰	آرش شکور	۹۶۹-۲۴۹۲	شمیران	
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	۲۹۰-۲۲۱۰	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	شهره شهریان	۶۷۷-۳۹۰۰	آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
مهرداد ملک جمشیدی	۶۲۵-۲۵۲۵	۷۳۰-۳۹۰۹	سحر صمدایی	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	رویا	
محمد تائبی	۸۶۶-۲۴۶۳	۲۹۰-۲۲۱۰	رکسان صمیم	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	سیروس	
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	۶۹۰-۶۱۸۱	۶۲۵-۲۵۲۵	هلیا عارفی‌دوست	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	فریبا	
متین تیره‌دست	۷۴۶-۹۳۹۹	۹۹۶-۱۰۶۵	آرزو گتمیری	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	مه‌رناز	
امین طاهری	۷۴۶-۹۳۹۹	۵۶۱-۳۵۶۱	نینوس گیورگینیا	۹۹۶-۱۰۶۵	Spa Illusion	
پس‌انداز تحصیلی	۷۷۸-۷۳۷۷	۸۱۶-۴۰۸۰	حامد ملکی	۵۶۱-۳۵۶۱	آرز و صرافی	
مروارید معماریان	۷۷۸-۷۳۷۷	۵۵۷-۱۹۲۹	الهام نیاجامی	۸۱۶-۴۰۸۰	آبادانا	
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	۸۴۶-۸۸۷۲	۹۶۶-۹۶۸۱	مانیا نیازی	۵۵۷-۱۹۲۹	بیستی	
حسین ترکپور	۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	۲۲۲-۲۲۹۳	شهرام والقان	۹۶۶-۹۶۸۱	پنج ستاره	
لاله رهبین	۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳	هایک هارتونیان	۲۲۲-۲۲۹۳	شریف	
الهام گرامی	۴۳۱-۲۸۲۶	۵۷۴-۶۱۶۲	فیروز هم‌تیان	۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳	پاسیفیک	
ترجمه و دعوت‌نامه رسمی	۴۳۱-۲۸۲۶	۸۲۷-۶۳۶۴	املاک - تعمیرات ساختمان	۵۷۴-۶۱۶۲	Expert FX	
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹	۸۲۷-۶۳۶۴	شرکت آماج	۸۲۷-۶۳۶۴	آژانس مسافرتی	
آرزو تحویل‌داری یکتا	۷۳۰-۷۴۶۲	۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت بن	۸۲۷-۶۳۶۴	سلطان تراول	
خاطره تحویل‌داری یکتا	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	۴۴۱-۴۲۹۵	لوله‌کشی پتانسیل	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	آموزش - مدارس و موسسات	
رضا داوودی	۶۹۱-۴۳۸۳	۴۶۳-۳۰۱۴	Pars Construction Group	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	کالج فنی و حرفه‌ای اویرون	
حمید شورکایی	۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲	۲۹۰-۲۹۵۹	املاک - بازرسی ساختمان	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	انجمن خوشنویسان	
سارا کیانی	۸۸۴-۱۰۱۶	۹۷۱-۱۳۵۹	محمودرضا اسکندری	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	مدرسه دهخدا	
فیروزه مسیحا	۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵	۶۶۳-۷۲۱۵	علیرضا شریف‌زاده	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	مدرسه فردوسی	
چاپ و کپی	۴۸۸-۵۳۳۳	۵۰۸-۳۸۱۱	حسین فرهمند	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	کالج فنگی	
فتوکپی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵	صبا المعی	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	مدرسه وست آیلند	
حسابداری	۵۴۹-۱۳۴۴	۶۰۶-۵۶۲۶	بهروز باباخانی	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	آموزش - موسیقی	
حجت رستمی	۸۸۶-۷۴۷۱	۹۶۲-۸۸۳۰	هومن بصیر	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	استاد بیان‌بست قره‌چه داغی	
عباس شفيعی	۸۰۶-۰۰۶۰	۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	پیانو / فخاریان	
سرور صدر	۷۷۷-۳۶۰۴	۴۳۸-۹۲۶-۵۶۲۶	مریم رضانلو	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	پیانو / TwinMuse	
اردشیر معین افشاری	۴۵۸-۷۵۹۹	۵۷۶-۵۰۲۳	کتی کرکچی (Desjardins Bank)	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	سنتور / صابر جلیل‌زاده	
Elan Accounting	۲۲۵-۳۵۰۰	۸۳۴-۸۰۵۳	مه‌رداد مرادخانی	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	آموزش - زبان	
				۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	دکتر رضا یاوریان	
				۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	املاک - مشاور املاک	
				۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	محمد اجزایی	

کتاب فروشی - کتابخانه	کباب سرا - اتواتر	حمل و نقل
کتابخانه نیما	755 Atwater Ave.	المپیک
نوروززمین	کباب سرا - نانزآیلند	قربان
محضر رسمی	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	Loadex Transport
مونا صالحی	سی دی - ویدپو	داروخانه
مراکز مذهبی	تپش	پروکسیم
انجمن بهایی	عکاسی و فیلمبرداری	گل نسیم ریاحی
موسسه خوبی	استودیو رز	فارماپری لاوال
مشاور مهاجرت	استودیو فتوبوک	فارماپری لاوال
روادید	عکاسی مهنان	دندانپزشک
معصومه علی محمدی	فرش و موکت	راضیه رضوی
کنجی	قالی شویی و رفو	شریف نائینی
www.GanjiCo.com	فروشگاهها	فریدون هرنیدیان
علی مختاری	الامانه	رسانه‌های گروهی
سپهیل ملاحمدي	بازار	بازار
نان و شیرینی	دانیکا	پیوند
سنکک آذر	Exo Fruits	ر-می
کندم	کامپیوتر و خدمات	هفته
وکیل	بیژن جلالی	رستوران - کیتترینگ
نیوشا ریاحی		پوشاپ (هندي)

جای آگهی شما



**تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.**
**اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.**
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

محل‌های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
508 Gladstone Ave
۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶

فروشگاه شیراز
725 Somerset St W . K1R 6P7
۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷

فروشگاه کابل
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1
۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶

رستوران دونرما
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7
۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱

افغان کباب اکسپرس
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2
۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰

محل جدید پخش هفته در اتاوا
دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

■ www.hafteh.ca
■ info@hafteh.ca

16. Histoire de couverture

Le corps féminin dans l'histoire du cinéma iranien
Un regard sur le hijab dans le cinéma patriarcal avant la révolution 1979

■ Saeed Noori



Cover
NO.704

12 Reportage: Ashkan Amiri
L'Université McGill et ses doubles standards : cette performance est terrifiante

31 Littérature: Mariam Hosseini
In the Square, une nouvelle d'Elizabeth Bowen

36 Critique de livre: Mostafa Azizi
Trois livres de trois types sur la prison et l'isolement cellulaire en République islamique

46 Point de vue: Babak Farzami
La République islamique est un modèle de gouvernement rate

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
Une interview exclusive avec le Dr Khoshnazar Pamirzad



Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

10 nov 2022, numéro 704

Hafteh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
July 7th October 13th

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.



ساختمان جدید پریا

با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی و مردمی در حال ساخت می‌باشد



Parya Construction Site - September 2022



بنیاد پریا
Parya Trillium
Foundation

بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer
به admin@parya.org و یا به ایمیل

[www.canadahelps.org/en/charities/
parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد
برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید

www.parya.org



Your \$2000 gift will be recognized
as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000
will be permanently recognized
on the **Recognition Wall**
at the building entrance.



2010



2011



2023

صرافی
بِیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!





80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible




روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- جوشکاری و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Électricité
- برق کاری
- Soutien Informatique
- پشتیبانی کامپیوتر

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری یا آنلاین در محل یا به صورت آنلاین




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane www.avirontech.com 514-739-3010

à vendre



566, Rue De La Noue, Montréal (Verdun/Ile-des-Soeurs),
Neighbourhood Ile-des-Soeurs

Centris No. 23335223
\$499,000

à vendre



1808, Rue de Beaulac,
Chambly

Centris No. 10936619
\$859,000

à vendre



6315 - 6317, Rue Garnier, Montréal (Rosemont/La Petite-Patrie),
Neighbourhood La Petite-Patrie

Centris No. 221688739
\$919,000

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

514-588-0609

